



تاکتیک و استراتژی انتفاضه ملت عرب
(جلد نخست)

عادل عباسی رُبیخه

پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی

ضمن تشکر و قدردانی از زحمات، تلاش و کوشش،
آقای فرزاد جاسمی
و از مناضل خستگی ناپذیر
عادل سویدی
در تهیه و ارسال اسناد و مدارک لازم.

تاکتیک و استراتژی انتفاضه ملت عرب (جلد نخست)
نویسنده: عادل عباسی رُبیخه
پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی
تایپ و صفحه آرایی: فرزاد جاسمی

فهرست:

مقدمه

دیدگاه ها

ساختار امنیتی - سیاسی - اقتصادی

استراتژی - تاکتیک

لجنة مساعى الحميده

انتفاضة نيسان: انرژی خفته ملت عرب را بیدار کرد

گفته:

آرمان داشتن یعنی مجاهده در راه تبدیل امور غیر ممکن به امور ممکن. باور به آرمان به معنی باور مؤکد به ایجاد و به وجود آوردن از عدم است.

کایسر:

آرمان زایل کننده عدم تحرک طبیعی انسان است و او را به استعداد جدیدی مجهز می کند و آن استعداد توانایی تجدید بنای آرمان سیاسی است. معنای جمعی آرمان شایان توجه است. وقتی آرمان شکل و حالت جمعی به خود بگیرد، اهمیت و عظمتی بی اندازه در رقم زدن تاریخی جدید برای جامعه ای خاص پیدا می کند. زمان انتخاب آرمان خاص توسط یک ملت، لحظه واقعه یا لحظه بنیان گذار در تاریخ آن ملت است.

اگر پیوسته به نا ممکن حمله نکنیم، هیچ گاه به ممکن دست
نمی یابیم ...
کسی که می تواند چنین تلاشی را پی گیرد، باید قهرمان باشد،
چنین شخصیتی قابلیت حرفه سیاست را دارد.

ماکس وبر، دانشمند و سیاستمدار (۱۹۱۹)

مقدمه:

تغییر و تحولات جامعه به لحاظ ساختاری دارای شکاف های عمیق اجتماعی - سیاسی است. تحولات سنوات و ماه های گذشته منجر به تنش ها و چالش های عمیقی گشت و ساختار کنونی کشور بدیل و کاندیدای تنش های اجتماعی - سیاسی گردید. شکاف سیاسی و نگرش به پدیده های اجتماعی موضوع مناقشه، بانی و باعث استمرار آن گردید. شکافی که از بدو تشکیل و تاسیس جمهوری اسلامی ایران تا کنون تنها عنصر دینی و ایدئولوژی صفویه عامل انسجام و پیوستگی درونی کشور به شمار رفته و می رود.

رشد افکار و ایده های قشرهای اجتماعی و تغییرات وسیع و شکاف در بدنه حاکمیت و نظام و جامعه بین المللی و تحولات سریع در نوع نگرش به تحولات و امکانات متحول و پیشرفته عصر معاصر و پذیرش ایده های نوین جیل جدید، پروسه ای نوین در برابر افکار و اندیشه های ولی فقیه و ولایت فقیه و به چالش کشیدن ماهیت اهدافی است که در پس افکار و اندیشه های نمادین تلاش جامعه کنونی برای برون رفت از چالش ها و تنش ها و تعارضات روز افزون داخلی و خارجی نهفته است.

ج. ا. با عجین و ادغام نمودن ایدئولوژی صفویه و ناسیونالیسم مذهبی حاکم در پی تحقق اهداف استراتژی تاریخی خویش است. اهدافی که در برابر و جهت متضاد با مدرنیته و ارزش های لیبرالی نسل جدید قد بر افراشته و خواهان به کرسی نشاندن ایده ها - اهداف و طموحات خویش است. تغییراتی که در واقع ناشی از تحولات نوین در عرصه و ساختار بین المللی بوده و

ضرورت همگامی و پیشگامی با تحولات کنونی را به صورت عینی در آورده است.

سیاست های مخرب و ویرانگر جمهوری اسلامی، روندی صد در صد بر علیه پروسه سکولاریزه شدن جامعه بوده و هست. به همین خاطر کلیه مؤسسات مذهبی و حوزه های علمیه و مدارس (مذهبی در جهت ترویج و گسترش ایدئولوژی صفویه) در این راستا فعال بوده و به ایجاد نوعی حاکمیت دوگانه منجر گردیده است.

تصادها و چالش های آینده حاکمیت (دولتمردان) با ملت های جغرافیای سیاسی ایران در ابعاد سیاسی - اجتماعی و فرهنگی افزایش چشمگیری یافته و نتایج ایجابی در جهت تحقق اهداف و خواسته های ملت ها و تعمیق تحولات در سرتاسر کشور را به همراه داشته و خواهد داشت. تضادهایی که در جریان تحولات گسترده کشور و فضای سیاسی موجود، نه تنها سهم بسزایی را از آن خود نموده، بلکه احزاب - سازمان ها - جبهه و کلیه نیروهای متشکل و منسجم را دستخوش تغییرات عمده ای نسبت به دیدگاه ها و تجزیه و تحلیل شرایط موجود نموده است. تحولات سیاسی نوین منجر به قطب بندی های متفاوتی در عرصه ی سیاسی کشور گردیده است. تغییرات و تحولاتی که ریشه در گذشته داشته و نتیجه و بازده چالش های گذشته و حال بوده و گشودن فصل جدیدی در تحولات سیاسی - اجتماعی کشور را نوید می دهد! واقعیت های کنونی از تبعیض ها - فقر - اعدام های دسته جمعی و نا برابری های اجتماعی - سیاسی مسلط بر جامعه نشأت گرفته و تأثیری ژرف بر ساختار سیاسی - اجتماعی کشور نهاده و فضای سیاسی کنونی، آرایش نیروها و طیف های مختلف را دست خوش تغییرات جدی نموده است.

شرایطی که زمینه های عینی و ذهنی لازم جهت تغییرات بنیادی سیاسی - اجتماعی و تغییر و تحول شرایط موجود فضای سیاسی کشور را فراهم نموده است.

تحولات کنونی، که نگرش دولتمردان حاکم را بسوی گرایش به ارباب و توسل به قوه قهریه سوق داده مبین مراحل مختلف پیش روی در اشکال گوناگون آنست. مواردی که در سطح جامعه متبلور شده، ابعاد تاریخی - سیاسی - حقوقی و قواعد خاص خود را به دنبال داشته و ضمن برخورداری از ماهیتی کاملاً سیاسی، از ابعاد رویارویی نظامی - امنیتی - سیاسی برخوردار می باشد.

دهه های گذشته مبین عملکردهای مخرب، ویرانگر، ضد ملی و تبهکارانه ی دولتمردان جمهوری اسلامی می باشد! عملکردهای ضد بشری و انسان ستیزانه ای که بر دامنه ی بحران های حاکم بر جغرافیای سیاسی ملت های در محدوده ی ایران و تداوم آنها افزوده و دیدگاه ها و برداشت های متنوعی نسبت به تحولات مزبور را در پی داشته است. دیدگاه ها و نظریه هایی که به نوبه ی خود در خور تعمق بوده و به نسبت عینیت و دارا بودن مضمون و محتوای مردمی و انسانی دارای اهمیت بوده و هستند.

علیرغم فراز و نشیب های فراوان و گوناگونی که پشت سر گذاشته ایم، باید پذیرفت و از نظر دور نداشت که روند کنونی استمرار و تکمیل کننده ی همه ی تغییرات و تحولات گذشته بوده و ریشه ای عمیق در تاریخ ملت های محدوده ی جغرافیایی ایران دارد.

لازم به یادآوریست که موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ملت های محدوده جغرافیایی ایران نسبت به یکدیگر متفاوت بوده و هر یک از وضعیت و فاکتورهای خصوصی بیشماری

برخوردار می باشند. فاکتورها و ویژگی هایی که به هیچ وجه یک سان و برابر نبوده و نیستند! و چنین ویژگی هایی بر اهمیت موضوع و نقش ملت در تغییر و تحولات موجود و آینده ی کشور افزوده است. سیاست تمرکز جمهوری اسلامی بر ساختارهای متعدد و ناکارایی عملکردهای آنها بدون تردید چالش هایی را به همراه داشته و در شکل گیری و تشدید بحران های منطقه و فرا منطقه ای کاملاً مشهود می باشد.

برای مثال: مجموعه ی قابل توجهی از بنیادها و مؤسسات دولتی، نخبه گان و تنوریسین های ایدئولوژی حاکم و غارتگران بین المللی، به توسعه اهداف استراتژیک ضد مردمی حاکمیت، بر اساس نابرابری های اجتماعی و گسترش فرهنگ شوونیستی حاکم بر کشور یاری می رسانند و از اعمال هیچ گونه فشاری بر مردم و ملت های ستمدیده دریغ نمی ورزند!

پیگیری و سرعت عمل دولت در پیشبرد اهداف استراتژیک ضد انسانی و غارتگرانه ی خود در منطقه، سبب گردید تا با نا دیده گرفتن بحران های موجود و طغیان های ناشی از شرایط عینی جامعه ی فلاکت زده و استبداد زده ی ایران و در ازاء تحمیل نابرابری های اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی، اهداف ویرانگر و نامیمون خویش را پیش برده و در استمرار آن از هیچ کوشش بیفرجامی دریغ نوززند! مهمترین جنبه چنین اهداف ویرانگرانه ای پافشاری و گسترش ابعاد سرکوبگرانه ی نظامی - امنیتی - اقتصادی در منطقه بدون در نظر گرفتن خاستگاه و آرمان های تاریخی - سیاسی ملت عرب منطقه می باشد. سیاست قابل توجه و نا مؤثر مؤسسات و بنیادهای دولت در منطقه ترسیم کننده و تعیین کننده اهداف شوم و ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی و غارتگران منطقه ای و بین المللی متحد آنان بوده و هست.

تلاش، همسویی و همگرایی طیف های وسیعی از هواداران و طرفداران ایدئولوژی حاکم، مهیا نمودن فضای ذهنی نسل جدید بمنظور مقابله و رویارویی و ایستادگی در برابر تحولات و خواسته های مشروع ملت های جغرافیای سیاسی ایران و سرکوب و به خاک و خون کشیدن هر حرکت و جنبش عدالت جویانه و حق طلبانه ی آنان می باشد.

اما تجربه ی سه دهه بیداد و دیکتاتوری رژیم ولایت فقیه و بیدادگری حاکمان متکی بر ایدئولوژی مسلط، ضرورت اجتناب ناپذیر تغییر و تحولات بنیادی اوضاع را به اثبات رسانیده و شرابط و دیدگاه خاصی به نیروهای تحول طلب بخشیده است. رشد آگاهی های عمومی، شرایطی خلاف انتظار و توقع دولتمردان جمهوری اسلامی فراهم آورده و مانعی بزرگ در راه رسیدن به اهداف منفعت طلبانه و ضد انسانی شان بوجود آورده است! از سوی دیگر، وجود پیوندهای گسترده ملت ها و ارتباطات دنیای مدرن، رژیم را در مخصصه ای عجیب گرفتار نموده و آنان را بر سر دو راهی عدم وجود قرار داده است! ضرورت تثبیت اوضاع و عبور از شرایط بحرانی کنونی از سویی و پافشاری بر عناد و شیوه ی مردم ستیزی که اضمحلال و نابودی رژیم ملایان را در پی خواهد داشت، از سوی دیگر، ولایت فقیه و تمامیت سیستم موجود را به چالش طلبیده و پنجه در پنجه ی یکی از سفاکترین و ضد مردمی ترین حاکمیت های تاریخ بشری انداخته است.

با استناد به اسناد و شواهد دهه های گذشته و شرایط موجود، برخوردهای ج. ا. ا. در قبال خواسته ها و مطالبات تحول طلبانه مردم، مبتنی بر مقابله و برخوردهای خشونت آمیز بوده است. از آنجا که عوامل بیشماری در تمامی موارد سیاسی - اجتماعی جامعه نقش مؤثری بازی نموده و زمینه ی مادی و معنوی

تغییرات و تحولات آتی را فراهم می آورند، عملکرد مستبدانه و سُبْعانه ی رهبران و دولتمردان جمهوری اسلامی و سیاست های تحقیرگرانه و تبعیض آمیزشان در قبال ملت های جغرافیای سیاسی ایران، به ویژه ملت عرب، تأثیرات مخرب قابل توجهی بر جای گذاشته است. از آنجا که نقش و اهمیت موضوع از اهمیت زیادی برخوردار بوده، ملت عرب استراتژی خویش را بر مبنای تداوم انتفاضه و همگامی با دیگر ملل کشور تا رسیدن به خواسته ی نهایی و استقرار دموکراسی و جامعه ی مدنی مطرح نموده است! استراتژی اتخاذ شده از سوی ملت عرب، بمتابۀ اتخاذ استراتژی مشترک و خواسته های مشترک تمامی ملت های جغرافیای سیاسی ایران بوده و با توجه به شرایط بین المللی، در برابر استراتژی ها و تاکتیک های مطرح شده از سوی دولتمردان ج. ا. ا. است که در برابر دو عامل زیرین آسیب پذیر بوده و تا کنون هزینه سنگینی در قبال آن پرداخته و از این پس نیز پرداخت خواهد نمود.

۱ - عرصه داخلی: که ضرورت بلامنازع تغییر ساختار های سیاسی - اقتصادی - فرهنگی جامعه را می طلبد.

۲ - در عرصه بین المللی: که خانه تکانی عمیق در سیاست خارجی و تغییر استراتژی هلال شیعه - عدم مداخله در امور داخلی کشورها - شفاف سازی ساختار هسته ای - نظامی را مطالبه می کند.

ملت عرب با مشاهده و تجربه های تلخ فروپاشی و آسیمیلیسیون نمودن منطقه و دیموگرافی آن مبارزه نموده است. تحولات تاریخی نوین در این راستا گواه و شاهد چنین ادعایی است. واکنش های نظامی و استبداد حکومت های مرکزی نسبت به ملت عرب، داستان تازه و خلق الساعه ای نبوده و اسناد و شواهد و مدارک آن به وفور در آرشیو امنیتی - نظامی ارتش و

وزارت اطلاعات و دیگر مؤسسات و دواير دولتي بایگانی می باشد. تغییر ساختار حکومت های مرکزی (دولت) و همه ی تحولات نوین و گسترده ای (انقلاب بهمن ماه ۱۳۵۷) که در سطح کشور رخ داده، هیچگونه رویکرد و نگرش مثبتی نسبت به ملت عرب و عدم استمرار اهداف استراتژیک شوونیستی و نژادپرستانه یا ایدئولوژیک دولت مرکزی در قبال آنان به وجود نیاورده است! در طول تاریخ، سیاست مخرب و ایران بر باد ده دولت های مرکزی و برخورد تبعیض آمیزشان با ملت های جغرافیای سیاسی ایران، به ویژه ملت عرب، از نسلی به نسل دیگری منتقل و در هر دوران و عصری ویژگی های نوین را با خود حمل نموده است. تا آنجا که همیشه و در هر عصری منطقه، با ویژگی های متمایز سیاسی - اقتصادی - فرهنگی و موقعیت ژئوپلیتیکی - ژئواستراتژیکی خویش نسبت به سایر مناطق جغرافیایی کشور قرار داشته و کماکان دارد.

تحت حاکمیت حاکم وقت منطقه شیخ خزعل کعبی، نه به لحاظ برتری منطقه بلکه ویژگی های متفاوت مطرح منطقه، آن را نسبت به سایر مناطق کشور متمایز نمود. مهاجرت غیر بومیان به منطقه در قالب نیروی متخصص بر فاصله طبقاتی و افزایش فقر و میزان بالای بیکاری بومیان منطقه (ملت عرب) افزود. علاوه بر آن، نقش مهمی در پراکندگی نفوس و تغییر بافت و ساختار منطقه ایفا نمود.

اندیشه رهایی از شرایط کنونی و پایان بخشیدن به سیاست تحقیر و تبعیض حاکم بر منطقه و ملت عرب ریشه در فرهنگ - آداب - رسوم و سنت های تاریخی آنان داشته و دارد.

شرایط سخت اقتصادی - اجتماعی تاثیر بسزایی بر عوامل سیاسی - فرهنگی گذاشته است. دیکتاتوری و استبداد خشن تاریخی - سیاسی دولت های مرکزی در برابر ملت عرب،

نابسامانی اوضاع اجتماعی و عدم تعادل در وضعیت منطقه را به همراه داشته است. ملت عرب با اتخاذ و تدوین و تبیین استراتژی عدالت جویانه و برابری خواهانه در برابر ساختار قدرت ویرانگر دولت مرکزی، متحدی ثابت و تقویت کننده ی بنیه و یاری رساننده ی همه ی نیروهای وفادار و ملتزم به تحولات بنیادین و ساختاری در سراسر ایران و منطقه بشمار می رود و بر این باور و اعتقاد است که حمایت های سیاسی - تبلیغاتی (روشنگری) نخبگان و پایداری متحدانه ی ملت های جغرافیای سیاسی ایران، با اتکاء به حمایت معنوی مجامع بین المللی و حمایت افکار عمومی ترقیخواهانه ی جهانی ترسیم کننده مسیر و یاری دهنده ی تحولات آینده است.

بررسی تحولات و شناخت علل بحران - اوضاع داخلی و دیدگاه های متفاوت، نقش تعیین کننده ای در ارزیابی و سنجش قدرت انتفاضه و پایگاه اجتماعی نیروها دارد. شکاف های موجود و استمرار فقر، تاثیرات نامطلوبی بر روابط درون جامعه گذاشته است. زیرا ظرفیت های اقتصادی - فرهنگی - سیاسی به طور یکسان توزیع نشده است.

واضح و روشن است که تغییرات اساسی در شرایط اجتماعی - اقتصادی، جامعه عمل نپوشیده و در لوای جمهوری اسلامی ملایان حاکم تحقق پذیر نخواهد بود. تحولات موجود در جامعه و فشارهای اقتصادی منجر به افزایش عوامل بیشمار اجتماعی گردیده و متعاقب آن تاثیر سویی بر روابط اجتماعی و مناسبات موجود بر جای گذاشته است.

دولتمردان جمهوری اسلامی ملایان نسبت به چالش های سیاسی منطقه با نگاهی کینه توزانه و حقد تاریخی - سیاسی می نگرند. نگاهی ضد انسانی و غیر اخلاقی که کمترین علاقه ای به برون رفت از وضع موجود و بهبود اوضاع نداشته و تنها و تنها به

کیش و مات شدن طرف مقابل و حذف آن می‌اندیشد. رویدادها و اهداف سیاسی که از جنبه‌های حذفی برخوردار بوده، قدرت و نیرویی که بنحوی از انحاء بتواند در شرایط کنونی در برابر چنین عاملی صف آرایی نماید، تا به حال در سطح منطقه و در میان صفوف انتفاضه مشاهده نگردیده و مطرح نمی‌باشد. در حالیکه دشمن، در اندیشه‌ی تحمیل اهداف توسعه طلبانه، استثمارگرانه و ویران کننده ایست و سیاست‌های ضد انسانی‌اش را در همین راستا برنامه‌ریزی و پیش می‌برد. گرچه پاره‌ای از عکس‌العمل‌ها و واکنش‌ها در مقابل چنین سیاست‌هایی قابل درک و تحلیل می‌باشند.

عکس‌العمل‌ها و واکنش‌هایی که نتیجه طبیعی اهداف، عملکردها و سیاست‌های وطن‌پرستانه آنانست.

طبیعتاً چنین واکنش‌هایی زمینه‌ساز گسترش حضور نیروهای نظامی - امنیتی در منطقه بوده و خواهد بود.

برای درک و شناخت مسائل و برخوردهای امنیتی در منطقه باید اهداف و سیاست‌های دولتمردان جمهوری اسلامی در منطقه را شناسایی و به‌طور دقیق و همه‌جانبه تحلیل و بررسی و به‌مثابه مهمترین موضوع حیاتی منطقه تلقی نمود!

بر کسی پوشیده نیست که سیاست‌های ویرانگرانه‌ی جمهوری اسلامی در منطقه‌ی خاورمیانه، به‌ویژه در رابطه با دو کشور عراق و افغانستان، در برخورد با کارگران و زحمتکشان ایرانی، سرکوب‌خشن و سبعانه‌ی دگراندیشان، ستم مضاعف بر زنان، پافشاری در امر خصوصی‌سازی افسارگسیخته و از همه مهمتر اعمال شیوه‌های ظلمانه در قبال ملت‌های جغرافیای سیاسی ایران، همه و همه در راستای خدمت به سرمایه‌داری بین‌المللی، نئوکانت‌ها و حفظ منافع ایالات متحده آمریکا و رژیم اشغالگر صهیونیستی صورت گرفته و می‌گیرد!

دولتمردان جمهوری اسلامی، بارها و بارها اذعان نموده و بر خود بالیده اند که اشغال دو کشور افغانستان و عراق، توسط نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا و دیگر کشورهای صنعتی غرب، با توافق و صدور مجوز از سوی جمهوری اسلامی ایران تحقق یافته و این حاکمیت ایرانست که حرف اول را در منطقه زده و می زند!

از سوی دیگر، با همه نیرنگ بازی و فریبکاری های وقیحانه ای که تا کنون از سوی سردمداران رژیم ملایان در رابطه با پشتیبانی از جنبش فلسطین و ضدیت با رژیم اشغالگر صهیونیستی به منصفی ظهور رسیده و در بوق و کرنا دمیده شده، همکاری های گسترده و همه جانبه ای بین این حکومت و رژیم تل آویو، در تمامی سال های پس از انقلاب وجود داشته و دارد! فروش سلاح های اسرائیلی به ایران در دوران جنگ هشت ساله با عراق و بمباران راکتورهای اتمی عراق توسط جنگنده بمب افکن های اسرائیلی، از جمله نمونه هایی هستند که جهانیان از آنها با خبرند! این سیاست رذیلانه تا کنون ادامه داشته و در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد به اوج خود رسیده است!

با نگاهی سطحی به تاریخ گذشته ی منطقه و آرزو و آمال های دراز مدت سردمداران رژیم صهیونیستی در ارتباط با تشکیل دولت بزرگ اسرائیلی از نیل تا فرات و دیدگاه نژادپرستانه و شوونیستی آنان نسبت به ملت های عرب در می یابیم که سیاست شهرک سازی در منطقه، مهاجرت ملت های غیر عرب به منطقه، غصب و تصاحب زمین های زراعی کشاورزان عرب، کوچ و اخراج اجباری اعراب از زادگاهها و سرزمین های آباء و اجدادی، آواره نمودن و راندن آنان از منطقه، نابودی و اضمحلال فرهنگ، آداب، رسوم و سنن کهن اعراب و ... نه تنها

کمترین تفاوتی با سیاست های مخرب و ضد عربی سردمداران رژیم صهیونیستی در قبال اعراب فلسطینی نداشته، بلکه کاملاً در راستای برنامه های استراتژیک آن رژیم و تشکیل دولت بزرگ اسرائیلی از نیل تا فرات انجام گرفته و با جدیت هر چه تمامتر پیگیری می گردد! چنین برنامه شیطانی و شومی در کشور همسایه عراق و دیگر سرزمین های عرب نیز بدون وقفه و درنگ ادامه داشته و دارد!

بنا بر این، لازمست که تمامی حرکت های ضد عربی و سیاست های سنی ستیزانه ی داخلی و خارجی (منطقه ای) رژیم، بویژه برنامه ها و سیاست های امنیتی منطقه را در چارچوب چنین اهداف و دنباله روی های آگاهانه در قبال سرمایه داری جهانی و رژیم صهیونیستی تجزیه و تحلیل و ارزیابی نمود. موضوع پیچیده امنیت منطقه، با دیدگاهها و برداشت های مختلفی از سوی طرفین و نگرش های متفاوت و متضادی بررسی گردیده است. ریشه ی افزایش شکاف اجتماعی، فاصله طبقاتی و نابرابری اقتصادی در عملکردهای توسعه طلبانه و شوونیستی بنیادها و مؤسسات دولت نهفته است و از حمایت های اقتصادی و غیره این رژیم ضد بشری برخوردار است. در برابر چنین صف آرای های ویرانگرانه و مخربی، می بایست عوامل فوق را مورد غور و بررسی دقیق قرار داد و در جهت خنثی نمودن شان گام برداشت! با چنین روشی است که نتیجه مطلوب در راه شناخت و آگاهی از برنامه ها و سیاست گذاری های مؤسسات و بنیادهای امنیتی - اطلاعاتی رژیم حاصل می گردد.

فقدان برنامه ریزی مناسب و مشترک در جهت حل معضلات و مقابله با بهره برداری نظامی و ستیزه جویانه و حذفی حکومت و دولتمردان خود فروخته و منفعت طلبش، ره به جایی نخواهد برد و کمترین سودی برای ملت عرب نخواهد داشت! رژیم جمهوری

اسلامی، راهکار امنیتی نمودن منطقه و سرکوب قهرآمیز و خشونت بار ملت عرب را در راستای منافع خویش و سیطره بلامنازع بر منطقه، اتخاذ و توسل به شیوه و راهکارهای ضد انسانی فوق را تنها راه حل ممکن دانسته و بر آن پای می فشارد! غافل که چنین سیاست احمقانه ای، بر چرکین نمودن هر چه بیشتر زخم کهنه و عمیق تاریخی - سیاسی می افزاید و بر آتش اختلافات دامن می زند. سیاستی که خواه نا خواه درک مشترک سیاسی ملت های جغرافیای سیاسی ایران و تغییر وضعیت کنونی کشور را بدنبال خواهد داشت. تغییرات و تحولات محوری، ضروری و اجتناب نا پذیری که مبارزات و خیزش های تاریخی - سیاسی ملت های جغرافیای سیاسی ایران، در همه ی ادوار تاریخ تحقق و دستیابی به آنها را مد نظر داشته است.

کاستی ها و عوامل بحران زای جامعه و تداوم تنش ها، نتیجه ی بستن فضای سیاسی جامعه، بحران های ساختاری و سیاست های احمقانه و نابخردانه ی رژیم است. بر خلاف ادعاهای ولی فقیه و دیگر دولتمردان رژیم که مذبوحانه تلاش می ورزند تا آن را به گردن قدرت های بزرگ خارجی و تحریکات آنان بگذارند، منشاء داخلی داشته و روز به روز بر دامنه و وسعت آن افزوده خواهد شد.

تا آنجا که به نیروهای پیشرو و شخصیت های میهن پرست و تحول خواه مربوط می شود، شناخت درست و درک صحیح از تحولات بوجود آمده و تاثیر پذیری آنها از عوامل سیاسی - اجتماعی - فرهنگی جامعه و تطبیق آنها با شرایط نوین است. اهمیت درک مسائل، به دلیل شرایط داخلی و بین المللی و پیچیدگی و حساسیت آنها است. برنامه ریزی دقیق و هشیارانه - شناخت دوستان و دشمنان مردم - تصمیم گیری های حساب شده

و عاقلانه - اتخاذ تاکتیک متناسب با اوضاع و شرایط کنونی، بهترین و پسندیده ترین واکنش و عکس العمل منطقی در برابر تحولات فعلی جامعه است. تغییر و تحولات کمی - کیفی جامعه، حیاتی و پر اهمیت است.

حمله و زیر ضربه بردن ساختار فرهنگی جامعه و منطقه، به عنوان خطری جدی و تهدید کننده، در برابر سردمداران ابله و کودن رژیم قد برافراشته است. سیاستی که چون دیگر سیاست های نابخردانه و برنامه ریزی شده ی استعمار و استثمار دیکته شده به رهبران و سیاستمداران دلال و وطن فروش جامعه، به معضلی بزرگ و لاینحل تبدیل گشته است. به نحوی که در برگزیده بخشی از بحران های حاکم بر منطقه بوده و نه تنها منجر به شکل گیری نارضایتی های عمومی و گسترده بلکه موجب تنش ها و نا آرامی های نوینی گردیده است.

در اثر شکل گیری و ظهور چنین تفکراتی که ریشه ی تاریخی - سیاسی داشته، شدیدترین چالش ها و نارضایتی ها به منصفه ظهور رسیده و هر روز بر ابعاد و دامنه اش افزوده می شود! سیاست دشمنی و مقابله با فرهنگ ملت های جغرافیای سیاسی ایران به طور اعم و ملت عرب به طور اخص، منشاء داخلی داشته و ناشی از رشد و گسترش فرهنگ شوونیسم شیعه و استراتژی دیرینه ای است که پس از قرن ها توسط روحانیون دگم اندیش و واپسگرای شیعه بر شدت و حدتش افزوده شده است.

در ارتباط با ملت عرب، دستیابی به نتایج قابل استناد در عرصه های مختلف اجتماعی ضروری است. اصول و قواعد مشخص چالش ها و معضلات موجود، نیازمند اتخاذ تصمیمات مبتنی بر واقعیت عینی جامعه و متناسب با انتفاضه ی ملت عرب است. و حجم تحولات در چارچوب معین و مشخص که ضرورت اتخاذ

چنین انتخابی را ملزم به رعایت موازین نضال و تاثیر گذار بودن آن بر تغییرات و تحولات و ساختار اجتماعی - فرهنگی جامعه و ارائه راهکارها و شیوه ها و تاکتیک های مشخص و تسلط بر امور است. اجتناب ناپذیر بودن چنین نگرشی در مقطع خاص امروز، بسیار حساس و حیاتی بشمار می رود.

شناخت و درک مسائل اجتماعی نشان دهنده وضعیت موجود موجود در منطقه است. مطالعه و تعمیق دقیق موضوع، تنها راه منطقی و عالمانه ایست که به نوبه ی خود ما را قادر خواهد ساخت تا علل و عوامل ریشه های پدیده های اجتماعی را کشف و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و اوضاع و موقعیت نیروهای درگیر را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم.

انتخاب طرق و راه های وصول و تحقق اهداف فوق از اهمیت بسزایی برخوردار است. اتخاذ تاکتیک مناسب و استراتژی دقیق و کارساز، آینه تمام نمای تحولات پیش روی می باشد. تحولاتی که از جایگاه محوری برخوردارند. نباید از نظر دور داشت که در مقطع کنونی نیز، ابعاد سیاسی - اجتماعی - فرهنگی، متأثر از بُعد اقتصادی است. بهره گیری از فرصت تاریخی در جهت تحقق اهداف حقوقی - سیاسی - استراتژیکی ملت عرب، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اتخاذ استراتژی که در بر گیرنده اهداف دراز مدت - بررسی و شناخت اوضاع کنونی و جایگاه تحولات در معادلات کشور و تحولات اقلیمی - بین المللی و بررسی وضعیت سیاسی - اقتصادی - اجتماعی کشور، چنین ضرورت حیاتی و سازنده ای را ایجاب می کند!

موقعیت کنونی و روندهای پیش رو و جایگاه و تاثیر گذاری آنها و قدرت اتخاذ تصمیم گیری، تاثیر مباحثی بر تاکتیک و استراتژی داشته و بر حجم و گسترش و قدرت انتفاضه خواهد افزود و عامل اساسی وسعت بخشیدن تحولات است. چنین

برنامه ای، با توجه به پیچیدگی های بوجود آمده و شرایط سیاسی حاکم بر کشور، قادر است شرایط نوینی را خلق نموده و بر مبنای آن در برابر تاکتیک ها و استراتژی مخرب و شوونیستی دولتمردان صف آرایی نماید.

حضور در عرصه نضال منجر به تغییراتی می گردد که نسبت به نگرش های سنتی موجود بر پایه تفکرات امنیتی و تهدید متقابل و بی اعتمادی و سوطن قرار گرفته است. رهایی از تفکر سلبی بدون اتکاء به انتفاضه و در نظر گرفتن منافع و مصالح ملت عرب گامی در جهت تغییر دیدگاه سلبی - امنیتی می باشد. درک ماهیت - ظرفیت و اهدافی که با خود حمل نموده، متضمن کدام شیوه کفاح است؟ تا چه میزان عمیق و بنیادی بوده و روندهای مهم کشور - کشورهای همسایه و عرصه بین المللی تحولات، محدودیت ها و تاثیرات سلبی - ایجابی نضال و امکانات خویش را درک نموده است؟ شناخت فرصت ها و هدایت چالش ها بر اساس واقعیت موجود و تحولات کشور، از اهمیت خاصی برخوردار است. ارائه راه حلی که در برابر شرایط کنونی و تبیین معیارهای انتفاضه با منافع و مصالح ملت ها خوانایی و همسویی داشته باشد، منشاء تعادل طبیعی مناسبات ساختاری اجتماعی - سیاسی کشور است! این امر مستلزم تکیه بر واقعیات موجود و در نظر گرفتن سوابق تاریخی - فرهنگی ملت های جغرافیای سیاسی ایران می باشد. واقعیت های سیاسی موجود، چالش های بیشماری پیش روی نیروهای تحول خواه قرار داده و برخورد آگاهانه و هوشیارانه ی دقیقی را به منظور تغییر ساختاری رژیم و تعیین سرنوشت آتی کشور را اجتناب ناپذیر نموده است. بدیهی است که در چنین وضعیتی، سرنوشت کلیه عوامل فوق، همانند دیگر مسائل سرنوشت ساز ملت های جغرافیای سیاسی ایران، در هم تنیده شده و به یکدیگر متصل و

گره خورده است. واقعیت انکار ناپذیری که با توجه به تحولات جدید کشور اهمیت چارچوب حفظ - تثبیت و گسترش تحولات جهت ایجاد تعادل در عرصه نضال را به اثبات رسانده و جایگاه و نقش ملت ها در تغییر موازنه قدرت، و تغییر کفه ترازوی به نفع انتفاضه و مبارزه ی ملت عرب را به اثبات رسانده است. با توجه به تحولات پدید آمده، مسئله مهم اینست که چگونه می توان با واقعیت موجود برخورد منطقی داشت و ریشه احساسات زود گذر و ناکار آمد را خشک نمود؟ به دیگر سخن، شور و هیجان ناشی از پیروزی های زودگذر و آنی را به شعور تحول طلبی و پیکار در راه به ثمر رساندن اهداف دراز مدت و پایدار سوق داد!

در پی سیاست های سرکوبگرانه و فاشیستی دولت مرکزی ماهیت واقعی فاشیسم مذهبی، ولی فقیه و ولایت مطلقه فقیه و ماجراجویی نیروهای سرکوبگر، کاملاً مشخص و روشن گردیده است. عوامل و شیوه هایی که باعث گردیده تا انتفاضه بسوی انسجام - اتحاد و شیوه های گوناگون و متفاوت مقاومت و تاکتیک های مشخص گام بردارد. ارزیابی و ارائه تحلیل از وضعیت نیروهای درگیر و برآورد قدرت آنان، تأثیر مهمی در روند و پروسه ی استمرار تحولات خواهد داشت. تحلیل شرایط و اوضاع در مراحل مختلف و مقاطع خاص ضرورت تام داشته و استمرار و دوام انتفاضه تا دستیابی به حقوق حقه ی ملت عرب و دیگر ملت های جغرافیای سیاسی ایران را تضمین می نماید. اجتناب از انحراف و به حاشیه رفتن پروسه ی نضال، تداوم پیکار و هوشیاری نیروهای بالقوه و بالفعل در راه تحلیل بردن پتانسیل نیروی مقابل و هموار نمودن راه پیروزی را در پی خواهد داشت! در حالیکه دوری و عدم شناخت واقعیات

موجود، از دست دادن فرصت های تاریخی کنونی و موجود را سبب گردیده و نتایج اندکی در پی خواهد داشت. نگاه واقع بینانه و پذیرش واقعیات موجود، گامی است بسوی حفظ و استمرار دستاوردهای انتفاضه و حفظ منزلت و اهمیت این فرصت تاریخی در جهت پیشبرد و گسترش و تثبیت آنها. مسئله محوری ملت های جغرافیای سیاسی ایران، شناخت دوران، بهره برداری و استفاده از موقعیت ها و حرکت بسوی تحقق اهداف استراتژی در راستای نجات میهن و رهایی از وضعیت موجود و تبهکاری و بیدادگری ولی فقیه و رژیم ضد بشری ولایت مطلقه ی فقیه است!

واقعیت انکار ناپذیری که سمت و سوی حرکت (تحولات) بسوی آنها است، خروج مملکت از بن بست منطقه ای، بین المللی کنونی و کوتاه نمودن دست عناصر و موجوداتی است که همه چیز و همه کس را فدای آز و نیاز منفعت طلبانه خود و اربابان بین المللی شان نموده اند و در این راستا از اعمال هیچ جنایتی رویگردان نیستند! پایداری، استقامت و استمرار انتفاضه، در خدمت چنین استراتژی رهایی بخش و سرنوشت سازی قرار داشته و دارد.

عدم درک صحیح واقعیات از سوی دولتمردان رژیم ولایت فقیه و نادیده گرفتن خواسته های برحق و انسانی ملت های جغرافیای سیاسی ایران در سه دهه ی گذشته، منجر به چالش ها و تنش هایی گردید که شاهد و ناظر آنها بوده و هستیم. تجربه ی تاریخی گواه و شاهد این مدعاست که سیاست های غلط و تبهکارانه ی ولی فقیه و دم و دستگاه ضد بشری وی در برخورد با ملت های جغرافیای سیاسی ایران و زیر پا نهادن حقوق حقه ی آنان، فراهم آورنده ی زمینه های تنش در جامعه بوده و بدون

شک نقش تعیین کننده ای در تداوم مبارزه ی مردم و سرنگونی حکومت خواهد داشت.

حضور در عرصه نضال تا جایی باید امتداد یابد که نه تنها منجر به کنار گذاشتن و جابجایی مهره ها و اختلال در ساختارهای حکومت، بلکه سرنگونی آن را بدنبال داشته باشد.

درین مقطع منافع و مصالح ملت ها معنی و مفهوم خود را یافته و ائتلاف معنی دار ملت ها را بیش از پیش ملموس تر و عینی تر می نماید. تجربه تلخ و زیانبار سه دهه ی گذشته به طور فاضح و روشن نشان می دهد که نیروی مقابل با توسل و تمسک به و انواع و اقسام خدعه ها و نیرنگ های سیاسی، فرهنگی، ناسیونالیستی و دینی و مذهبی، در پی ایجاد اختلاف و استمرار سیطره ی جهانی و مخرب خود بر امور می باشد.

رژیم ضد بشری ولایت فقیه، همه تلاش و کوشش شیطانیش را بکار می برد تا کماکان کنترل و سیادت خود بر کشور و در اسارت داشتن ملت های جغرافیای سیاسی ایران را حفظ نماید. و تجربه ی گذشته نشان داده که در این راستا از اعمال هیچ جنایتی رویگردان نیست!

بنا بر این، نهایت بهره گیری از نیروها و مزدوران وفادار به خویش در جهت نفوذ و ایجاد پراکندگی در صفوف ملت ها و ایجاد اختلافات و چند دستگی و شکاف در بین آنان را دنبال و پیگیری می نماید! جای تعجب و شک و گمان نیست که از همین سیاست مخرب در رابطه با ملت عرب نیز بهره برداری و سواستفاده شده و در آینده نیز خواهد شد!

نباید از نظر دور داشت که رژیم ولایت فقیه، با هدف نفوذ در صفوف انتفاضه و رهایدن گریبان چرکین خود، سیاست درگیر نمودن ملت عرب با دیگر ملت های جغرافیای سیاسی ایران و حتی ایجاد درگیری های قومی و قبیله ای بین ملت عرب را با

همه توان پیگیری و دنبال نموده و از هیچ کوشش و توطئه ای دریغ نخواهد ورزید. بهره برداری و سوءاستفاده از این پدیده شوم و کهنه در تحولات کنونی نیز چون مقاطع مختلف گذشته، دست آویز دولت مردان و قدرت طلب منفعت طلب بوده و آثار شوم و مخرب خود را به دفعات نشان داده و اثبات رسانده است. واقعیت انکار ناپذیری که ماهیت کریه خود را از جانب ولی فقیه و سرسپردگان دیو سیرت ولایت مطلقه فقیه که حافظ منافع و مصالح طبقه ی حاکم و غارتگران بین المللی هستند به دفعات مختلف نشان داده و به درگیرهای خونبار و برادرکشی های بی سرانجام منجر گردیده است! پیگیری و سوءاستفاده ی رژیم ملایان از سیاست استعماری [تفرقه بینداز و حکومت کن] چه در داخل و چه در سراسر منطقه ی خاورمیانه و جهان، در راستای دستیابی به مهمترین اهداف استراتژیک آنان بشمار می رود.

نقش و تأثیرات تعیین کننده و سرنوشت ساز نضال بر ساختارهای حکومتی و تغییر و مبنای سیاست گذاری ها منوط به شناخت دقیق اوضاع داخلی، منطقه ای و بین المللی، همگامی و همراهی با دیگر ملت های جغرافیای سیاسی ایران، ماهیت انتفاضه و استفاده ی درست و به هنگام از فرصت های تاریخی است. این شیوه تفکر نسبت به اوضاع کنونی و جاری بدلیل مشابهت های بیشمار با بسیاری از اوضاع و شرایط ممکن دیگر است و اهمیت تعیین کننده آن، تصمیم گیری و اتخاذ مواضع واقع بینانه بر مبنای شرایط عینی جامعه و جهان می باشد.

برای تحقق و رسیدن به یک هدف، راه های متفاوتی وجود دارد و از زوایای متعددی می توان به این تحول نگریست.

فشارهای بین المللی، رقابت های اروپا و ایالات متحده امریکا با یکدیگر و همین مجموعه با روسیه و چین از سویی و مشکلات فزاینده داخلی، که نتیجه ی سیاست های غلط و گاه فرصت

طلبانه و منفعت جویانه ی دولتمردان طماع و تبهکار رژیم ولایت فقیه بوده و هست، تغییرات اقتصادی - سیاسی داخلی را به گونه ای به پیش برد و آن را بر دولت مرکزی تحمیل نمود که در پی جرقه ای ناچیز، آنهم به بهانه ی تقلب در نهمین انتخابات ریاست جمهوری، که هر چهار کاندیدایش از معتقدین و سرسپردگان به نظام جمهوری اسلامی و ولی فقیه بودند، انبار خشم و نفرتشان را شعله ور و آنان را به میدان مبارزه کشاند.

ضعف ها و کاستی ها و زایش و رشد مشکلات متعددی که تنها به دلیل ضعف ساختاری دولت و خصلت ذاتی نظام سرمایه داری به منصفه ی ظهور رسیده و طی سال های متمادی بر روی هم تلنبار شده، به همراه مسائل و مشکلات و شرایط بین المللی، بر تحولات اقلیمی منطقه تاثیرات سلبی گوناگونی بر جای گذاشته است. افزایش تنش های ج. ا. با جامعه بین المللی و سیاست های بین المللی که هدفی جز منافع دراز مدت و حفظ این منافع را در پی ندارد، بر پیچیدگی اوضاع و وخیم تر شدن وضعیت داخلی افزوده است! در چنین شرایطی هر گونه ابتکار و راه حل مناسب و داهیه ای قادرست ضمن کاستن و رویارویی با فشارهای خارجی، پاسخ و راه حلی به نیازها - کاستی ها - تنش ها و چالش های داخلی باشد.

هر دو عامل در پیوند و مرتبط به یکدیگر بوده و در شرایطی فاصله زیادی از یکدیگر داشته (سیاست خارجی و مناسبات بین المللی - سیاست داخلی و عوامل بیشمار پدیده های اجتماعی و ساختارهای کنونی است).

هر گونه ابتکار و راه حل مناسبی، واکنشی به فشارهای منفعت طلبانه ی خارجی و همزمان پاسخی به نیازها - تنش ها و چالش های داخلی است. هر گونه تغییر و تحولی در درون کشور ضمن برخورداری از اولویت های درجه اول داخلی می تواند

در راستای کاهش فشار و مقابله با رویکردها و سیاست های محافل و مجامع بین المللی مثمر ثمر واقع گردد. هر دو عامل که جنبه اصلاح مناسبات و روابط را در پی داشته به ترتیب (داخلی - خارجی) فاصله زیادی از یکدیگر نداشته، و اصلاح حکومت و ناکارایی دولت های سیاسی، در درون کشور را در پی داشته و اهداف سیاسی که مربوط به عامل خارجی و سیاست گذاری های دولت است، شفافیت و بازگشایی صحنه نوینی را در برابر مجامع بین المللی و سیاست های بین المللی ایفا می نماید. هر گونه تغییر و تحول - جابجایی - استیضاح و برکناری، نشانه و حاصل شرایط دو جانبه داخل کشور و عرصه بین المللی است!

در پرتو ساختار نوین و عقب نشینی دولت، شرایط در درون کشور سمت و سوی ایجابی و فضای مناسب سیاسی را در پی خواهد داشت. هر گونه تغییر و تحولی در سیاست خارجی کشور و دیپلماسی پراگماتیستی که جایگزین آن می گردد، به معنای گسترش عمگرایی در سیاست خارجی و تقارب با امریکا را در پی خواهد داشت.

در اولویت قرار دادن تغییرات اقتصادی - سیاسی از اهم امور بشمار می رود.

حذف شمار زیادی از اصطلاحات ایده آلیستی و اهدافی که درین راستا و جنبه ایدئولوژی خلاصه گردیده و متعلق به دوران خاص تاریخی است، بمعنای مختوم نمودن اصول دکترین شوونیسم شیعه و سیاست رویارویی و مقابله با دیگر اقلیت های مذهبی و نژادی به ویژه ملت عرب است.

نیروهای سیاسی و تشکل ها و خواسته های ملت های جغرافیای سیاسی ایران، در حالیکه فشارهای بین المللی ابعاد تازه تری یافته و بر دامنه شان افزوده می شود، تضعیف دولت مرکزی و

سقوط جایگاه استراتژیک آن در معادلات سیاست داخلی و منطقه ای را در پی خواهد داشت. اوضاع و شرایط حاد جامعه، بیانگر این واقعیت است که سیاست های توسعه طلبانه، سرکوبگری های وحشیانه و تهدیدهای مکرر، چون گذشته کارآیی نداشته و واقعیات و عواقب تلخی را برای دولتمردان ج.ا. به دنبال خواهد داشت. نشانه و نتیجه ی چنین روندی در سخنان دولتمردان جمهوری اسلامی نیز مشهود و قابل مشاهده است! پاره ای از آنان بدین درک و بینش رسیده اند که پافشاری و پایداری در برابر اهداف و مبارزات تحول خواهانه و قدرت و اراده ملت ها، نه تنها بی فایده است، بلکه موجودیت نظام و ادامه ی حیات دستگاه خلیفه گری را نیز مورد تهدید قرار داده و با خطر مواجه نموده است! چرا که نگاه ها و توجه ها به سوی خواسته های قانونی مردم و برخوردهای سبعانه ی رژیم معطوف و دولتمردان را به نرمش و سازش در برابر خواسته ها و شنیدن صدای اعتراض ملت های جغرافیای سیاسی ایران فرا می خوانند. شدت - وسعت و ابعاد اعتراضات به حدیست که پاره ای از رجل سیاسی و علاقمندان ولایت فقیه و ولایت مطلقه ی شیعه را دچار هراس و بدگمانی نموده است!

نباید از نظر دور داشت که گذار از واپسگرایی، تمامیت خواهی و خشونت طلبی دولت اقتدارگرا بسوی مدنیت گرایی گذاری تاریخی است و نمی توان بر اساس حوادث موجود و اعتراض های ماه های اخیر نتیجه نهایی و قطعی آن را اعلام نمود.

مسائل و مشکلات تاریخی - سیاسی ملت های جغرافیای سیاسی ایران، از جمله واقعیت هایی است که ریشه در تاریخی این سرزمین داشته و در ردیف سنگواره های تاریخی جا خوش نموده است.

در شرایط کنونی واقعیت ها، بیانگر ایجاد شکاف و خلل در پیکره دولت است. شکاف هایی که بیشتر ناشی از تغییر شرایط داخلی کشور و تغییرات در سیاست های بین المللی و فشارهای خارجی است و خواه ناخواه تضعیف بدنه ی دولت و هراس دلسوزان نظام را بدنبال خواهد داشت. زیرا آنان بدین نتیجه رسیده اند که تکیه و بسنده نمودن به نیروی نظامی، سلاح کشتار جمعی، و ... که دولتمردان به عنوان استراتژی و شیوه ی رویارویی با ملت های جغرافیای سیاسی ایران برگزیده اند، نتیجه ای در بر نخواهد داشت و در صورت استمرار کلیت نظام را به چالش خواهد کشاند.

سیاست سرکوب و رویارویی خونین با مردم، نگرشی عبث و بیهوده است که در بسیاری از موارد تاریخی، فروپاشی امپراتوری ها را بدنبال داشته است.

مطلق نگری، واپسگرایی، تداوم و تکیه بر سرویس های نظامی – امنیتی، توسل به شیوه های سرکوب، خفقان، زندان، شکنجه و کشتار مستمر و بدون وقفه، تداوم انحصار دولت بر رسانه های خبری و جراید کشور، و ... همه و همه اجتناب ناپذیر بودن تغییرات بنیادی در جامعه را عینیت بخشیده و همکاری و همیاری تمامی ملت های جغرافیای سیاسی ایران را مطالبه می کند. مبارزه، تلاش و پیگیری فشارهای همه جانبه برای تغییرات در کشور بمتابیه استراتژی ملت های جغرافیای سیاسی ایران و دستیابی به تحولات ساختاری سیاسی – اقتصادی از بیشترین اهمیت نسبت به متغیرهای دیگر برخوردار است. دیدگاه و ایده ناسیونالیست های ایرانی – روشنفکران – نخبه گان – احزاب – سازمان ها در درون و خارج کشور تغییرات تدریجی و تحقق فرصت های مناسب – مهارت های عملی جمعی سیاسی و مشارکت مدنی و تحقق دموکراسی را تجربه نموده است. روند

کنونی با تحولات کنونی کشور شروع گردیده و انتقاد از ساختارها در کلیه ابعاد آن و سیاست های داخلی - خارجی و حاکمیت رانت خواران و باندهای مافیایی حکومت که غرق در فساد بوده را در پی داشته است. امری که سردمداران تبهکار و جنایتکار رژیم را به جای تفکر و اتخاذ شیوه برخوردی درست و معقولانه به اتخاذ مواضعی کاملاً فاشیستی و واکنشی سرکوبگرانه و خشن سوق داده است.

مواجهه با مقتضیات بین المللی، در عرصه اقتصادی - سیاسی در درجه دوم اهمیت قرار داشته و تنش ها و چالش های ملت های جغرافیای سیاسی ایران در درجه نخست جای گرفته است. روند و پروسه ی تغییرات که نتیجه سیاست های ویرانگرانه و ضد مردمی رژیم بوده و همه ی ملت های جغرافیای سیاسی ایران را به یک نسبت آماج ظلم و ستم ددمنشانه اش قرار داده، می تواند نقاط مشترک ستم و اهداف مبارزه ملت های اسیر و در بند را مشخص سازد.

انتفاضه ملت عرب، پروسه ایست که در مسیر تحولات تاریخی - اجتماعی خویش گام بر می دارد و بمتابیه پدیده ای که در جریان حرکت تکاملی جامعه و رویارویی با تضادهای آنتاگونیستی و غیر آنتاگونیستی آن، رسیدن به هدفی انسانی و سعادت بار را دنبال می کند!

انتفاضه در روند تکاملی خویش، تضادهای بنیادین جامعه، اختلافات تاریخی - سیاسی که در مضمون تحولات و جوهره بنیادی آنها ریشه دوانیده و نهفته است را با درک و بینشی عمیق شناسایی و در راستای حل انسانی شان با دیگر ملت های جغرافیای سیاسی ایران، گام بر می دارد!

انتفاضه ضمن ارزیابی و تجزیه و تحلیل ساختاری پدیده های اجتماعی در همه ی عرصه ها، از جمله عرصه های تئوری و

پراتیک (دانستن و عمل کردن) حرکت نموده و با همه ی توان در جهت تحقق خواسته های تاریخی و به حق ملت عرب مبارزه می کند.

پدیده ای که از درون آن و تحت تاثیر روابط موجود نهفته در آن، انتفاضه، حرکتش را آغاز نمود، جنبه ای کاملاً علمی و تکاملی داشت و کوچکترین منافاتی با مبارزه ی طبقاتی و آزادیخواهانه ی بشریت و ملت های جغرافیای سیاسی ایران نداشت! مبارزان و نیروهای مساوات طلب و دادخواهانه ی انتفاضه، به نیکی آگاهند که در هر حرکت اجتماعی و تحول طلبانه ای می بایست قانونمندی تکامل پدیده های اجتماعی و تمامی جوانب حرکت جوهری و ضروری آنها مد نظر و توجه قرار گیرد. وجود تضاد در پروسه ی تکامل و تحولات اجتماعی پدیده ها حتمی است!

هر پدیده ای در ابعاد ساختارهای سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی در جریان سیر حرکتی خود، ضمن ارتباط با دیگر پدیده های محیط بر یکدیگر تاثیر می گذارند. با در نظر داشت این واقعیت که فطرت یا خوی متضاد هر پدیده علت اساسی تکامل و رشد کمی و کیفی در درون آنست. در مورد جامعه نیز چنین است و هرگونه تغییر و تحول - رشد و تکامل جامعه ناشی از علل خارجی نیست، بلکه در اثر علل و عوامل درونی جامعه صورت می گیرد. به عبارت دیگری، تکامل تضادهای درونی جامعه، تغییر و تحولات و دگرگونی های اجتماعی را به همراه خواهد داشت و علل خارجی متاثر از علل داخلی است. با این حال درک و شناخت چنین اندیشه هایی موانع سر راه انتفاضه را با تمسک به شناخت دقیق شرایط و روابط عوامل چهارگانه و نقش مستقل هر کدام در مقاطع مختلف و تاثیر پدیده های اجتماعی بر پروسه انتفاضه در مستقبل نمایان و کمک شایان

توجهی در تحقق تغییرات اساسی و بنیادی آن خواهد گذاشت. آن هم در ساختار جامعه ای که از جوانب مختلف مورد تعرض و تهاجم سیستمی دولتی قرار گرفته که بنای تحقق اهداف استراتژیک خویش را بر بنیان توسعه طلبی، سرکوب و حذف فیزیکی افراد قرار داده و درین راستا گام بر می دارد. سیاست مخرب و ویرانگر جمهوری اسلامی ایران، بیانگر اهدافی است که حول محور تغییر دیموگرافی و آسیمیلسیون نمودن منطقه و ملت عرب استوار نموده است. استراتژی و سیاستی که افشا کننده ماهیت اهداف و عمل کرد دولت مرکزی بشمار می رود. جمهوری اسلامی، طرح های توسعه طلبانه ی خود را جزئی از یک استراتژی که در چارچوب اهداف ملت حاکم گنجانده شده، قرار داده است. نتایج و دستاوردهای متفاوت از یک اقدام و تاکتیک و همین طور تاثیرات و عواقب هر روش یا تاکتیک عنصر بسیار مهمی در بکارگیری روش هایی است که از ضرورت تحولات بشمار می رود. نگاهی عمیق به رویدادها و ریشه ها و پیوندهای گوناگون قشرهای جامعه و تحولاتی که حاصل تنش ها و چالش های بر گرفته از هر دو سوی معرکه اجتماعی یا اهداف و دیدگاه های متفاوت و متضاد از یکدیگر، در بطن مفاهیم مسائل تاریخی نهفته است، حوادث و تغییراتی که دارای اهمیت زیاد تحلیلی و تئوریک هستند.

تحولات به گونه ای سرکوب می شوند که گویی حاصل نیرویی است تمام عیار در جبهه و تغییر شرایط واقعی و مسیر تحولات و ساختار تاریخ است. تحولات می بایست متناسب با مراحل کنونی گام بر دارد و بسط و گسترش آن در عرصه های بین المللی پشتوانه مؤثری در پیشبرد گام های بعدی است.

بحران سیاسی سراسری منجر به تغییرات وسیعی در عرصه نبرد و پروسه انتفاضه ملت های جغرافیای سیاسی ایران است.

ضرورت تشکل و انسجام پاسخگوی خلاء کنونی است. دولتمردان با تحکیم موقعیت سیاسی خویش در پی نظمی هستند که بتوانند تحولات اجتماعی را به اخمد کشانده و هدایت امور را بدست گرفته و حمایت قشری از جامعه که نماینده مؤسسات حاکم بر امور ساختاری و سرنوشت کشور بشمار رفته را مجددا کسب نموده و از آن بر خوردار گردند. نظم نوینی که بتواند با خاطری آسوده آنان را به اهداف توسعه طلبانه شان تقارب نماید. بحران کنونی می تواند خوشایند و ناگوار باشد. خوشایند از آن روی که در مرحله ی نخست، وحدت عمل مشترک نیروها و ضرورت تحقق تحولاتی ساختاری و بنیانی را به همراه داشته باشد. ناگوار از این بابت که شرایط طاقت فرسای اجتماعی - اقتصادی رمق قشرهای کم در آمد و بی بضاعت جامعه را گرفته و آنان را به نحوی باور نکردنی بستوه آورده است. شرایط حاکم بشارت دهنده تغییرات وسیعی است و نتایج مطلوب و ایجابی آن پیامدهایی به همراه داشته. واقعیات مطرح کنونی، دلالت بر صراع و کشمکش در سطح بالاست (حکومت) و روند رو به رشدی که پیش در آمد تحولات کیفی و تغییرات بنیادی پیش روی می باشد. ارزیابی ماهیت تحولات موجود، زوایای مختلفی در بر داشته است. تضادهای اجتماعی، به عنوان نخستین عامل حرکت تحولات و بدیل مناسب شرایط و اوضاع کنونی در عرصه جامعه ای که مملو از تنش های اجتماعی - سیاسی و کاستی های اقتصادی است خود را نمایانده و بر جوانب مهم دیگر واقعیات منجر به انباشته شدن معضلات اقتصادی و گسترش تناقضات اجتماعی گردیده است. روندهای در حال تکوین و هر کدام از دستاوردهای تاریخی آن دلالت بر ماهیت و ویژگی های چهارگانه آنهاست.

در مقاطع و شرایط مختلف، تضاد بخشی از پروسه و در بطن آن نهفته است. شرایط تغییر یافته در ارتباط مستقیم با عوامل چهارگانه است. طرق و شیوه های برخورد با پدیده های اجتماعی را می توان در عملکردها و سیاست های آنان جستجو نموده و به ماهیت و موقعیت اجتماعی شان و طرق متفاوت پیشبرد اهدافشان پی برد. چنین روند و پروسه ای را در جریان بحران ساختاری حاکم بر کشور و تغییرات کیفی تحولات می توان به عیان مشاهده و ارزیابی کرد.

اختلاف در شکل است، نه در جوهره و مضمون. تجربه های گرانبها و ارزشمند به دست آمده، طی هزاران سال زندگی اجتماعی بشر بر روی کره ی زمین، به اثبات رسانده که سیاست مطلق نگرى و سلطه انحصاری بدان سان که دولتمردان جمهوری اسلامی پیشه نموده و به اتکاء آن اهداف نامقدس و ضد بشریشان را پیش می برند، قادر به سد نمودن روند تاریخی تحولات اجتماعی و اثر سو گذاشتن در عرصه های سیاسی - اقتصادی به صورت دراز مدت نبوده و نخواهد بود! شرایط کنونی و عوامل درونی پیش زمینه ی تحولاتی عمیق و ژرف در جامعه است.

نا متجانس بودن و نا همگونی ساختارهای اجتماعی و عدم تناسب آنها با حقیقت موجود جامعه هیچ گونه تغییر و تأثیری در ماهیت پدیده ها نخواهد داشت و ویژگی بنیادین تحولات در معیار کیفی آنهاست. امکان چنین تحولی در شیوه بررسی عواملی است که نقش اصلی ایجاد و به ثمر رساندن تغییرات در ابعاد زیربنا و روبنای جامعه را به عهده گرفته و تأثیر متقابل بر یکدیگر و تغییر و تکامل پروسه تحولات انتفاضه و تناقضات و تبعیض و تضادهای مطرح کنونی را ایجاب می نمایند.

عطش نسل جدید، نگرش نوین به تحولات، بررسی و مطالعه و شناخت همه ی جوانب و پیامدهای آنست. مسئله اصلی اندیشه ای است که در تلاش برای پی بردن به ماهیت مناسبات و شناخت حرکت ها و اهدافی است که در حال شکل گیری و تکامل هستند.

اهمیت و نقش آگاهی اجتماعی در سیر تحولات، امکان مساعدی را به وجود آورد که بر اساس آن بتوان انتفاضه را گسترش داد و دستاوردهای آن را که نقش مهمی در شکل گیری جوهره واقعی ملت عرب ایفا نموده است، تعمیق بخشید. روند تعمیق شناخت و گسترش دو بازوی پیش برنده ی انتفاضه و اهداف ترقی خواهانه، یعنی تئوری و پراتیک، گام های ایجابی است که در این عرصه بر داشته شده است. درک درست مناسبات و واقعیت اجتماعی و طرق وصول به اهداف و تجزیه و تحلیل آنچه تا کنون متعلق به انتفاضه و تغییر و تحول وقایع و رویدادهای آن برشته تحریر در آمده است.

از نظر تاریخی و ابعاد آن، دستاوردهای انتفاضه تنها محدود به نظریه ها و تئوری های فرمول بندی ها و متون به تحریر در آمده نبوده است. پیامد استراتژی انتفاضه، دستاوردهایی است که بر سینه تاریخ نوین ملت عرب حک گردیده و گویای روند تکاملی پروسه ای است بنیادی و مبتنی بر مناسبات اجتماعی در برابر اهداف و شرایط سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران. که منجر به آنتاگونیسم تحولات در درون جامعه ی تمامی ملت های جغرافیای سیاسی ایران گردیده است.

واقعیت اجتماعی انتفاضه، ظهور و تبلور اندیشه و دیدگاه های نوینی است که در پی تغییر و تحول و بررسی دقیق و علمی تحولات و شیوه ها و راهکارهای مناسب، آنها را مطالعه، بررسی و تدوین نموده اند. تحولی که با تمسک و پیوند شرایط

تاریخی - سیاسی جامعه، پژوهش‌های ژرف و عمیق خویش را بررسی، خلاصه و تدوین نموده است. درک مسائل نوین و تشخیص آنها و دستیابی به عوامل یا نیروهایی که با اراده و قدرت خلاق تشکل و انسجام در عرصه‌های مختلف اجتماعی و گسترش تحولات خوانایی و هماهنگی داشته باشد، بر اساس دستاوردهایی است که متکی بر خلق و ابداعات نوین و شیوه‌های به کارگیری آنهاست.

کلیه نیروهایی که در درون جامعه ای مفروض رشد و نمو و پرورش یافته اند، بدون استثناء از تمامی تضادهای موجود جامعه تاثیر پذیرفته و در جریان مبارزه به تجربه‌های گرانبها و غیر قابل اغماضی دست یافته اند! بویژه در جمهوری اسلامی و سرزمین ایران که در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود بنا به دلایل مختلف داخلی و خارجی شاهد و ناظر حوادث و تغییرات بیشماری بوده است. تحولات و تغییرات عدیده ای که اکثرا کشور و منطقه را تحت تاثیر خود قرار داده و تجربیات قابل توجه و نگرشی را به ملت‌های جغرافیای سیاسی ایران، از جمله ملت عرب آموخته است. ملت عرب، چون دیگر ملت‌های جغرافیای سیاسی ایران، در بطن تضادهای موجود رشد یافته و رشد ملت عرب و منطقه را تحت سیطره خویش در آورده، شناخت و آگاهی لازمی را که مستلزم پیوند عمیق عمل کردن و در صحنه ماندن می باشد به دست آورده است. شناخت دقیق تضادهای اجتماعی و درک صحیح از تغییر و تحول موجود و تشخیص شرایط حاکم بر منطقه موجب تسریع روند دگرگونی و عمیق تر شدن تحولات جامعه و در نهایت، تحقق استراتژی ملت عرب بر اساس تجربه‌های تلخ تاریخی خواهد شد. تجربه با اهمیت ملت‌های جغرافیای سیاسی ایران، و پیامدهای آن بر اساس ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها و

درک عمیقشان از سیاست ها و عملکردهای تبهکارانه و ویرانگرانه ی دولتمردان جمهوری است. عواملی که نقش بسزایی در تحقق اهداف ملت های جغرافیای سیاسی ایران داشته و شناسایی و در نظر گرفتنشان از اعم واجبات بشمار می رود!

« شناخت در پیوند با پراتیک قرار دارد، در شرایط مشخص ریشه می دواند و در آن شرایط شکل می گیرد و تغییر می یابد. اندیشه های نوین می کوشند جایی برای خود باز کنند یا با دیگر اندیشه ها ترکیب شوند و نظریه جدیدی را مطرح کنند!» (ژان پل ژواری ارنود اسپیر - فلسفه را مردمی کنیم).

هر گونه پدیده ی اجتماعی دارای ویژگی های خاص خود بوده و بیانگر و الگوی تضادها و تناقض های درون جامعه است و هر یک دارای خصلت ها و ویژگی هایی هستند که درون آن نهفته و آن را حمل می نماید! این تضادها و تناقض هاست که منجر به عکس العمل و واکنش در سطح جامعه گردیده و ضمن ترسیم نمودن نوع مبارزه و هویت شرکت کنندگان در آن، وضعیت و چگونگی انتفاضه ی ملت عرب را نیز روشن می نماید.

جامعه ای که مجموعه ی عوامل فوق در بطن آن شکل گرفته و تغییر یافته و متکامل شده، در مرحله ی تاریخی حساس و سرنوشت سازی تمامی تجربیات چنین مرحله ای را با تعمق دقیق و با تمسک به واقعیت عینی جامعه، به مرحله عمل پیوند داده و ضمن پاسداری از دستاوردهای پیشین به مبارزه سرنوشت ساز خود ادامه می دهد. چنین جامعه ای بدون شک به آمال خویش دسترسی یافته و همه ی خواسته ها و اهداف تاکتیکی و استراتژیکی خویش را متحقق خواهد نمود. از این روی لازم است که نقش و تاثیر عوامل چهارگانه و امکانات موجود و موانع بر سر راه آنها را ارزیابی و تجزیه و تحلیل نمود. دولتمردان جمهوری اسلامی ایران، در نتیجه ی ماهیت متضاد و

منفعت طلبانه ی خویش، نسبت به اراده و خواست ملت های جغرافیای سیاسی ایران، نه تنها با بی تفاوتی و خشم و کینه ای حیوانی برخورد می نمایند بلکه با عملکرد متضاد و متناقض خویش که ریشه در آز و نیاز و تبهکاری و ویرانگری ذاتی شان دارد بر وخامت اوضاع و رویا رویی هر چه بیشتر با ملت ها روی می آورند. آنان ضمن اعتراف به نارسایی ها و گاهاً اشاره به ماهیت و علت رشد و شکل گیری تضادهای اجتماعی، به عوامفریبی روی آورده و به جای چاره جویی به حربه ی سرکوب و به خاک و خون کشیدن مطالبه کنندگان توسل می جویند! تبهکاران و جانان حاکم بر ایران، حاضر به پذیرش این مسئله نیستند که جامعه ی ایران، تضادهای بیشمار و متناقضی را در درون خویش حمل می نماید و این تضادها با گذشت زمان رشد نموده و تحول می یابند. به عبارت دیگر، چالش ها و تنش های موجود، نتیجه ی انعکاس واقعیت های نهفته در تحولات تاریخی - سیاسی ملت هاست که بشکل و بطور مستمر رشد می یابند و هر روز ایده های نوینی را در جهت تحقق و پیشبرد اهداف خویش طرح می نمایند. بر ماست که با پالایش دادن دیدگاه های گذشته و طرح خواسته ها و اهداف جامع و کاملی که در چارچوب استراتژی خلاصه گردیده، به تقویت عوامل و نیروهای پردازیم که در جهت منافع و مصالح ملت خویش گام برداشته و با شرکت همه جانبه در انتفاضه ملت عرب، هر نوع توهین، تبعیض، استتماگری و ستمی ملی و منطقه ای را به چالش طلبیده است! با این هدف که نو آوری را به جامعه عرضه نموده و دستاوردهای عدالت طلبانه و انسانی انتفاضه را تثبیت نمائیم.

تحلیل صحیح و درک درست شرایط عینی و واقعیت های ملموس جامعه، ملت عرب را بسوی اتخاذ استراتژی معین و

مشخص خویش هدایت نموده است. بنا بر این ارزیابی دقیق اوضاع و استفاده ی بهینه از چنین موقعیتی شرط لازم تحقق چنین مرحله ای بشمار می رود. نضال قشرهای جامعه بیان کننده ساختار نا همگون و سیاست های ضد انسانی آنست و اتحاد عمل مشترکشان بر علیه استثمار - غارت - چپاول و تحقیر ملت های جغرافیای سیاسی ایران، تنها بخشی از نضالی است که بر علیه ماهیت ضد بشری جمهوری اسلامی سازمان یافته و در بر گیرنده اهداف آن است.

ضعف و نقایص بیشمار سیستم و نظام ج. ا. در ابعاد ساختاری آسیب پذیری و شکنندگی آن را در برابر انتفاضه ملت عرب و خیزش دیگر ملت های جغرافیای سیاسی ایران به نمایش گذاشته است! تجربه های به دست آمده بیانگر این واقعیت انکارناپذیر است که تضادهای آنتاگونیستی چنین جوامعی، در نهایت فروپاشی ساختار سیاسی - اقتصادی را به همراه خواهد داشت. ضرورت تاکید به عوامل فوق در جهت تداوم و گسترش انتفاضه، واقعیتی عینی و تنها راه رهایی از ستم ملی و دستیابی به عدالت اجتماعی از سوی ملت های دربند جوامع تحت ستم و استثمار شده ای چون جمهوری اسلامی ایران است.

جا انداختن تغییرات وارده و وادار نمودن نیروهای خودی که هم اکنون و در مقطع کنونی به رقیبی سرسخت و واقعی در مقابله با جمهوری اسلامی تبدیل گشته، به درک و هضم آن از اهم واجبات و وظیفه ی تمامی نیروهای آزادیخواه و رهایی طلب است. تنش ها و درگیری های کنونی نتیجه آن تضاد غیر آنتاگونیستی سرنوشت دو نیرویی است که در نهایت امر به مقابله و رویارویی روی آورده و در برابر هم صف آرایی نموده اند. جمهوری اسلامی، با تلاشی مذبحخانه بر آنست تا بر سیاست کنونی خود ادامه داده و اهداف و وضعیت گذشته را به هر شکل

ممکن، با هماهنگی و انطباق میان مضمون و شکل قدرت ادامه دهد. تلاشی که در جهت رشد و تقویت هر چه بیشتر فاشیسم مذهبی سیر نموده و در صورت عدم تغییر شرایط اجتماعی و فایق آمدن، موقعیت فاجعه باری را بدنبال خواهد داشت. در این مقطع جایگاه و منزلت نیروهای متشکل و منسجم و نیروهای مستقل و حمایت و پشتیبانی ملت های جغرافیای سیاسی ایران، نقش مؤثری در تغییر و تناسب نیروها و استمرار انتفاضه ایفا می نماید. تحولات کیفی که حاصل و نتیجه مرحله بحران بشمار می رود، در صورت هماهنگی و همگامی همه ی نیروهای درگیر و اتحاد و یکپارچگی ملت های جغرافیای سیاسی ایران به وقوع خواهد پیوست. در غیر اینصورت به بحرانی عمیق مبدل خواهد شد و در صورت عقب نشینی و عدم پیروزی حداقل به لحاظ محدود بودن، پس از فروکش نمودن چنین مرحله ای، حالت طبیعی شرایط گذشته و مناسبات آن را بدنبال خواهد داشت.

رشد و گسترش آگاهی اجتماعی در برابر سیستمی که ارضا کننده قشر خاصی از جامعه بوده و به راحتی حقوق حقه ی دیگر ملت های جغرافیای سیاسی ایران را با توسل به شیوه های تبعیض آمیز، فاشیستی، نظامی، امنیتی، زیر پا می گذارد، از اهم واجبات و در ردیف وظایف تخطی ناپذیر نیروهای درگیر است. عدم شناخت و درک نقش و جایگاه عوامل کمی و کیفی تحولات و تمییز ندادن وجه تشابه و متمایز اهداف چنین مراحل (بحران)، سیطره نیرویی را در پی خواهد داشت که از جایگاه برتری برخوردار بوده و با هر وسیله ی ممکن بتواند بر تضادهای موجود و بهره برداری از آنها در راه اهداف خود فائق آید. وضعیتی که متأثر از شرایط و در برگیرنده کلیه عوامل ساختاری بشمار نرفته و بازگشت به شرایط گذشته را بدنبال

خواهد داشت. وضعیتی که کمترین تغییر کیفی و بنیادی در هیچ یک از عرصه ها و ساختارهای دولت نشده و منجر به نتایج مثمر ثمر و غیر قابل بازگشتی نخواهد شد.

پشت سر گذاشتن مراحل پیشین (تضادها) در جهت حصول تغییرات کیفی و پذیرش مرحله نوین و شناخت و ارزیابی روندهای اجتماعی - تاریخی و حذف اندیشه ها و ایده هایی که بیان کنند ایدئولوژی شوونیستی شیعه و در راستای اهداف خصمانه و سرکوبگرانه آنست! ایدئولوژی و اندیشه ی مخرب و ویرانگری که مبتنی بر استراتژی توسعه جغرافیایی - سیاسی رژیم و همدستان صهیونیستش در منطقه بوده و ارمغانی جز ذلت و بدبختی برای ملت های جغرافیای سیاسی ایران به طور اعم و ملت عرب بطور اخص بیار نخواهد آورد.

تنها راه رهایی و نجات از چنین اندیشه و دیدگاهی، درک عمیق آن و خشکاندن ریشه های نا میمون و لعنت شده ی آنست. اندیشه و تفکری شیطنانی و اهرمنی که در تقابل با فرهنگ ملت های جغرافیای سیاسی ایران قرار گرفته و در جهت نابودی، بی ارزش و بی محتوا نمودن و بر باد دادن ریشه های آن تلاش نموده و می نماید.

سیر تکاملی تحولات جامعه طی سالیان طولانی، بویژه در سه دهه ی گذشته، تضادهایی را با خود حمل نموده که منجر به تشدید بحران و اوضاع نابسامان اجتماعی کنونی گردیده است. گر چه این وضعیت، زمینه مناسبی فراهم آورده که اگر به طور درست و دقیق مورد بهره برداری و استفاده ی نیروهای پیشرو و پیشقراولان جامعه قرار گیرد، قادر است تغییر و تحولاتی بنیادی را سبب گردد! تغییر و تحولاتی که نتیجه منطقی اوضاع کنونی و حاصل تضادهای آشتی ناپذیر جامعه است.

شرایط عینی جامعه، بیانگر این واقعیت است که زمان تغییر و تحولات بنیادین و رهایی فرا رسیده است. این شرایط نشان می دهند که جمهوری اسلامی و ایدئولوژی شوونیستی شیعه، در نتیجه ی سه دهه سرکوب، خفقان، چپاولگری، کشتار و تبهکاری، بیش از پیش اعتبار و حیثیت خود را از دست داده و تحت هیچ شرایطی قادر به حکمروایی با شیوه ی گذشته نیست! از جانب دیگر، ملت های به جان آمده ی جغرافیای سیاسی ایران نیز، حاضر به تحمل این حکومت و دل خوش کردن به عوامفریبی های دولتمردان تبهکار و وعده های توخالی و بی بنیاد دین فروشان چپاولگر نیستند! در چنین شرایطی، ایجاب می کند که پیشاهنگان فرهیخته، روشنفکران و دلسوزان مترقی جامعه ضمن افشاگری و بر ملا نمودن هر چه بیشتر ماهیت رژیم، به سازماندهی و هدایت توده ها بپردازند و آنان را در جهت رهایی و ایجاد تغییر و تحولات عمیق و بنیادی آماده سازند تا به جای قربانی شدن در خیابان ها و جان سپردن در شکنجه گاههای قرون وسطایی رژیم و شکنجه شدن در کهریزک ها، آگاهانه پنجه در پنجه ی رژیم ضد مردمی و تبهکار بیندازند و سرنوشت محتومش را رقم بزنند!

تا آنجا که به ملت عرب بر می گردد، بدون شک موانع جدی و تا حدی اجتناب ناپذیر، خلی در پروسه انتفاضه ایجاد نموده است. اخبار و گزارش های موجود گواه بر آنست که تمام قدرت نظامی - امنیتی رژیم در برابر مقاومت صف آرای می نموده و شرایط دشوار سیاسی - اقتصادی دهشتناکی را در منطقه و در مقابله با ملت عرب بوجود آورده است!

بر ملت عرب است که با درایت، خویشتنداری، اتحاد و همبستگی بر مشکلات فائق آمده و اجازه ندهد تا شرایط نا مساعد، فشارهای مصنوعی و تاکتیک های ددمنشانه ی رژیم

آنان را از حرکت باز دارد و مانعی بر سر راه تغییر و تحولات ایجاد و مبارزه ی حق طلبانه ی آنان را با ناکامی و شکست مواجه نماید.

ضرورت جمع آوری و بررسی مدارک در زمینه های مختلف داخلی - خارجی و سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و بررسی اوضاع کنونی و همه جانبه اش بمثابة عملی پژوهشی - منظم و دقیق نسبت به تحقیق و بررسی و مطالعه دقیق اوضاع، واقعیت عینی را مقدم بر آمال ذهنی خویش قرار داده است. تحقیق و بررسی مشخص اوضاع کنونی و تحولات تاریخی ملت عرب و تطبیق دستاوردها و اسلوب ها در مقطع و شرایط تاریخی و نحوه ی بکار گرفتن همه جانبه ی تجربه های مفید و ثمربخش، الزامی به نظر می رسد. زیرا ما در پی درک و شناخت واقعیت عینی جامعه و نتایج حاصله از آن، قادریم بدنبال اهداف واقعی خویش گام برداشته و دیدگاه های خویش را معطوف به بررسی علمی و سازنده ی نتایج حاصله از انتفاضه نمائیم. در چنین حالتی، می توان بدنبال کشف حقیقت (رابطه درونی اشیاء و پدیده ها و قوانینی که بر آنها حاکم است) موجود و جوهره ی تحولات مبتنی بر واقعیاتی که بطور عینی وجود داشته و دارند رفت و بر اساس آنها عمل نمود. چنین روشی بمعنای کشف حقیقت از واقعیات (اشیاء و پدیده ها آنگونه که بطور عینی وجود دارند) است. تحقیق و شناخت اوضاع آن طور که هست بمعنای تحقیق و بررسی واقعیات عینی جامعه است و بکارگیری دیدگاه ها و نظریاتی که منطبق بر واقعیت جامعه و نشأت گرفته از رویدادهای روزمره ی آن باشد در برابر عقب مانده ترین و واپس مانده ترین مناسبات حاکم بر جامعه، چون سلاحی برآ کارایی دارد. این یکی از وظایفی است که در برابر نیروهای مسئول و دلسوز از سویی و اقشار مختلف

انتفاضه از سوی دیگر صف آرابی نموده است. نادیده گرفتن چنین وظایفی و چشم پوشی از عناصری بدین گونه، به هیچ وجه در راستای منافع و مصالح ملت عرب نبوده و با خواسته های مطرح جامعه سازگاری ندارد. اهداف و موضع گیری متضاد بیانگر شکل - شیوه و ماهیت آنان است.

میریدان خفته ای که سعی در اخمد انتفاضه و تحمیق اقشار مختلف جامعه داشته و در این راستا گام بر می دارند، و نه در جهت و سمت و سوی روشنگری حقایق و واقعیات عینی جامعه، راه به جایی نخواهند برد. اینان گروه و دسته ای بوده و هستند که باد می کارند و در پایان توفان درو می کنند. زیرا در ازاء موضعگیرهای متضادی که با اهداف و برنامه های منفعت طلبانه بر می گزینند و افکار ترقیخواهانه و انسانی جامعه را در مسیرهای دیگری هدایت می نمایند، در مقابل مردم می ایستند و در نهایت رشد و آگاهی عینی - ذهنی جامعه تعیین کننده سرنوشت آنان است. عوامل و نیروهای دیگری نیز وجود دارند که بر مبنا و در راستای دو هدف متفاوت و متضاد گام برداشته و کاملاً فرصت طلبانه عمل می نمایند! جماعتی که ضمن دلسوزی و همنوایی با ملت عرب، گوشه چشمی نیز بسوی حکومتیان و الطاف کریمانه ی آنان دارند!

اوضاع کنونی بگونه ای است که نیروهای مطرح در منطقه (دولت مرکزی - انتفاضه) بیان کننده خواسته و اراده ی منفعت طلبان و سودجویان داخلی و خارجی از سویی و محرومترین اقشار جامعه ی عرب از سوی دیگر بوده و هر یک به نوعی در پی نفی و محو دیگریست.

نقش و جایگاه مؤثر عنصر ذهن و واقعیت عینی جامعه در چنین نبردی حائز اهمیت و اساسی بشمار می رود.

درک پیوند سه عامل و روند اتحاد و عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی منطقه که حاصل سیطره دهه های گذشته اند، از اهمیت ویژه ای برخوردارند. اینها عناصر و عواملی هستند که در این راستا سیر نموده و در پی تحقق اهداف استراتژی گام بر می دارند. نتایج حاصله از تحولات و صراع مطرح در سطح جامعه، همچنین ظهور و تقسیم بندی (جناح بندی) نیروها حول این سه محور می باشد.

۱ - نیروهای مردمی انتفاضه که از حمایت و پشتیبانی ملت عرب برخوردار بوده و از خصائل و ویژگی های در خور تعمق برخوردارند. و همه ی مسائلی و خواسته هایی که از سوی آنان طرح، تبلیغ و ترویج می گردد تبلور ایده ها، تاکتیک ها و استراتژی آنان بوده و منعکس کننده ی مناسبات حاکم بر جامعه و سیاست های مخرب و ویرانگرانه ی رژیم اسلامی در قبال ملت های جغرافیای سیاسی ایران و ملت عرب است.

۲ - نیروهای محاید (بی طرف). نیروهایی که تحت تاثیر شرایط سخت اقتصادی - معیشتی قرار گرفته و بسوی شرایط حاکم و ساختار کنونی گرایش و سوق داده شده اند. تقارب و همسویی آنان نشان دهنده موقعیت شکننده و ضربه پذیر اجتماعی است. این نیرو، از منظر خویش شرایط نابسامان کنونی را ناشی از عملکردها و سیاست هایی که در راستای تحقق اهداف استراتژی دولت مرکزیت می داند و به طور تدریجی در پروسه ی تحولات جای خواهد گرفت. زیرا در پروسه تحولات وسیع و گسترده، کلیه عوامل و نیروها دستخوش تغییر و تحول خواهند شد. در آخر اینکه، این نیرو مخالف تحولات نبوده و بخش قابل توجهی از جامعه بشمار می روند و در نهایت گرایش بسوی انتفاضه دارند. گر چه شرایط و مناسبات حاکم، تلاش می ورزد تا مجال رشد و ترقی را به آنان نداده و

هر گونه مجال تفکر و اندیشیدنشان را سلب نماید. تقسیم بندی و دیدگاه های مطرح عوامل فوق نسبت به تحولات متفاوت می باشد.

۳ - مریدان و سخنگویان و مبلغین ایدئولوژی شوونیستی شیعه. که از امکانات وسیع و موقعیت مناسب تری برخوردار بوده و از حمایت و پشتیبانی مؤسسات امنیتی - اطلاعاتی برخوردارند. استمرار روندی که حاصل شرایط موجودست هر روز در ابعاد گسترده ای به صور گوناگون بر حجم محدودیت ها و فشارهای خویش می افزایند. ایدئولوژی فاشیستی صفویه و در رأس آن ولی فقیه و ولایت فقیه اش کهنه ترین و واپسگرا ترین ایدئولوژی عصر نوین است. درس مهمی که تحولات نوین بشارت دهنده آنست، شکست اسطوره و هژمونی فوق و اهداف توسعه طلبانه آنست. زیرا انتفاضه ی ملت عرب بر ضد فاشیسم در تمامی عرصه ها مانع تحقق اهداف استراتژی آنهاست.

با استناد به پراکندگی تحولات و عدم سازماندهی و برنامه ریزی مدون از سوی ملت های جغرافیای سیاسی ایران، در راستای مبارزه ی یک دست با رژیم، فاکتور تعیین کننده رشد آگاهی ملت هاست. اگر چه نتیجه گیری و درک تحولات یکسان نبوده و بر پیچیدگی مسائل می افزاید. اما درک و شناخت واقعیت مشخص که در مجموع بر کسی پوشیده نیست، لازمه ی مبارزه و استمرار روند آن در شرایط فعلی است. واقعیتی که به همراه خود مسائل مختلف جامعه و منطقه و تجربیات نوینی را که نشان دهنده ی گسترش و پویایی انتفاضه و اهداف آن را به دور از تبلیغات سو و سمپاشی های رژیم حمل می نماید.

شرایط - تحولات - نتیجه گیری ها - تجربیات - دیدگاه ها و نظریات تئوری و پراتیک (دانستن و عمل کردن) که حاصل چندین دهه انتفاضه و دستاوردهای تاریخی گذشته ملت عرب

بشمار رفته، اساس و جوهره ی پویایی جامعه در برابر شرایطی است که اتحاد، ایستادگی و مقاومت همگانی را می طلبد. زیرا در پرتو همبستگی، اتحاد و مقاومت مستمر، پیامدهای خاص خود را به دنبال داشته و موفقیت و ماندگاری دستاوردهای مبارزه تضمین خواهد شد. تحولات گذشته و حال نشان دهنده تفکر و اندیشه ای است که از جیلی به جیل دیگری منتقل گردیده و ماندگاری و دوام خویش را حفظ نموده است. نباید از نظر دور داشت که در خور تعمق بودن نتایج و پیامدهای سلبی – ایجابی آنها در بطن پروسه تحولات بمتابیه پراتیک انتفاضه و ثمربخشی آن مطرح گردیده است.

شناخت و بررسی تجربیات و واقعیات کنونی جامعه و واکنش ها و عکس العمل هایی که این واقعیات در پی دارند، ضرورتیست اجتناب ناپذیر و غیر قابل اغماض! آنچه در شرایط کنونی حائز اهمیت بوده و اساسی و لازم بشمار می رود، انطباق پراتیک با تحولات و اتخاذ تاکتیک های مهمی است که ضرورت مقابله با دشواری ها و سیاست های مخرب و ویرانگر رژیم، آنان را در دستور کار قرار داده است. عدم شناخت عامل (عواملی) که بر سر راه مبارزه و دست یابی بر خواسته های حقه ی ملت های جغرافیای سیاسی ایران، منجمله ملت عرب صف آرایي نموده، نشان از عدم درک واقعیات عینی جامعه و اهمیت و ابعاد انتفاضه است. رویدادهای نوین، تحولات و همه ی موضع گیری ها و تغییرات تاکتیکی ارتجاعی رژیم و دیگر نیروهای درگیر، می بایست مورد تجزیه و تحلیل و نقد عمیق گذاشته شده و ضمن عدم پنهان کاری و مخفی نمودن نتایج حاصله از اذهان عمومی، در جهت منافع و مصالح ملت عرب بکار گرفته شود. واقعیت های اسفبار و دردناک جامعه و سیاست های شوونیستی و ارتجاعی رژیم، ما را در برابر چنین امری ملزم می نماید.

ضمن بررسی و نقد جوانب گوناگونی که در تضاد با کاستی های تحولات اجتماعی و ضرورت های انتفاضه ملاحظه و مشاهده گردیده، باید مشخص و روشن نمود که آیا جامعه توانایی و آمادگی پذیرش و کشش شیوه های نضال را داشته است؟ آیا تئوری ها و نظریه های حاکم بر مبارزه و جریانات موجود، درک مشخص و جامعی از اوضاع وقت جامعه و شرایط حاکم بر آن داشته است؟ تاریخ نوین ملت عرب را می بایست بر مبنای تغییر و تحولات و دستاوردهای آن به پیش برد و ضمن پرهیز از بزرگ نمایی و طرح و بیان مسائل غیر واقعی و ذهنی، تنها و تنها حقیقت را به تصویر کشید.

لازمست تا آنچه را که متعلق به همه و از آن همه است، به درستی و با دقت بررسی نمود، تا به حقایق آن دست یافت. موقعیت و وضعیت مبارزاتی ملت عرب و جایگاه کنونی آن، حاصل و نتیجه ی پروسه ای دور و دراز و تاریخی است که از نسلی به نسل دیگری منتقل گردیده و واقعیت کنونی را خلق نموده است. این پروسه، نتیجه ی مبارزه و پیکار ملت عرب، با انواع و اقسام نظام ها و دولت های مرتجع و سرکوبگریست که هدفی جز استثمار، استعمار و بهره کشی از ملت های جغرافیای سیاسی ایران، به ویژه ملت عرب را دنبال ننموده کوچکترین گامی در راه احقاق حقوق حقه ی آنان برنداشته اند! ادامه ی این مبارزه، اکنون و در شرایط فعلی جامعه ی ایران، در برابر مطلق نگری شوونیسم شیعه و فاشیسم عریان ولی فقیه و ولایت فقیه اش در چارچوب ملت واحد - زبان واحد سر بر افراشته و در راه حقوق حقه اش به پا خواسته است!

برای درک جامعه و پیچیدگی موضوع دستاوردهای گذشته، مطالعه ی آثار بجای مانده و بررسی زوایای اجتماعی آنها، لازم و ضروریست! زیرا با مراجعه و بررسی آنچه در گذشته رخ

داده، قادر به شناخت و آشنایی با تاریخ نوین ملت عرب و خواسته های برحق و انسانیش خواهیم بود! نکات مورد اشاره، کلید و راهنمای عوامل و موارد بیشمار کنونی است! تاریخ متعلق به گذشته است. اما با غور و تعمق در آنها، می بایست به روزشان کرد و به عبارتی، به تحولات کنونی پیوندشان داد و حقایق آن را در چارچوب و در بطن تحولات انتفاضه تدوین و جای داد. با ایجاد و خلق چنین سیستمی، قادر خواهیم بود که بیان شیوا و حرکت را در دو زمان متغیر گذشته و حال باز شناخته و عوامل متضاد و جنبه های مختلف آن را ارزیابی نماییم. ریشه مشترک حقایق تاریخی و تجربیات گذشته، دستاوردهای آنست و گسترش ابعاد شناخت همه جانبه و زوایای مختلف آن در جهت گام برداشتن بسوی کیفیت بخشیدن و بهره برداری از تحولات نوین است. زیرا یکی از عوامل مهم و بیماری زای جامعه ی ما در حالت فعلی، بی اعتنائی نسبت به تحولات پراکنده و بریده، عدم آشنایی با گذشته، عدم پیوند عمیق با تاریخ و ناتوانی در پیوند دادن تجربیات و دستاوردهای گذشته با وضعیت موجود و به ناگزیر، عدم شناخت و درک علمی معیارها و تحلیل واقعیت هاست.

واقعیت های اجتماعی و تغییرات حاصله از آن بمثابة تداوم تحول پروسه انتفاضه و تبیین واقعیت و پیوند دادن تحولات و تجربیات و تدوین آنهاست. تحولاتی که مبتنی بر تئوری و پراتیک (دانستن و عمل نمودن) و واقعیت و شناخت دقیق جامعه است. قدرت درک تحولات اجتماعی و جوانب آن و تاثیر ذهنیت جامعه از تغییرات تاریخی و نتایج آن، تغییرات جوهری در فکر و ذهن تک تک افراد جامعه را در برابر ایدئولوژی منحنی و واپسگرایانه ی شوونیسم شعیه ی صفویه مسلح نموده و کشش و تمایل او را نسبت به تحولات اجتماعی – سیاسی تشویق

و ترغیب نموده و عامل تغییر و تحول و حرکت را در وجودش ثبت می نماید.

ایدئولوژی واپسگرایانه، ارتجاعی و شوونیستی شیعه صفویه بمثابة بزرگترین و مخرب ترین سلاح تحمیق فکر - ذهن و جسم ملت های جغرافیای سیاسی ایران و در راستای اهداف استثمارگرانه و تبهکارانه ی دولت مرکزی بکار گرفته می شود. بالا بردن درک واقعیت عینی جامعه در جهت تغییر و تحول اوضاع حاکم است. در حالیکه تحمیق افکار عمومی، اختناق و سرکوب، شکنجه و اعدام، تلاشی است از سوی رژیم و در راستای تحکیم موقعیت تبهکارانه و غارتگرانه ی خود و در عین حال، ارائه چهره ای متعادل و قابل قبول در عرصه کشور - منطقه و جامعه جهانی.

سه دهه ی مستمر سرکوب و اختناق، شکنجه و اعدام، بیدادگری و ستم، تبهکاری و چپاول، عوامفریبی و جنایت، قساوت و سنگدلی در حق دگرانديشان، زنان، کارگران، دانشجویان، فرهیختگان، اقلیت های ملی، دینی و مذهبی، آنها با نام دین و ایمان و با سؤاستفاده های رذیلانه ی دینداری، وطن پرستی و ملی گرایی، ملت های جغرافیای سیاسی ایران و نیروهای مترقی و متشکل و منسجم را به چاره اندیشی واحد و یکپارچه فرا می خواند تا مبارزات مستمری را در راستای دگرگونی و تحولات عمیق جامعه پایه ریزی و پیگیری نمایند!

تحولات دهه های گذشته در ارتقاء درک سیاسی - رشد و تنوع دیدگاه ها و ایده های متنوع توده های مردم و بالطبع تشکل های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در وسیعترین شکل ممکن اثر گذار بوده است. با تاکتیک و استراتژی متنوعی که نشان از رؤیت و جایگاه اجتماعی هر کدام از گروه ها و سازمان ها نسبت به اوضاع و تحولات جاری کشور است!

رابطه تنگاتنگ و نقش مؤثر و تاثیر پذیر هر کدام از گروه ها و قشرهای درگیر، تقارب و همسویی و تجزیه و تحلیل اوضاع در برخورد با ماهیت فردی و اجتماعی دولتمردان و جایگاه طبقاتی - اجتماعی هر یک از آنان، بازتاب دهنده و منعکس کننده ی ماهیت طبقاتی و میزان عدالت دوستی و آزادیخواهی آنان است! درک این مسئله که گروه و اقشار ناراضی و معترض از منافع و مصالح کدامیک از قشرهای اجتماعی جامعه دفاع می نمایند و با سمت و سوی اهداف حاکمیت همخوانی یا تضاد دارند، بسیار مهم و با اهمیت می باشد.

درک صحیح از برداشت و شیوه ی برخورد و موضع گیری هر یک از گروه ها نسبت به تحولات کشور - اقلیمی و تاثیر پذیری آنان از مناسبات و رخدادها و تغییرات بین المللی بر تحولات درونی کشور، نقشی کلیدی و سازنده در جهت گیری و اتخاذ تاکتیک و استراتژی نیروهای تحول طلب و خواستار تغییرات بنیادی به نفع محرومان جامعه دارد.

مطالعه و برخورد عینی با مسائل و معضلات جامعه و منطقه و اتخاذ و بکارگیری تاکتیک و استراتژی متناسب با واقعیت های عینی موجود با در نظر گرفتن تغییرات حاصله از تحولات نشان دهنده رشد فکری و بلوغ سیاسی همه ی جریان ها و گروههایی است که دارای درد مشترک اند! اوضاع نابسامان کشور و شرایط حساس بین المللی، ما را بر آن می دارد تا ضمن برخورد های دقیق و مد نظر داشتن موقعیت و اهداف جمهوری اسلامی ایران و نقش سلبی و مخرب و مداخلاتی این رژیم که بیان کننده عمق استراتژی و اهداف دراز مدت نهفته ی آنان در پس ایدئولوژی فاشیستی و توسعه طلبانه ی صفویه نهفته است، شیوه ی عملکرد و بهره برداری آنان از عوامل و نیروهای شیعی و غیر شیعی (عمدتا شیعی) ساکن در کشورهای عراق

– لبنان – سوریه و فلسطین را نیز فراموش نکنیم! نیروهایی که بنا به موقعیت زمانی، شرایط موجود جهانی و دریافت کمک های مالی و تسلیحاتی روزافزون، نمایندگان و منادیان و حتی آلت دست رهبران جمهوری اسلامی در منطقه بشمار می روند! تا آنجا که جنگ برادر کشی و خدمت به اهداف دشمنان منطوقی و جهانی ملت عرب، از جمله جمهوری اسلامی و پاسداران و مدافعان سرسخت شوونیسم شیعه را بر پیکار تمام عیار و یک دست با نیروهای دشمن به ویژه اشغالگر بین المللی و جنایتکاران صهیونیسم ترجیح می دهند!

بررسی و شناخت اوضاع طرفین درگیر (دولت مرکزی و ملت عرب) و آشنایی از کم و کیف اوضاع یکدیگر در پروسه کامل مبارزه و بررسی تضادهای واقعی تنها راه رسیدن به پیروزی و ایجاد تغییر و تحولات اساسی است.

بررسی و شناخت علمی ساختار جامعه – تحولات اجتماعی و قشرهای جامعه و تقارب به واقعیت جامعه و تحولات و شرایط حاکم بر اوضاع ضرورت شناخت و موشکافی آنها، اهداف تاکتیکی – استراتژیکی ملت ها، بدون شک عامل اساسی و مؤثر تحولات است.

تاریخ جوامع بشری شاهد تحولات و دگرگونی های فراوانی بوده و بهترین و منصف ترین گواه بر خواست های اساسی ملت ها و تحقق یا عدم تحقق اهداف آنها بوده و خواهد بود. در تمامی مراحل تاریخی و پروسه ی مبارزات حق طلبانه و عدالت جویانه ی ابناء بشر، همیشه و در هر حال، منافع و مصالح مشترک ملت ها، آنان را حول تاکتیک های مشخص و استراتژی مشترک گرد آورده و در صفی واحد و یکپارچه متحد نموده است! درک واقعیت جامعه و اوضاع مشخص آنست که اجازه می دهد تا گروه ها و اقشار جامعه، تجزیه و تحلیلی عینی از

جامعه ارائه داده و نقش تئوری و پراتیک و اهمیت هر یک از آنانرا در مقاطع مختلف بررسی و ضرورتشان را نمایان سازند! نقش نیروها، گروه ها و قشرهای ملتزم، دلسوز و پیگیر در اتخاذ تاکتیک مناسب و تغییر وضعیت و تعیین نقش و اهمیت آنان جهت ایجاد تحولات و رسیدن به اهداف غایی، بیانگر ماهیت و جایگاه طبقاتی و معیار مبارزه ی آنان بوده و هست! با چنین شناختی، می توان بدنبال وجوه اشتراک و شرایط عملی اتحاد و انسجام صفوف با دیگر گروه ها قدمی به پیش برداشت و در جهت تدقیق و تعمیق رشد و آگاهی یکدیگر در برابر ترفندها و تاکتیک های دشمن مشترک گام برداشت! زیرا با دوستان و دارندگان دردهای مشترک می توان در جهت تحکیم موقعیت مبارزه و تعیین سرنوشت و اهداف مشترک به گفتگو نشست و بسوی هدف واحد گام برداشت.

از نظر تاریخی، تغییر ماهیت بمعنای واقعی خود و بطور کامل و در جهت تحقق چنین اهدافی نیازمند تاثیر گذاری کفاح و بسط و گسترش و رشد آن است. و پیروزی بر دشمن همه ی ملت جغرافیای سیاسی ایران، بویژه ملت عرب، در عرصه های مختلف، آگاهی و تاکتیک های متناسب انتفاضه را می طلبد.

تاریخ جوامع بشری به ما می آموزد که صاحبان قدرت و استثمارگران، برای دفاع از منافع تنگ نظرانه ی خود و استثمار و بهره کشی از ملت ها، به نیروهای ی سرکوبگر و سلاح های پیشرفته و مرگبار روی آورده و می آورند تا مانعی در برابر نضال ملت ها و سرکوب دائمی آنان که در هر برهه از زمان ابعاد فاجعه باری بخود گرفته ایجاد نمایند! به گواه تاریخ، هیچگاه و در هیچ دوره ای، ملت ها در جهت مسیر و اهداف حکومت های استبدادی و دولتمردان ضد مردمی گام بر نداشته، با آنان همسو و هم جهت نشده و آب به آسیاب آنان نریخته اند!

مبادا تهی دستان و توده های زحمتکش که اکثریت قریب به اتفاق جمعیت را تشکیل می دهند، قربانیان اهداف شوم آنان گردند. رشد و بلوغ سیاسی و آگاهی نقش مهمی در موفقیت و دستاوردهای تحولات و استمرار آن خواهد داشت. رشد تحولات انتفاضه، منجر به انعکاس تضاد عمیق میان مردم و دولتمردان و تأثیر چنین تضادی در سطح جامعه گردیده و تبلور نموده است. متأسفانه خلاء و فقدان نیروی منسجم و متشکلی که در این شرایط حساس و بحرانی بتواند کلیت نظام را به چالش طلبیده و مبارزه را در سطح جامعه به صورت سازمان یافته هدایت و رهبری نماید کاملاً مشهود و ملموس است! در حالیکه چنین شرایطی و در نخستین گام تحولات، با استناد به شرایط حاکم، خلق و احیای چنین نیرویی بمثابة ضرورت استمرار تحولات و ادامه ی مبارزه امری حیاتی بشمار می رود. هیچ تحول و انتفاضه ای از قاعده فوق مستثنی نبوده و فقدان و خلاء چنین نیرویی، ضعف تحولات و به خطر انداختن دستاوردهای اعتراضات عمومی و جنبش های خودبخودی را بدنبال داشته و راه رسیدن به پیروزی و دست یافتن به نتیجه ی نهایی را ناهموار و گاه مسدود می نماید! سرنوشت رقت بار و قابل تصویری که همه ی نتایج دردناک و پر هزینه آن متوجه نیروهای درگیر و رهبران و هدایتگران ناپیگیر و دمدمی مزاج آن خواهد بود. بر اساس این واقعیت ها چه مانع یا موانعی بر سر راه ائتلاف نیروها قرار دارد؟ ضرورت تشکل و انسجام در درون، ضامن موفقیت و کسب نتایج ایجابی و فقدان آن تشنت و ضعف اساسی تحولات را بدنبال خواهد داشت. عدم تفاهم نیروها و تلاش در جهت حل و رفع جدی عوامل و موانع مطرح فی مابین، زمینه احیاء و رشد دیدگاه و نظریاتی را فراهم نموده که در جهت انفعال و تشنت هر چه بیشتر و بهره برداری فرصت

طلبانه‌ی دشمن سیر می‌نماید! تداوم چنین روندی سیر تحولات را در ابعاد تئوریک و پراتیک متأثر نموده و همچون گذشته‌های دور و نزدیک کفه‌ی ترازوی قدرت را به نفع دولتمردان ضد مردمی، ارتجاع منطقه و سوداگران و غارتگران بین‌المللی، تغییر خواهد داد. عواملی که محصول ذهن انسان و موقعیت و جایگاه آن در برخورد با حوادث و پدیده‌های اجتماعی نشان می‌دهد که تجارب سلبی - ایجابی نقش عمده‌ای در تکوین جوهره و اساس بینش و نگرش چنین دیدگاهی نسبت به واقعیت‌های عینی جامعه و شرایط حاکم بر آن داشته و دارد. عدم تحلیل مشخص از شرایط موجود و درک منطقی از وضعیت جامعه و تحولات بین‌المللی، سبب پیچیده‌تر شدن اوضاع و عدم شناخت تضاد عمده کنونی ملت‌های جغرافیای سیاسی ایران، با دولتمردان بشمار می‌رود. استناد به وضعیت عینی و نقش تعیین‌کننده تئوری و پراتیک در جهت ارزیابی و سنجش و تطبیق عواملی که میزان رشد و پیشروی به سوی اهداف را تعیین و درک و عملی نمودن آنها در عرصه‌ی نضال را نشان می‌دهد و در راستای اولویت بخشیدن به عوامل اصلی و پی‌بردن به میزان اهمیت و درجه‌ی حیاتی بودن آنها سیر و سلوک می‌نماید، ضرورت درجه اول تحولات بشمار می‌روند! شرایط بغرنج کنونی و ظهور بحران‌های غیر قابل علاج در سطح جامعه، نتیجه‌ی اجتناب ناپذیر و غیر قابل گریز و حدت‌یابنده‌ی تضادهایی است که سیاست‌های ضد مردمی، تبهکارانه، غارتگرانه و ایران‌بر باد ده جمهوری اسلامی و ولایت مطلقه‌ی فقیه، در پناه ایدئولوژی واپسگرایانه و شوونیستی شیعه، طی سه دهه جهل و جنایت بیار آورده است! معضلات و مشکلاتی که در دهه‌های گذشته بروز نموده، رشد کرده، بر روی هم انباشته شده و لاینحل مانده است! و در شرایط

فعلی به ناگهان سر بر افراشته و چون آتشفشانی مهیب و ویرانگر، کلیت نظام را به چالش طلبیده است! به سخنی دگر، عجز و ناتوانی در برابر معضلات و کاستی های جامعه در ابعاد ساختاری (اجتماعی - سیاسی - اقتصادی - فرهنگی) پایه و اساس کلیه ی تضادهای کنونی بوده و عامل نهایی آن رژیم آزادی ستیز و ضد بشری جمهوری اسلامی و ولایت مطلقه ی فقیه است!

برجسته ترین و حادثترین عاملی که نقش اساسی را در تحولات اخیر ایفا می نماید، عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است و از دیر باز تا کنون بمثابه پروسه تاریخی تحولات ملت های جغرافیای سیاسی ایران، بشمار می رود. برای تحقق خواسته و پیگیری و به ثمر رساندن تحولات اجتماعی، می بایست تاریخ را مطالعه و جمع بندی نمود و با تجزیه و تحلیل اوضاع کنونی بسوی استمرار و تکامل گام به گام انتفاضه حرکت نمود و در لحظه ی مقتضی جهش سرنوشت ساز و نهایی را آغاز نمود. جمهوری اسلامی ایران و اندیشه ی شوونیستی شیعه در پی سیطره کامل بر منطقه و استحاله و نابودی تدریجی ملت عرب است!

شتابزدگی در تحقق اهداف استراتژیک، تغییر بی رویه و ویرانگرانه ی ساختار اقتصادی منطقه، بحرانی نمودن زیر بنای فرهنگی جامعه، دگرگون نمودن روابط اجتماعی، کوچ دادن ملیت ها و اقوام غیر عرب به منطقه، تصاحب و اشغال زمین های کشاورزی اعراب، تخریب آداب، رسوم، سنن و بنیادهای فکری و عقیدتی اعراب و دیگر آسیب ها و لطمات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گویای برنامه های ضد بشری رژیم و سیاست های ویرانگرانه ی شوونیستی دولت مردان بی

کفایت آن با هدف اشغال و سیطره ی بلامنازع بر منطقه و به تحلیل بردن و محو ملت عرب است!

استهداف، بُعد فرهنگی اندیشه و پویایی و در نهایت پیکره و جسم جامعه را نشانه گرفته و بمثابة نفی گذشته و دستاوردهای تاریخی و معیارهای آن است.

پیداست که ملت عرب گذشته و حال خویش را مرهون و مدیون دستاوردهای تاریخی بر جای مانده ی اجداد و نیاکان خود می داند. تاریخ انسان نشان دهنده تغییر و دگرگونی جوامع مختلف بشری است. تحولات کنونی پیش درآمد بحران های حاکم بر منطقه است که نمونه بارز آن انتفاضه است که انعکاسی از معضلات ریشه دار تاریخی - سیاسی - فرهنگی و بیانگر اوضاع حاکم بر سرنوشت ملت عرب و مناسبات آن است. مهمترین و ریشه دارترین معضلات، عامل و منشاء تحولاتی گردید که در برابر پدیده ها و روندی که تاکتیک و استراتژی دولت مرکزی در پیش گرفته و از آنها پیروی و تبعیت می کند صف آرایی نموده است. چنین اوضاع و احوالی نمی تواند زمینه مناسبی برای ثبات سیاسی کشور و بازگرداندن آرامش به منطقه باشد. به عبارتی بشارت دهنده تحولات بیشمار سیاسی - اجتماعی ایست که با اتحاد و یکپارچگی و رزم بی امان ملت های جغرافیای سیاسی ایران، متحقق خواهد شد! تحولات و دگرگونی های غیر مترقبه ای که تغییرات اجتناب ناپذیری را در ساختار حکومتی ایران به همراه خواهد داشت. در چنین شرایطی تصویر کلی اوضاع بیان کننده شکاف های مطرح و عجز و ناتوانی سیستم حاکم در برخورد با پدیده های اجتماعی ملل کشور است. پروسه تاریخی انتفاضه شاهد تحولات متنوعی بوده که هر کدام بنوبه خود بیانگر شکل و ماهیت و جایگاه نیروها در معادلات آن بر مبنای درک و شناخت آنان از واقعیات عینی و

ذهنی منطقه بوده است. عمق تحولات و تاثیر گذاری متقابل آنان، رابطه ای دیالکتیکی بشمار می رود.

هر جامعه ای متأثر از روابط و مناسبات درونی و ساختار حاکم بر آن است. بدون شک چنین عواملی تضادهایی را بدنبال داشته که بیانگر ماهیت - شکل و محتوای تحولات است. شکی نیست که دستاوردهای تاریخی در عرصه تحولات اجتماعی ملت های جغرافیای سیاسی ایران، آبستن حوادثی است که در جهت تکامل گام برداشته و در راستای تحقق اهداف استراتژیک، ضرورت عنایت و توجه به اشکال و متدهای نوین نضال را بنا به موقعیت و نیاز دوران، خلق و ابداع خواهد نمود. چالش های اصلی و شیوه های مؤثر تحولات اجتماعی طی پروسه سیاسی - اجتماعی شکل پذیرفته و پیامدهای تاریخی و واقعیت های کنونی استراتژی تحولات بشمار می رود.

انتفاضه ملت های جغرافیای سیاسی ایران، در ابعاد مقطعی قادرست تحولات خود بخودی سیاسی - اجتماعی را رهبری نموده و دولت مرکزی را به چالش بکشاند. شرایط ذهنی و عینی قادر است زمینه های مناسبی جهت مشارکت همه ی افراد جامعه در اوضاع سیاسی - اجتماعی و تعیین سرنوشت خود فراهم آورد. تحولات سیاسی - اجتماعی آینده، حول محور مطالبات به حق ملت های جغرافیای سیاسی ایران بوده و ضرورت تغییر مناسبات در سطوح مختلف را اجتناب ناپذیر می داند. اهمیت مرحله کنونی بررسی پروسه تاریخی تحولات و متناسب با آن در جهت تشکل و انسجام نیروها در صفوف انتفاضه است! مبارزه و پیکاری که بر لزوم تحولات سیاسی - اجتماعی پای فشرده و در استمرار روند آن خواهد کوشید! انتفاضه ی ملت عرب و حفظ دستاوردهای آن پیوندی مستحکم و بنیادی با خواسته های کنونی و استراتژی ملت عرب داشته و با آینده آن

رابطه ای گسست ناپذیر و دیالکتیکی دارد. مسیر ناهموار حول محور مطالبات سیاسی - اجتماعی - فرهنگی در عرصه های گوناگون جامعه شکل گرفته و متناسب با شرایط و به روش های متفاوت کفاح اهداف خود را دنبال و تحقق می بخشد.

ابعاد سیاسی - اجتماعی انتفاضه فرصت متنوع و بیشماری را در میان طیف های مطرح جامعه خلق نموده است. برجسته شدن خواسته های ملت عرب، عامل بسیار مهم شناخت پدیده ها و عوامل ساختاری آن می باشد. عامل تئوری و پراتیک در پوشش حمایت های مردمی و توسعه انتفاضه، عرصه ها و فرصت های دیگر اجتماعی را مهیا نموده که بخودی خود دستاوردهای سیاسی مؤثری در جهت تحولات عظیم و سراسری داشته باشد.

بررسی تاریخ نضال ملت ها در گذشته از این جهت حائز اهمیت است که در شرایط خاص انتخاب، استراتژی مناسب با اهداف خویش را بر گزیده است. شناخت نقاط آسیب پذیر و منافع و مصالح قدرتی که در راستای تحقق استراتژی دولت مرکزی به دفاع بر می خیزد و همچنین ضرورت شناخت مرحله ی بحران، عامل بسیار مهمی در تحول اوضاع و شرایط حاکم خواهد بود.

انتخاب استراتژی بر مبنای شناخت و بکارگیری بدیل مناسب در لحظه های ضروری و اتخاذ مناسب با آن است. بعبارتی بهره جستن از فرصت های بدست آمده، در لحظات حساس و اهمیت تحقق هدف، نیازمند شناخت موقعیت آن و تشخیص عوامل سرنوشت ساز در تغییر و تحول بدست آمده می باشد. شرایط اجتماعی - تاریخی گذشته و دستاوردهای آن بمثابة دیدگاه و تحولی در حرکت تضادها و پدیده های مختلف جامعه ایجاد نموده است.

ملت عرب و انتفاضه، عاملی که برای وجودش نیازمند وجود طرفین و تغذیه کننده یکدیگر می باشد حربه های واقعی برای

دگرگونی عمیق جامعه در برابر سیستم مسلطیست که مورد حمایت ارکان ساختاری اعراب و سرکوب خویش است. ظهور چالش هایی که رشد آگاهی عمومی و خلق نیروهای بالفعل در سطح جامعه را نوید می دهد بر دامنه ی مبارزات خواهد افزود و گسترش ابعاد جغرافیای تحولات اجتماعی - سیاسی را عینیت خواهد بخشید. بر همگان روشن است که بحران جاری و پیامدهای منبعث از آن، در نهایت گریبانگیر سیستم حاکم - ولی فقیه و نظام جمهوری اسلامی است.

تشدید و پافشاری بر ادامه و استمرار پروسه های فلاکت بار در سطح منطقه (طرح نیشکر)، بدون توجه به عدم بازدهی و کارایی چنین پروژه عظیمی، از آن روی حائز اهمیت است که در ردیف اهداف استراتژیکی دولت مرکزی، به منظور هویت زدایی و تغییر دیموگرافی و آسیمیلاسیون نمودن منطقه قرار دارد. پیگیری و ادامه ی تلاش دولتمردان و سردمداران رژیم جهل و جنایت در توسعه و گسترش اهداف استراتژیکی خود در سطح جغرافیای منطقه و کوشش در جهت فروپاشی کشاورزی منطقه و غصب (مصادره) زمین های کشاورزی حاصلخیز و مرغوب اعراب و ادامه شهرک سازی با سواستفاده از نظامی - امنیتی نمودن منطقه، از علل مهم تنش ها و چالش های منطقه است. اندیشه شوم و نامیمونی که طی دهه های گذشته در تار و پود سردمداران رژیم و دولتمردان دولت مرکزی رخنه کرده و امروزه یکی از ارکان حیاتی و مهم آن را تشکیل می دهد، شیوع ماجراجویی نظامی و امنیتی نمودن منطقه است. جمهوری اسلامی ایران، تحت عناوین مختلف و بهانه های گوناگون، نه تنها به سیاست نظامیگری خود در منطقه مشروعیت می بخشد، بلکه با ایجاد جو رعب و وحشت، سرکوب و اختناق، شکنجه و اعدام به تلاشی مذبحانه متوسل شده تا ملت عرب را از پیگیری

و مطالبه‌ی حقوق حقه‌ی خود باز دارد. علاوه بر آن، با دمیدن در بوق و کرنای شوونیسم شیعه و طرح اتهامات واهی و بی‌اساس تلاش می‌کند تا میان انتفاضه‌ی ملت عرب و مبارزه‌ی دیگر ملت‌های جغرافیای سیاسی ایران دیوار حایلی ایجاد و بین‌شان تفرقه بیندازد! آنچه در حال حاضر شکل صف بندی نیروها را بطور مشخص در منطقه با اهمیت می‌سازد، این امر مهم است که در تاریخ نوین ملت عرب، شاهد رشد سریع پدیده‌هایی بوده و هستیم که وسعت جغرافیایی منطقه را در نور دیده و همگان را با حقایق و واقعیت‌های موجود آشنا نموده است. علی‌رغم تبعیضات و اجحافات رژیم و در پرتو تناقضات و تضادهای مطرح در سطح منطقه، حقایق موجود بمثابة منطق اهداف استراتژی رژیم پذیرفته و تعبیرات واقع بینانه‌ای در این باره بوقوع می‌پیوندد (تفرعه)! امروزه بر همگان روشن است که همه‌ی بدبختی‌ها، تحقیرها، توهین‌ها و دشمنی‌ها و بروز تمامی تضادها، تنها و تنها محصول سیاست‌ها و عملکردهای ضد بشری و عرب ستیزانه‌ی سردمداران رژیم و دولتمردان بی‌کفایت و مزدور در دهه‌های گذشته است. انباشته شدن معضلات و تضادهایی که ره‌آورد دولت مرکزی است، تضادهایی که ریشه در تحولات و تغییرات تاریخی - سیاسی منطقه داشته و بررسی تاریخی نشانگر ابعاد و عمق و وسعت آنهاست. در نتیجه، راه حل و پیگیری اهداف شهدای ملت عرب و ملت‌های جغرافیای سیاسی ایران، که برابری و برادری و عدالت اجتماعی را مطالبه و جستجو می‌نموده‌اند، یا بطور طبیعی هر کدام بر اساس ویژگی‌های آن جوامع و ملت خویش خواسته‌های حق طلبانه و آزادیخواهانه‌ای را دنبال می‌نمودند، گر چه از منظر دولتمردان مزدور و ضد مردمی به دست فراموشی سپرده شده یا عمدتاً حاشیه‌ای و آرمانی نامیده شده‌اند، اما از سوی

ملت های جغرافیای سیاسی ایران، بسیار مهم - حیاتی و سرنوشت ساز به حساب آمده و در سال و ماه های اخیر، به عنوان خواسته ها و آمال مردم ستم دیده ایران از آغاز تا کنون، بر سر زبان ها افتاده و پس از گذشت سه دهه جغرافیای گسترده ای را در بر گرفته است. اوضاع و احوال تاریخی - سیاسی بمثابة عرصه واقعی تضاد ها توصیف می شود و واقعیات نهفته در بطن آنها، بیانگر حقایقی است که سرنوشت جامعه کنونی ما را رقم می زند! چنین عرصه ای انعکاس تغییر مسیر تاریخی - سیاسی ملت عرب بشمار می رود. توصیف اوضاع و احوال کنونی جامعه و ملت عرب از سوی منادیان و سخنگویان رژیم جهل و جنایت، بیانگر وارون جلوه دادن واقعیت ها و تصویری موقعیتی است که معنایی جز جعل و تحریف سرنوشت ملتی را در بر ندارد. حاصل و نتیجه ی دروغ پردازی های اساسی رهبران رژیم و پیامدهای تبهکاری و جنایت پیشگی دین فروشان حاکم، جامعه کنونی است.

از معضلات چنین جوامعی با چنین ویژگی ها و اوصافی، بحران مشروعیت نزد ملت های جغرافیای سیاسی ایران، بدلیل نا همگونی، عدم ارتباط، تعامل و اعتماد نسبت به رهبران و نهادها و ساختارهای تحمیلی رژیم و دولت مرکزی است.

دیدگاه ها:

فضای سیاسی اخیر در پی افشای گوشه ای از فساد و تبهکاری های رژیم، سیاست های نابخردانه و ایران بر باد ده دولتمردان در داخل و سطوح بین المللی، آنهم توسط مهرهایی از خود نظام و کسانی که در سه دهه ی گذشته در تعیین سرنوشت کشور و مردم نقش بسزایی داشته اند در جریان مناظره های تلویزیونی انتخاباتی، تقلب گسترده در انتخابات نهمین دوره ی ریاست جمهوری، کودتای سپاه پاسداران به رهبری ولایت مطلقه ی فقیه علیه مردم، کشتار مردم بی دفاع توسط افراد لباس شخصی، نیروهای بسیج و از همه مهمتر تجاوز جنسی به پاره ای از جوانان معترض (دختر و پسر) در بازداشتگاه کهریزک و ... دستخوش تغییرات عمده ای در سطح کشور گردید. آیا تحولات

سیاسی اخیر (بحران سیاسی) قادر است شکاف موجود را عمیقتر و قطب بندی های متفاوتی در صحنه سیاسی خلق نماید. تشتت و التهاب سیاسی همواره بدلیل ساختار خاص سیاسی - اجتماعی - فرهنگی، بستری مناسب و مستعد برای بروز تنش و نا آرامی ها بشمار می رود. افکار عمومی در پی رویدادهای فوق و ناکامی های مکرر و دخالت هایی که ناشی از استراتژی سیاست غلط داخلی - خارجی دولتمردان ایران بشمار رفته، بالاخره پس از گذشت سه دهه، به غلیان در آمد و در درون خیابان ها متجلی گردید. دیدگاه ها و طیف های مطرح در عرصه سیاسی تحولات کشور هرگز مخالفی با استراتژی و اهداف شوونیستی و تبهکارانه ی رژیم و ولایت مطلقه ی فقیه نداشته بلکه با تکیه بر دلارهای نفتی و به حراج گذاشتن سرمایه های مادی و معنوی جامعه، خواهان به روز آمدن و ارتقای کیفیت روند تصمیم گیری امنیتی و ایجاد تغییر و تحول در سیاست خارجی - داخلی، تثبیت شرایط کنونی کشور و به دست آوردن امتیازهایی به نفع خود از جامعه جهانی و محافل بین المللی بوده است. ابزار و راهکارهای رسیدن به اهداف استراتژیک و شیوه های بکار گیری آنان مختلف آن است. جناح های درگیر (سنتی - مدرنیته)، که بدنبال اعتراض های خیابانی و پیگیری و استمرار آن از سوی مردم به جان آمده کلیت نظام نا مقدس جمهوری اسلامی را در خطر می بینند، حاکمیت ولی فقیه و دولت را در خلق و بوجود آوردن وضعیت کنونی مقصر می دانند و خواهان تحقیق و پیگیری علل و عوامل دخیل در بروز وضعیت کنونی با استناد به سوابق گذشته هستند. چالش های جدی، موقعیت سیاسی و ارزش و اعتبار دولتمردان ایران و منزلت و مشروعیت دروغین و ریاکارانه ی آنان را بیش از پیش به زیر علامت سؤال کشانده است. بی کفایتی

سیاسی مکمل ادعای رهبران معارض بشمار می‌رود. تاریخ نوین تحولات کشور در سی ساله‌ی گذشته شاهد شکافی چنین ژرف و عمیق در بالا و همسویی و ائتلاف دیدگاه‌های مطرح کنونی نبوده و آن را هرگز تجربه نکرده بود.

تشکیل حزب - سازمان - جبهه در شرایط کنونی میراث سیاسی انتفاضه کشور بشمار می‌رود. وخامت اوضاع و تشدید فشارهای سیاسی موجبات شکافی عمیق‌تر از شکاف کنونی را فراهم آورده و خواه ناخواه فروپاشی نظام و سرنگونی رژیم جهل و جنایت را بدنبال خواهد داشت. به شرطی که جنبش مردمی در پروسه‌ی مبارزه، رهبران و هدایتگران خود را تربیت و تشکل‌های ترقیخواهانه و عدالت‌جویانه‌ی خود را خلق و بازسازی نماید! زیرا در وضعیت فعلی و با استناد به خواسته‌های مطرح شده از سوی رهبران که با نا دیده گرفتن تنفر و انزجار عمومی، در پشت سر مردم گام بر می‌دارند و خود را در چهارچوب حفظ نظام و تعهد به ولایت فقیه مقید و محصور نموده‌اند، چنین به نظر می‌رسد که بحران کنونی، آینده سیاسی روشنی در پیش رو ندارد (نداشته). شکاف کنونی و تضاد پیش آمده، تحت لوای رهبرانی چون مهندس میرحسین موسوی، شیخ مهدی کروبی و سید محمد خاتمی تا آنجا پیش خواهد رفت که کلیت نظام جمهوری اسلامی را با خطر سقوط و سرنگونی روبرو نسازد! بنا بر این تداوم و استمرار مناقشه تا زمانیست که مسائل و موضوعات داخلی طرف‌های درگیر رفع نشده و جناح تمامیت خواه و کودتاگر به رهبری سیدعلی حسینی خامنه (رهبر و ولی مطلقه‌ی فقیه)، سید محمود احمدی نژاد (رییس جمهور)، و سرداران سپاه (سرمایه داران و استثمارگران نوین)، تن به سازش و عقب نشینی در برابر رقیبان ندهند! امری که در صورت به خطر افتادن کلیت نظام

بعید و غیرممکن بنظر می رسد! زیرا تاریخ گذشته، بویژه سه دهه ی اخیر نشان داده که ولایت مطلقه ی فقیه و ایدئولوژی مرتجع و شوونیستی شیعه، با هدف حفظ قدرت و پاسداری از مسند خلافت، حاضر به سازش و همگامی با ابلیس نیز بوده و از انجام هیچ جنایتی رویگردان نیست!

با این حال، آنچه که در فضای درون کشور سر بر افراشته فضایی کاملاً متفاوت با گذشته است. فضایی که متأثر از فضای نوین بین المللی، تحولات سریع جهانی و شرایط استثنایی و نادر کشور و برخاسته از بطن همه ی تجربیات و پدیده های اجتماعی تاریخ نوین جامعه و در بر گیرنده همه ی طیف ها و اقشار درد کشیده و محروم است. فضایی که در آن مشروعیت دولتمردان جمهوری اسلامی، ولی فقیه و ولایت فقیه به چالش کشیده شده است. با همه ی احوال، سر فصل جدیدی در تاریخ جامعه آغاز شده و می توان انتظار بروز تحولاتی نوین را فضای سیاسی - اجتماعی کشور داشت.

با به حاشیه راندن نیرویی (حذف) و کمک به تقویت نیرویی که به صورت عینی مشکلات و معضلات جامعه را دریافته، می توان به آینده ای روشن و تابناک امیدوار بود!

اما قرائن و شواهد دلالت بر تکاپو و تلاش مُهره های وابسته به جناح های مختلف در جهت حل مسالمت آمیز مناقشه از طریق گفتگو و تداوم مذاکرات سیاسی و به توافق کشاندن طرفین درگیر دارد. راه حلی که نتیجه ی موفقیت و پیروزی، نه تنها کمترین دستاورد مثبتی برای ملت های جغرافیای سیاسی ایران در بر نداشته، بلکه بر عمر رژیم جهل و جنایت، هر چند به مدت کوتاه می افزاید و حکومت ترور، خفقان، سرکوب، اعدام و چپاول و غارت را تداوم و استمرار می بخشد!

ریشترهای (ریخترهای) تحولات درین مسیر گام برمی دارند. حاکمیت با بیبازی گرفتن احساسات ملی و میهنی (کمتر دینی و مذهبی) کاذب و طرح وخامت اوضاع بین المللی به دلیل مسئله ی اتمی و ایجاد التهاب های مصنوعی در فضای سیاسی، تلاش می ورزد تا از استمرار تحولات جلوگیری بعمل آورده و هر چه بیشتر زمان ذخیره نماید . بدین امید که در زمان و فرصت مناسب، با همه ی توان و تجهیزات مدرن و پیشرفته وارد میدان شود و با اتکاء به ترفندها و دسیسه های شناخته شده ای که به بهانه رویارویی با شیطان بزرگ، جنگ هشت ساله با عراق و ... تجربه نموده حسابش را با همه ی مخالفان و معترضان و منتقدان رژیم ولایی و نظام چپاولگر تسویه نماید!

بنا بر این جای هیچگونه شک و شبهه ای وجود ندارد که شکاف کنونی و فضای سیاسی موجود، حاکمیت (دولتمردان) را به اتخاذ تصمیمات جدی وادار خواهد نمود. تا افکار عمومی را در موقعیت متعادل قرار دهند و با خریدن زمان، پتانسیل نیروهای مقابل و جناح های مطرح در سطح کشور (سنتی - مدرنیته) را تحلیل ببرند! چنین ترفندی، از تاکتیک ها و شیوه های قدیمی دولتمردان بشمار میرود! دسیسه ای که در صورت موفقیت، سرخوردگی و مایوس نمودن افکار عمومی را بدنبال خواهد داشت.

شناخت دوران و تشخیص مسیر صحیح تحولات درون کشور، نقش و جایگاه نیروهای شرکت کننده در انتفاضه، حمایت مجامع بین المللی و سیاست جهانی نقش بسزایی در پیشبرد و استمرار انتفاضه کشور ایفا می نماید.

زمینه های لازم سیاسی - اجتماعی و شرایط عینی و ذهنی که رابطه ای دیالکتیکی با تحولات جامعه دارد، در پی تغییر شرایط و تقویت جناحی که همسو با مردم و تحولات انتفاضه کشور گام

بر می دارد، بار دیگر عرصه سیاسی کشور را دچار تشتت و التهاب نموده است. روندی که در صورت تداوم و پیگیری منجر به خلق و زایش شرایط جدیدی خواهد شد! گر چه اوضاع نابسامان اجتماعی، تداوم و تشدید سرکوب و خشونت ها را در راستای حفظ منافع و مصالح رانت خواران حکومتی و باندهای مافیایی سپاه پاسداران در پی داشته و دخالت بیش از پیش نیروهای سرکوبگر بمنظور خفه نمودن اعتراضات مردمی و سیطره مجدد بر اوضاع را تشدید خواهد نمود.

نیاید از نظر دور داشت که هر چه میزان تنش ها و چالش ها گسترش و وسعت پیدا کند، با تعمیق آگاهی و شناخت نیروهای شرکت کننده افزوده و با به میدان کشاندن نیروهای بیشتر، انتفاضه را از قدرت و توانایی بیشتر و بالاتری برخوردار خواهد نمود! از سوی دیگر، هر چه بر میزان و شدت خشونت و سرکوب ها افزوده شود، افکار عمومی جامعه را بیش از پیش بسوی همبستگی و درک نیاز به تشکل و انسجام و گرد آمدن در چهارچوب احزاب و سازمان ها سوق خواهد داد!

این امر سبب خواهد شد تا تغییراتی نیز در دیدگاه ها و سیاست های پاره ای از دولتمردان و همچنین بدنه ی نیروهای سرکوبگر که عموماً فرزندان دهقانان و زحمتکشان شهری و روستایی بوده و قربانیان رژیم بشمار می روند ایجاد و آنان را بسوی نیروهای مردمی بکشاند!

جمهوری اسلامی و به تبع اندیشه ی شوونیستی و تمامیت خواه شیعه که توسط ولی فقیه و باند مافیائیش هدایت و رهبری میشود، در زمینه های مختلف با چالش ها و موانع عمده ای روبروست. و هم طور که تا کنون قادر به غلبه بر این چالش ها و موانع نبوده در آینده نیز طرفی نخواهد بست و راه بجایی نخواهد برد!

بخش عمده ی این چالش ها به روندهای ساختاری اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی - سیاسی جامعه مربوط می شود. امری که در سه دهه ی گذشته تبعات ناخوشایندی برای ملت های جغرافیای سیاسی ایران، بدنبال داشته و روز به بر شدت و حدتش افزوده می گردد. شناخت چالش های عمده و متغیرهای تاثیر گذار در آن برای دستیابی به درکی روشن تر از اوضاع کنونی کشور و وضعیت ملت های جغرافیای سیاسی ایران اجتناب ناپذیر است. شناخت و بررسی معضلات و مشکلات پیش روی جامعه، امری عینی است و گریز ناپذیر بودن درک عمیق آنها با استناد به بحران حاکم و اقتصاد بیمار و شرایط نا بهنجار اجتماعی، مبرم و حیاتی بنظر می رسد! چالش ها و موانع پیش روی در زمینه های سیاسی - امنیتی مرتبط با یکدیگر و متصل بهم و سرنوشت مشترکی را بدنبال خواهند داشت. و بر مبنای ضرورت و شرایط حاکم وحدت عمل مشترک و خط مشی مشترک در جهت پیشبرد اهداف واحد را مطالبه می کنند! مبارزه ی پیش رو، اندیشه و فکر واحد، گام های متحد و صفوف منسجمی را در برخورد با سیاست های سی ساله رژیم و بی عدالتی های موجود مطالبه می کند!

زمینه ها و عوامل داخلی، عوامل تاثیر گذار بر روند تحولات سیاسی - اقتصادی، بمنظور ایجاد تغییرات بنیادین در ساختارهای سیاسی - اقتصادی جامعه سیر انتفاضه و اهداف آن را بسوی خود کشانده است. عوامل عمده ای که در معادلات کشور از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و موقعیت حساسی را بخود اختصاص داده و از نظر تاثیرگذاری بر روندهای درونی و ساختار اجتماعی، به لحاظ روند و پروسه ی تاریخی - سیاسی مختص جامعه ای با ویژگی های مشترک است. اعمال فشار و تشدید محدودیت های گوناگون و چنگ و

دندان نشان دادن های دیوانه وار نیروهای سرکوبگر و مزدور رژیم در روزها و ماه های اخیر، ناشی از کاهش توانایی دولت و مؤسسات آن در اداره ی کشور و اتخاذ سیاستی معقول در مواجهه با معضلات جامعه است.

ضعف ساختاری و تشتت و سر در گمی دولتمردان در اتخاذ سیاست و برنامه ای دقیق و راهگشا در همه ی ابعاد و زمینه های مسائل داخلی و خارجی مشهود و قابل رؤیت است! به نحوی که رژیم در اجرای اهداف استراتژیکی و تاکتیکی ضد مردمی و تبهکارانه ی خود نیز با مشکلات عدیده ای روبرو گردیده و مذبوحانه تلاش می کند تا با هر چه بیشتر نظامی - امنیتی نمودن فضای جامعه بزعم غلط و سراپا اشتباه خویش بر مشکلات فائق آمده و فریاد اعتراض دیگر ملت های جغرافیای سیاسی ایران و ملت عرب را در گلو خفه نماید!

در چنین اوضاع و احوالی، تصمیم به مقابله و رویارویی بیشتر با ملت عرب، آن هم به بهانه خلع سلاح و به اصطلاح بازگرداندن آرامش به منطقه، جز افزودن گره ای کور بر دیگر گره های موجود و مشکلات لاینحل سه دهه ی اخیر بدنبال نخواهد داشت و چنین سیاستی، بدون شک و گمان با مقاومت بیش از پیش ملت عرب مواجه خواهد شد.

سیاست های مخرب و ویرانگر رژیم و عناد و دشمنی سُبَعانه ی دولتمردان با ملت عرب به جایی رسیده که نیروهای بینابینی و حمایتگر رژیم در منطقه را نیز به تردید و دودلی گرفتار نموده و در مخیله شان بذر این اندیشه را کاشته که برغم اعلام گزارش ها و نظرهای رسمی، سیاست های تاکتیکی - استراتژیکی رژیم در منطقه با ناکامی و شکست مواجه شده است!

بر اساس اندیشه و تفکر جدید، سیاست ها و اهداف دولت به دنبال بر طرف نمودن موانع و چالش های موجود نبوده و

همانطور که تاثیرگذاری اهداف عمدتاً ناسازگار تا کنونی بر مناسبات اجتماعی - فرهنگی ملت عرب نشان می‌دهد، در آینده نیز چنین هدفی را دنبال نخواهد کرد. بنا بر این در چهارچوب جمهوری اسلامی و در سایه ی اندیشه فاشیستی - شوونیستی شیعه، هر گونه تحول سازنده و انساندوستانه ای در منطقه و در رابطه با ملت عرب به دور از ذهن بنظر می‌رسد! بویژه هنگامی که اوضاع متشنج کنونی جامعه به همراه اعتراضات اجتماعی - سیاسی فزاینده و اوج گیرنده ملت های جغرافیای سیاسی ایران، می‌تواند تشدید کننده اوضاع ملت‌هت شده و سرنوشت منطقه را به کلی دگرگون و برهم زند. زیرا شواهد و قرائن موجود گواه این واقعیت عینی است که اوضاع مشوش و بحران زده ی کشور به سمت بحران های عمیق تر سیر می‌کند. در چنین فضای آشوب زده ای، افزایش تضییقات و فشارها تحت هر عنوان و به هر بهانه ای علیه ملت عرب علیرغم رجز خوانی های حکومت و با توجه به شرایط اجتماعی - سیاسی جامعه، قادرست تبعات وسیعتری بخود گرفته و سراسر منطقه را به کانون بحران کشور مبدل سازد!

دولتمردان جمهوری جهل و جنایت اسلامی ایران، که به مدت سه دهه با تکیه بر سر نیزه و کشتار و خونریزی بر جامعه حکومت رانده و ویرانگری های مادی و معنوی غیر قابل جبرانی ببار آورده اند، به جای دغدغه ی آینده و اتخاذ سیاستی معقول و انسانی، کماکان بر طبل تهدید و سرکوب و ارعاب و شکنجه می‌کوبند و با اتخاذ سیاست هایی نابخردانه نه تنها بر نظامی - امنیتی فضای جامعه و منطقه پای می‌فشارند بلکه به ویرانگری بیشتر و محدود نمودن فضای فرهنگی - اجتماعی ملت ها نیز استمرار بخشند.

سمت و سوی توفان حوادث داخلی و حمایت جامعه بین المللی، پا به پای سیاست های بین المللی و تشکلات و سازمان های غیر حکومتی و حمایت داخلی و جهانی از انتفاضه کشور تحولات اجتماعی را به کدام جهت سوق داده و سرنوشت آن را چسان رقم خواهد زد؟

فشارهای اقتصادی - سیاسی - قطعنامه های شورای امنیت و روند تحولات سیاسی کشور از سوی و تقابل و جدال دو نگرش موجود، روحانیت حوزه های علمیه - مدارس دینی - مراجع تقلید و آیات عظام مرتجع و واپسگرا از سویی و جناح مدرنیته احزاب - سازمان ها - روشنفکران - نخبه گان - نویسندگان - دانشگاهیان از جانب دیگر و اصرار و پافشاری طرفین در احقاق حقوق خود و حفظ و تثبیت موقعیت گذشته و بازگرداندن آرامش به سطح جامعه، موقعیت بغرنج و پیچیده ای را خلق نموده است! بنظر می رسد که بحران سیاسی موجود و شرایط ویژه ای که شاهد و ناظرش هستیم، با توجه به زیر سؤال رفتن بیش از پیش مشروعیت نظام و طرح شعارهای رادیکال تری که هر روز بیشتر از روز پیش از سوی نیروهای مردمی، بویژه زنان، جوانان، دانشگاهیان، کارگران و دیگر اقشار جامعه فریاد زده می شود، تحولات و درگیری های وسیعتری را بدنبال داشته باشد. آنچه در روزهای اخیر موجبات نگرانی و دغدغه دولتمردان جمهوری جهل و جنایت از سویی و نیروهای مترقی جامعه را با همه ی اختلاف و تضاد دیدگاه ها فراهم نموده، تکرار سناریو و تراژدی افغانستان و عراق و اقدام ایالات متحده امریکا به حمله نظامی به منظور پاسخگویی به ماجراجویی های سردمداران رژیم جهل و جنایت است!

لازم به یادآوریست که جناح فاشیست - شوونیست حاکمیت، شامل مافیای جا خوش کرده در بیت و پیرامون رهبری، ائمه

جمعه و آقا زاده هایشان، سرداران سپاه پاسداران، مدیران بنیاد های (امام، مستضعفین، پانزده خرداد، شهید)، مجموعه ی رانت خواران و چپاولگرانی که در پرتو جنگ هشت ساله با عراق، به ثروت های باد آورده رسیده و یکشنبه در ردیف میلیاردهای جهان قرار گرفته اند، از آن جا که به فرموده ی بنیانگذار جمهوری جهل و جنایت، جنگ را رحمت الهی و باعث خیر و برکت می دانند، از تشدید تحریم های جهانی و حمله احتمالی امریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل استقبال خواهند نمود! موضعگیری های احمقانه، ماجراجویی های خائنانه و تحریک نمودن های شبانه روزیشان نیز تائیدی بر این ادعاست!

برای بیرون رفت از بحران های متوالی و متمادی راه دشواری در پیش رو است! و رهبران و دولتمردان نالایق و بی کفایت رژیم تبهکاران، میانه ای با گزینش و انتخاب راه دشوار نبوده و نیستند! از این روی تلاش می کنند تا راه هموار و ساده را بر گزینند! راهی که در کوتاه مدت، حتی به قیمت نابودی مردم و ویرانی کشور، آنان را به اهداف نامقدسشان که همانا زراندوزی و چپاول بی حد و حصر است برساند! جای تعجب نیست که در داخل ضمن استفاده از اهرمهای فشار بدنبال پیدا نمودن و بهره برداری از شیوه های سرکوب های خشن تر و غیر انسانی تر تکاپو می کنند و در سطح بین المللی زمینه ی حمله نظامی به کشور را فراهم می آورند!

از مهمترین عوامل تغییر ترکیب و ایجاد تعادل در جهت منافع اعراب اتخاذ سیاست هایی خلاف آنچه است که در سال های اخیر بر شدت و حجم آنها افزوده شده. سیاست های اتخاذ شده از جانب رهبران و دولتمردان جمهوری اسلامی در قبال اعراب، چون دیگر مناطق کشور و در برخورد با دیگر ملت های

جغرافیای سیاسی ایران، نه تنها حفره ها و دره ها و شکاف های تاریخی - سیاسی را پر ننموده است بلکه سیاست های ویرانگرانه و عدم مشروعیت دولتمردان از دیدگاه و منظر ملت عرب، طریق انتفاضه و نضال فراگیر را فرا رویشان قرار داده است. دیدگاه های مطرح ملت عرب در درون کشور و منطقه را می توان در مجموع به دو جناح عمده رادیکال و میانه رو تقسیم کرد.

۱ - میانه رو.

۲ - رادیکال.

۱ - جناح میانه رو، خواهان اعتراف حاکمیت و دولتمردان حاکم به حقوق مشروع ملت عرب و پذیرش تساوی حقوق اعراب با دیگر ملت های جغرافیای سیاسی ایران و سایر اقشار جامعه است. طرفداران و پیروان این دیدگاه، ابزار و شیوه های دسترسی به اهداف خویش را در قالب تجمعات سیاسی، اعتصابات، تظاهرات می بینند و برای رسیدن به اهداف و مطالبات خود، شیوه های مسالمت آمیز و اتکاء به قانون را ترجیح می دهند! اینان سیاست و اهداف آپارتایدی، سیاست های تحقیر و توهین به ملت عرب، مصادره ی اراضی، شهرک سازی در منطقه و عدم کارآیی قانون در حق شهروندان را بر نمی تابند و خواهان توجه هر چه بیشتر حاکمیت به این مسائل هستند!

۲ - جناح رادیکال: در پی عودت بگذشته، کسب قدرت سیاسی و اعمال سیطره تاریخی - سیاسی ملت عرب بر منطقه است. به زعم این جناح، سیاست ها، تاکتیک ها و استراتژی حاکمیت جمهوری اسلامی و دولتمردان کشور در قبال ملت عرب را خصمانه، نژادپرستانه و بیش از حد شوونیستی و تبعیض آمیز

می دانند! و در پی کسب و تحقق حق تعیین سرنوشت و سیادت خویش بر منطقه است.

با این حال، دو جناح فوق الذکر، در مواردی دیدگاهی مشابه و نزدیک بهم داشته و اهداف مشترکی را دنبال نموده و در پی تحقق آنها هستند. زیرا منتسبین به هر دو جناح، کلیه اهداف و سیاست های دولت در منطقه را ناشی از سیاست های غلط گذشته و تبعیض ها و حق کشی های عمیق و خصمانه ی تاریخی - سیاسی می پندارند!

برداشت ها و تحلیل های نا متوازن دولتمردان ایران و اهداف آنان در منطقه ناشی از درک و شناخت متفاوت و برداشت های دوگانه از شرایط عینی و واقعیات جامعه است. با این تفصیلات، جایگاه اجتماعی دیدگاه های فوق، ثقل تحولات انتفاضه ملت عرب بشمار می رود. عوامل، مشکلات، معضلات و سیاست های اعمال شده و در جریان که در همگرایی ملت عرب و تقویت اهداف مشترک شان نقش مهمی داشته است. طبیعی است که سیاست های تبهکارانه و ویرانگرانه ای که در جهت عکس منافع ملت های جغرافیای سیاسی جامعه و در ضدیت با حقوق حقه ی شهروندان اعمال و بکار گرفته می شوند، خواه نا خواه کلیه تلاش های گسترده جامعه را به بحث و مجادله و ترسیم خطوط فکری مشترک سوق می دهند.

اتخاذ و تدوین و تطبیق سیاست های تبهکارانه و سر درگم و غیر مؤثر دولتمردان ایران (ج. ا. ا.) در منطقه بر سه اصل استوار می باشد.

- ۱ - تفریق و جدا سازی نیروهای جامعه.
- ۲ - وابستگی به ساختار اقتصادی دولت.
- ۳ - حمایت و تقویت بنیه مالی و همکاری مشترک.

اهداف فوق و ابعاد آنها بیانگر شیوه های فاشیستی دولتمردان در برابر جامعه ای بسته و محصور در چارچوب اهداف و تاکتیک و استراتژی ولی فقیه و ج.ا.ا. است.

ترسیم چنین خطوطی در سطح جامعه، نشان از ضعف سیاست و پیگیری اهداف نا مقدس امنیتی - سیاسی رژیم و ایجاد محدودیت های بنیادین بر اساس ایدئولوژی شوونیستی شیعه صفویه و تحمیل فرهنگ منحط و عقب مانده ی قرون وسطایی حاکمیت بر توده ی مردم است.

تمایز و تبعیض دهشتناک میان بومیان (عرب ها) منطقه و غیر بومیان (مهاجرین) پدیده نیرومندی است که ریشه در شوونیسم شیعه و فرهنگ حاکم بر کشور دارد. چنین تمایز و تبعیضی، بگونه ای جدی آشکار شده و خود را در سطح جامعه متجلی و متبلور نموده است. به نحوی که نوجوانان و جوانان عرب نیز آنرا با همه ذرات وجودشان حس نموده و در هر فرصتی تنفر و انزجارشان را نسبت به سیاست های آپارتایدی و کاملاً نژاد پرستانه ی حاکمیت ابراز و اعلام می نمایند!

نگرش به پدیده های اجتماعی حول محور ... تقویت دیدگاه های سلبی و خطرناکی را سبب شده و تاثیر عواقب وخیم آن بر نسل ها آینده ی ملت عرب تا سالیان سال بر جای خواهد ماند. تاثیر چنین سیاست های شوونیستی و تبعیض آمیزی، خواه ناخواه فکر و اندیشه ی جوانان و نوجوانان عرب را بخود مشغول خواهد داشت و بیان کننده ی سیستم و نظام حکومتی مبتنی بر سیاست آپارتایدی جمهوری اسلامی خواهد بود. استمرار چنین سیاستی از سوی حاکمیت جمهوری اسلامی و دولتمردان خائن و مزدور نظام طبقاتی و حمایت و استفاده ی همه جانبه ی آنان از ابزارهای سیاسی - فرهنگی - امنیتی و توسل آنان از شیوه های سرکوبگرانه در منطقه، امکانی برای فراموشی و از یاد بردن

جنايات عدیده ی رژیم و زدودن خاطرات تلخ از خاطره ی نسل های در حال رشد و بالنده ی ملت عرب باقی نمی ماند!.

مسائل اجتماعی موجود در سطح جامعه، در عرصه های گوناگون، از رفتارها و شیوه های حاکم بر اداره های دولتی - شرکت ها - کارخانجات - مجامع عمومی گرفته تا روابط و مناسبات اقتصادی - تجاری و تحصیلی و آموزشی همه و همه تبعیض آمیز و تحقیر کننده بوده و شکاف های عمیقی را بین حاکمیت و توده ی مردم ایجاد می نماید.

شناخت و آگاهی از چنین خط مشی و سیاست ظالمانه ای از سوی رژیم، گام بسیار مهمی در راستای شناخت رابطه ی ملت های جغرافیای سیاسی ایران، بویژه ملت عرب با حاکمیت ضد مردمی و ضد ملی است.

عامل مهم عدم اتحاد و تفرقه افکنی های رژیم، علیرغم همه ی مشکلات و معضلات اجتماعی، نه تنها از پیشرفت و موفقیت هر نوع تحولی در منطقه ممانعت بعمل آورده بلکه زمینه ی فعالیت های فرهنگی - ادبی مشترک را نیز مسدود نموده است. در چنین شرایطی، و با توجه به بافت سنتی منطقه، دیگر مسائل و مشکلاتی که خاص ملت عرب بوده و دیگر ملت های جغرافیای سیاسی ایران با آن درگیر نبوده و نیستند، نتوانسته بشکل مطلوبی در اذهان اکثریت شهروندان جا بیفتد و صرفاً در حوزه های روشنفکری آن هم بصورت محدود مطرح و مورد غور و بررسی قرار گرفته است. با این حال، گوناگونی و تنوع نارضایتی ها و ناخشنودی ها در تمامی گوشه و زوایای کشور و ستم مضاعف بر ملت عرب، باعث گردیده تا گروه های متعددی که از بینش و دانش سیاسی بر خوردار بوده و در مقابل مشکلات و معضلات منطقه و مظلومیت ملت عرب، احساس تعهد و دلسوزی می نمایند، پا به عرصه مبارزه گذاشته و

حاکمیت اسلامی و سیاست های ضد مردمی و غیر مسئولانه اش را به چالش بکشند. بیانیه ها، موضع گیرها، اعتصاب ها و تظاهرات مسالمت آمیز و حق طلبانه ی این گروه ها که در بیشتر موارد توسط نیروهای سرکوبگر رژیم به خشونت کشیده می شود، بیان کننده اهداف سیاسی - اجتماعی و سیاسی - اقتصادی آنان است. این تحول مهم و مثبت بخشی از پیکره کفاح آن را ترسیم و حقانیت انتفاضه را به اثبات می رساند.

بدون توجه به تحولات جهانی و نیازهای کنونی جامعه و بدون توجه به توقع و خواست نسل جوانی که سه دهه از انقلاب بهمن فاصله گرفته، دولت مرکزی با همان انعطاف ناپذیری همیشگی اش در برابر خواست های ملت های جغرافیای سیاسی ایران ایستادگی و بر سیاست های مخرب و تبهارانه اش پای می فشارد! غافل از آن که زمینه و موجبات آسیب پذیری هر بیشتر ساختارهای جامعه را مهیا و جاده ی اضمحلال و سرنگونی خود را هموار می نماید!

تا آنجا که به ملت عرب مربوط است، رقابت ها و کشمکش ها بیش از گذشته نمودار شده است!

رقابت و کشمکش هایی که نشانگر رویارویی دو دیدگاه گوناگون و مختلف از مناظر متفاوت تاریخی - سیاسی می باشد.

۱ - دیدگاهی پوزیتیویستی که خواهان پیشرفت و حفظ تحولات در چارچوب کنونی و تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است.

۲- دیدگاهی که تعلقات منطقه ای (تاریخی - سیاسی) را در نظر داشته و نزدیکی با دیگر ملل عرب را بر پذیرش حاکمیت اسلامی و سیاسیت شوونیستی شیعه صفویه ترجیح می دهد.

در فضای کنونی کشور و در نتیجه اصرار و پافشاری رهبران و دولتمردان ضد مردمی بر سیاست های تبهارانه و شوونیستی خود، هر دو دیدگاه در فضای سیاسی - اجتماعی منطقه و ملت

عرب به جریان‌هایی معتبر – قدرتمند و تاثیرگذار مبدل‌گشته و اعتبار و موجودیت خویش را مدیون و مرهون انتفاضه‌ی نیسان می‌پندارند. چنین برخورد و برداشتی، شرایط و فضای کاملاً متفاوتی خلق نموده و سرتاسر منطقه را با مقتضیات نوینی مواجه ساخته است.

ادعاها و حقانیت‌دیدگاه‌های مزبور و میزان توانایی و درجه‌ی تاثیرگذاری آنان بر تحولات سیاسی اجتماعی منطقه از منظر تاریخ نوین قابل تعمق است. بدون شک میزان تاثیرگذاری هر یک از دیدگاه‌های فوق بر افکار عمومی منطقه، بیانگر موفقیت ساختار سیاسی آنان بر ملت عرب و درک عمیق تحولات منطقه است.

همانطور که در سه دهه‌ی گذشته شاهد و ناظر بوده‌ایم، بحران سیاسی – اجتماعی منطقه فروکش نخواهد کرد، مگر با پایان دادن به شرایط نابسامان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... منطقه و پایان دادن به بن‌بست سیاسی – اجتماعی موجود! که همه و همه در گروه تغییر مواضع و بازنگری در سیاست‌های ویرانگرانه و مخرب و تجدید نظر در دیدگاه‌های شوونیستی سردمداران رژیم در قبال منطقه و ملت عرب و تلاش در جهت متحقق نمودن خواست‌های سیاسی – اقتصادی توده‌های محروم منطقه است.

نباید از نظر دور داشت که حل عادلانه‌ی معادلات پیچیده منطقه به متغیرهای فراوانی وابسته است که تحلیل، بررسی و ارزیابی هر کدام از این متغیرها مجالی خاص می‌طلبد.

با همه‌ی اوصاف، موقعیت سیاسی – اجتماعی انتفاضه با تمامی نارسایی‌ها و معضلات و مشکلات روبرو نه تنها تضعیف نشده و به افول نگرانیده، بلکه همچنان مقاوم و پایدار بر پای ایستاده و

در جهت تغییر و دگرگونی اوضاع و دست یابی به خواست های
به حق خود پافشاری می نماید.

تنش های سیاسی منطقه، با توجه به وضعیت موجود جامعه و
برآوردی که در مورد نیروهای درگیر وجود دارد، بازگو کننده
و بیانگر نکات زیر است:

۱ - گروه های درگیر رقیب هیچکدام بطور کامل موفق به
محدود کردن و به حاشیه راندن طرف مقابل و تثبیت موقعیت
خود نخواهند شد. زیرا مناقشات موجود منطقه صرفا محدود به
مشکلات و معضلات سیاسی - اجتماعی نیست. بلکه عوامل و و
معضلات اقتصادی - فرهنگی نیز از جایگاه و موقعیت خاصی
برخوردارند و رُل مهمی را در تمامی مناقشات و متغیرهای
منطقه بازی می کنند. به حدی که نقش و اهمیت ویژه ی آنها در
همه ی معادلات ساختاری منطقه به چشم می خورد و ترسیم
کننده ی شکل و جوهره هر تحولی بشمار می روند.

علاوه بر این، تاریخ و جغرافیا دو عامل اساسی هستند که در
ازای حضور و نفوذ عوامل سیاسی - اقتصادی قادرند ظرفیت
های منطقه را اشباح و کاستی ها و معضلات آن را کاهش،
محدود و یا بر طرف نمایند.

درک ضرورت و پیشبرد اهداف سیاسی و طرح نیازهای
اقتصادی توده های محروم، از مهمترین وظایف نیروها و تشکل
های سیاسی منطقه بشمار رفته و می تواند به عنوان عناصر پایه
ای در توده ای نمودن مبارزه و به میدان کشیدن همه ی ظرفیت
های مبارزاتی ملت عرب به منظور دست یابی به اهداف
استراتژیک انتفاضه ملت عرب مورد بهره برداری قرار گیرد.

اتخاذ استراتژی قدرت و به میدان کشاندن همه ی نیروهای
بالفعل و بالقوه، در جهت تداوم و رشد کفاح نیروهای منطقه
ضروری و غیر قابل اغماض و چشم پوشی است!

ضرورت برخورداری از استراتژی هدفمند و برنامه ریزی شده ی سیاسی - اقتصادی، کسب قدرت و نیرو گرفتن، تدوین برنامه های مبارزاتی کوتاه و دراز مدت، نزدیکی و آگاه نمودن توده های محروم از برنامه های حال و آینده ی جنبش، در ردیف اهم وظائف انتفاضه (نویسندگان، تحلیلگران، روشنفکران، نیروهای متشکل و منسجم در تشکل های اجتماعی - فرهنگی، احزاب، سازمان ها و جبهه های داخل و خارج از کشور) قرار داشته و حائز اهمیت است.

شرایط حساس کنونی منطقه و کشور، با توجه به در نظر گرفتن اوضاع بین المللی، ضرورت بهره گیری از منتها درجه ی توان و بکارگیری همه ی متدها و تاکتیک های علمی و واقع بینانه را در راه رهایی وطن، نجات ملت های جغرافیای سیاسی ایران و آزادی و رسیدن به حقوق برابر ملت عرب را ایجاب می کند!

موقعیت حساس و خطیر جامعه، با توجه به سیاست های ضد مردمی و تبهکارانه ی حاکمیت، ورشکستگی اقتصادی، تخریب دهشتناک پایه های صنعتی و کشاورزی، اوضاع رقت انگیز بازرگانی و تجارت داخلی و خارجی، رشد بی سابقه ی چپاول و غارتگری، فساد اداری، رشوه گیری و اختلاس، رواج روز افزون بیکاری، اعتیاد، فحشاء، گرانی، کمبود مواد غذایی، وضعیت نابسامان دارو و درمان و از همه فلاکتبارتر و وحشتناکتر تحریم اقتصادی و تهدیدات نظامی از سوی ایالات متحده امریکا و متحدین غربیش از یک سو و رژیم اشغالگر صهیونیستی از سوی دیگر، اتحاد و همکاری مشترک تمامی ملت های جغرافیای سیاسی ایران را طلب می نماید! اتحاد و همکاری میهن پرستانه و عدالت جویانه ای که بتواند با همه قدرت و توان، ضمن پایان دادن به تبهکاری ها و جنایات روز افزون رژیم، بر مشکلات و معضلات خارجی نیز فائق آمده و

به قدرت های غارتگر بین المللی تفهیم نماید که سرنوشت کشور و مردم ایران، توسط خود این مردم تعیین و رقم می خورد! این محور و اهداف (تاریخی - سیاسی) آن، همچنین جنبه های استراتژیکی اش بدان لحاظ حیاتی و ضروری است که همکاری حساسی را در بر می گیرد و در جهت تسلط و چیره شدن بر اوضاع و درک جوانب مختلف جامعه، ارزیابی نیروها، تحولات منطقه و کشور، قابلیت های متنوع و گسترده مبارزه حائز اهمیت است. سرعت رو به گسترش و تعمیق حوادث و تغییرات از مهمترین دلایل تدوین - تطبیق و شکل دهی استراتژی فوق و محرک اصلی تحول بشمار می رود.

قطعا اهداف عوامل اساسی - چالش هایی را به همراه خواهد داشت که متحدین استراتژیک انتفاضه ملت عرب را بر آن داشته تا با همگامی و مساعدت یکدیگر مانع از تغییر اهداف انتفاضه و شکست آن گردند. نیروها بر پایه منافع استراتژی مشترک در شکل دهی و نظم تحولات همکاری نموده و پیشبرد اهداف واحد و یگانه نقش رو به تصاعدی در ارتقاء کیفیت تحولات انتفاضه و گسترش تقارب و تعاون مشترک و همه جانبه میان آنها منجر خواهد شد.

ضرورت طرح چنین موضعی در هر مقطع و شرایطی از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و تاثیرات عمیقی در پیشبرد اهداف استراتژی ملت عرب بر جای می گذارد. اما واقعیت این است که یکی از مهمترین جنبه های طرح چنین موضعی تنوع دیدگاه ها و ایده هاست. مجموعه چنین عواملی، بسیار گسترده و متنوع هستند و طیف وسیعی را در بر می گیرند. این تنوع و گستردگی باعث می شود که نتوان در باره چگونگی و حیطه اهداف و فعالیت های نیروهای متشکل و منسجم ملت عرب بطور یکسان تصمیم گیری نمود. حریت و

گسترده‌گی میدان مانور تئوری و پراتیک نیروهای متشکل و منسجم، احزاب، جبهه، سازمان‌ها، بیانگر تعبیر جوانب مختلف مسائل از منظر هر کدام در چارچوب اهداف مشترک و دیدگاه‌های مشترک انتفاضه است.

نه مطلق‌نگری، بلکه تکیه و تاکید بر جوانب مختلف و زوایای فعالیت‌ها و قابلیت برنامه‌ریزی از نظر تعیین حیطه نیروها و راهکارهای مورد مطالعه و استراتژی‌های فوق، مورد عنایت خاص کلیه نیروهای آگاه، دلسوز و متعهد به امور منطقه و ملت عرب قرار گرفته است. اتخاذ مشی و نگرش واحد در قبال حرکت‌ها و تاکتیک‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، نظامی تبهکارانه و ضد مردمی رژیم، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دستیابی به چنین نگرشی، در ارزیابی و تحلیل وضعیت کشور و منطقه رهگشاست و قادرست نیروها را در برنامه‌ریزی واحد و پیگیری اهداف مشخص، و به چالش کشیدن رژیم در همه‌ی مناطق و در زمان واحد یاری برساند! تحقق و به ثمر رسیدن چنین هدفی دور از ذهن به نظر نمی‌رسد و یگانه راه پیروزی بر رژیم و خاتمه دادن به وضعیت فاجعه‌بار کنونی است!

رسیدن و دستیابی به چنین نتیجه و راه‌حلی از اساسی‌ترین اصول مبارزات اجتماعی و پایه و اساس هر ساختار و تشکل مردمی و رهایی‌بخش است. ضرورت تاکید بر چنین مواردی، از آن جهت دارای اهمیت است که از بطن واقعیت‌های عینی جامعه نشأت می‌گیرد! با نگاهی هر چند سطحی و گذرا به مشکلات و معضلات سه دهه‌ی گذشته‌ی کشور و منطقه، مبارزات مقطعی و لاکپشت‌وار مردم، استمرار و ادامه‌ی حیات‌ننگین رژیم، همراه با فشاری بر دگم‌ها و سیاست‌های ویرانگر و مخرب خویش، درک چنین برداشت و نتیجه‌گیری

معقولی را آسان و قابل فهم می نماید! و به ما یاری می رساند تا شناختی نسبی در باره ی تأثیرات و تأثرات مبارزاتی هر کدام از نیروهای متشکل و همچنین اعتراضات و اعتصابات های خودجوش زنان، کارگران، دانشجویان و دیگر اقشار مردم بر همدیگر به دست آوریم. توجه و نیاز پرداختن به چنین مواردی در مقاطع مختلف بسیار با اهمیت می باشد. زیرا با توجه به گستردگی مفهوم و تغییراتی که همزمان با تأثیر پذیری، نقد حرکت گذشته و تغییر دیدگاه های افراد و گروه ها در پی حرکت پیشین و جایگاه تئوری و خصوصیات اجتماعی شان پدید می آید، شرایط سیاسی متفاوتی خلق نموده و ضمن هموارتر نمودن راه رسیدن به هدف، به تسریع آن نیز یاری می رساند!

دیدگاه های هر طیف و گروه، اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... بیانگر ماهیت و جایگاه اجتماعی آن دسته و تشکل بشمار می رود و با ارزیابی و شناخت جایگاه اجتماعی و طبقاتی آنها، می توان بصورت عینی تر و جامع تر، نقاط مشترک را شناخت و با آنان همگام و همراه شد. این همگامی و همراهی و همسویی با سایر گروه ها و نیروهای اپوزیسیون، نه تنها تأثیرات ملموس و ایجابی بر روحیه ی مردم، بلکه تأثیرات ژرف و عمیقی بر روند مبارزه و همچنین عقب نشینی و تغییر سیاست رژیم خواهد گذاشت. اعتراضات و به میدان آمدن های مردم در روزها و ماه های اخیر که تقلب در انتخابات دهمین دوره ی ریاست جمهوری و کودتای جناح تمامیت خواه، جرقه ی اولیه آن را زده و حرکت های سرکوبگرانه ی بعدی رژیم، آتشش را شعله ور نمود، بهترین و ملموس ترین گواه و شاهد تاریخی مدعای ماست!

شرایط حساس جامعه، با توجه به وضعیت نابسامان کشور، خیزش و اعتراض های روز افزون توده ی به جان آمده،

رسوایی بیش از پیش و عدم مشروعیت نظام در داخل و محافل و جوامع بین المللی، سیاست ها و برنامه های سیاسی - نظامی از پیش اعلام شده ی کشورهای منطقه و پیشرفته و صنعتی جهان در رابطه با رویایی و مقابله با برنامه های ضد بشری رژیم و ... لزوم بررسی، دقت و هوشیاری و اتحاد و یک پارچگی همه ی نیروها و اقشار مردم را می طلبد.

یافته ها و پژوهش هایی که جامعه شناسان، روان شناسان، تحلیل گران سیاسی، کارشناسان اقتصادی و ... با در نظر گرفتن شرایط موجود کشور انجام داده اند، ما شرایط حساس و سرنوشت سازی را پیش رو داریم و عقبه های ساعت به نفع ما و کشور در حرکت نیست!

ولی فقیه و دولتمردان جمهوری اسلامی که بنا به اعتراف تحلیل گران سیاسی، دولت مردان غربی و حتی بعضی از وابستگان رده اول رژیم ملایان کاملاً در راستای اهداف نظام سرمایه داری، کشورهای بزرگ و چپاولگر سرمایه داری و در رأس همه ی آنها ایالات متحده امریکا و رژیم اشغالگر صهیونیستی، با هدف تسلط بر منطقه و نابودی دیگر ملت گام بر می دارند، هدفی جز نابودی کشور و تسلیم بدون قید و شرط ملت های جغرافیای سیاسی ایران و قربانی نمودنشان در پیشگاه سرمایه را نداشته و ندارند!

در روز یکشنبه پانزدهم آذرماه هزار و سیصد و هشتاد و هشت، یعنی یک روز قبل از یورش نیروهای سرکوب گر رژیم به حریم دانشگاه ها و سرکوب دانشجویان و مردم بی دفاع با سلاح های پیشرفته ی اهدایی دنیای غرب سرمایه داری، رادیوی فرانسه به نقل از نشریه « اکونومیک تایمز » اعلام نمود که ژنرال « دیوید پتروآس »، رهبران ایران را بهترین ماموران امریکا در منطقه خوانده است!

به گفته این رادیو: «فرمانده نیروهای نظامی آمریکا در خاورمیانه و آسیای مرکزی، ژنرال دیوید پتروآس، امروز یکشنبه گفت که محمود احمدی نژاد و دیگر رهبران ایران بهترین مأموران آمریکا در کل منطقه هستند.»

این رادیو در ادامه افزود که: «فرماندهی نیروهای آمریکایی در خاورمیانه و آسیای مرکزی در توضیح سخنانش افزود که رهبران ایران با نگرانی هایی که در نزد کشورهای همسایه شان برمی انگیزند بهترین مأموران استخدام فرماندهی کل نیروهای نظامی آمریکا هستند که در حال حاضر سرگرم توسعه همکاری ها و ایجاد ائتلاف های جدید در کل منطقه هستند.»

رادیو می افزاید که: «ژنرال دیوید پتروآس گفته است که رهبران ایران نگرانی های بسیاری برای کشورهای سواحل باختری خلیج فارس به وجود آورده اند. او تأکید کرده است که در سال های گذشته شاهد تلاش های کنونی ایران در آموزش و تسلیح و نیز پشتیبانی مالی از گروه های افراطی در عراق، غزه، لبنان و تا حدودی حتی در غرب افغانستان بودیم و همین تلاش ها، از نظر دیوید پتروآس، نقش چشمگیری در جذب بیشتر کشورهای منطقه از سوی آمریکا داشته است. فرمانده نیروهای آمریکایی در منطقه در بخش دیگری از سخنانش نسبت به قابلیت ایران در ساختن ده مرکز جدید غنی کننده اورانیوم ابراز تردید کرده است.»

چنین اعترافاتی برای اولین و آخرین بار نیست! رهبران رژیم جمهوری جهل و جنایت، بویژه محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور، با تمامی ادعاهای اسرائیل ستیزانه و جنجال آفرینی های مسخره اش در رابطه با کشتار یهودیان در جنگ جهانی دوم (هولوکاست)، بارها و بارها مورد تشویق و تقدیر پارلمان

و رهبران طراز اول رژیم اشغالگر صهیونیستی، بویژه (بنیامین ناتان یاهو) قرار گرفته است!

موضعگیری های مسخره و دلکک مآبانه ی احمدی نژاد، در قبال رژیم اشغالگر صهیونیستی باعث گردیده تا:

۱ - مسئله ی هولوکاست که بزرگترین سند مظلوم نمایی نژادپرستان اسرائیلی و سردمداران رژیم صهیونیستی در برابر جهانیان و توجیه گر اشغالگری ها و جنایات روز افزونشان در قبال ملت مظلوم فلسطین و ضدیت و دشمنی با کشورها و ملت های عرب بوده و هست، پس از گذشت سال ها، در خاطره ها زنده و به بحث و سخن روز مبدل گردد!

۲ - کلیه ی کشورهایی که از زمان پایان جنگ جهانی دوم (ماه مای ۱۹۴۵) تا کنون، مسئله هولوکاست را نفی و مورد تایید قرار نداده بودند، در ضدیت و مقابله با سیاست های رهبران شوونیست و فاشیست مسلک شیعه و شخص محمود احمدی نژاد رییس جمهور رژیم (مظنون به یهودی بودن)، این مسئله را بپذیرند!

۳ - بنیامین ناتان یاهو، نخست وزیر دولت صهیونیستی، با سؤاستفاده و مورد بهره برداری قرار دادن سخنان مغرضانه و از پیش برنامه ریزی شده ی احمدی نژاد، در سخنرانی خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد (۲۰۰۹)، نه تنها از کشتار دهشتناک فلسطینیان در ماه های اخیر، شهرک سازی های مستمر، ایجاد دیوار حایل و ... طفره برود، بلکه همه ی نمایندگان حاضر نیز مورد شماتت و سرزنش قرار دهد!

و هزاران مورد دیگر که در سه دهه ی گذشته بوقوع پیوسته و همه و همه بیانگر و نشاندهنده ی همدستی، هماهنگی و یاری رسانی های متقابل دو رژیم ایران و اسرائیل در مقابله و رویارویی با ملت های منطقه و مردم محروم کشور است!

با توجه به نکات بالا، با بینشی جامعه شناسانه می توان تبیینی از شرایط موجود جامعه و عوامل ظهور هر پدیده ای ارائه داد و سپس برنامه یا دستورالعملی متناسب با شرایط تدوین نمود. روند تحولات جامعه بیانگر اینست که گروه های مطرح و درگیر قادر نیستند بدون در نظر گرفتن نظرات دیگر گروه های درگیر و خواهان اصلاحات و تغییرات بنیادی، اهداف و سیاست های خود را به پیش ببرند. این در حالیست که با کمال تأسف، بیشتر گروه ها و شخصیت های منفرد سیاسی از گذشته و تجربه ی ویرانگرانه ی سه دهه ی گذشته نیاموخته و کماکان سیاست به حاشیه راندن و منزوی نمودن (سیاست همیشگی)، سایر گروه ها و دسته ها را دنبال می کنند.

۲ - تاریخ و جغرافیا عواملی هستند از جمله عوامل مطرح و اساسی که نقشی سرنوشت ساز در تحولات به عهده دارند. تحولات فوق و موقعیت پیش آمده، این باور را تقویت می کند که موقعیت جغرافیایی - سیاسی - اقتصادی منطقه در معادلات کنونی کشور از ویژگی ها و برتری خاصی برخوردار می باشد. ویژگی های زیر بنایی منطقه و پتانسیل موجود در آن موقعیت و ظرفیت های اشباح شده ی متنوعی بدان بخشیده است. از این روی لازم به نظر می رسد تا اوضاع منطقه را بیش از پیش در برخورد و رویارویی با مواضع سیاسی - نظامی - امنیتی رژیم ارزیابی نمود.

دولتمردان مرکز، عوامل سه گانه ی فوق را در جهت تحقق اهداف استراتژی خویش بکار بسته و به صورت مستمر (هر چند با شدت و ضعف یکی از عناصر) و با جدیت تمام پیگیری و دنبال می کنند!، درین مقطع، چون سنوات گذشته، به دلیل اوضاع مغشوش و غیر قابل کنترل و پیش بینی شونده ی کشور، تقویت بُعد نظامی بر دیگر عوامل چیره گشته است!

سنت های ریشه دار اجتماعی، جامعه و منطقه را بسوی حفظ ارکان و بنیان های فرهنگی خود سوق می دهد. بدین معنی که شهروندان تلاش می ورزند تا سنت های فرهنگی را در چارچوب ایستایی (پوزیتیویستی)، موجودش نگاه دارند و به عوامل سر سپرده ی رژیم اجازه و فرصت ندهند تا بنیان های فرهنگی، آداب و رسوم پا بر جا و سنت های دیرپای جامعه را در هم ریخته و فرهنگ منحط و ایدئولوژی واپسگرایانه و عقب مانده ی شوونیسم شیعه را که تفرقه، چند دستگی و عناد و دشمنی بین ملت ها را بر می انگیزد جایگزین نمایند!

دوری جستن از تجدد (ابتعاد)، و سد نمودن راه پیشرفت و ترقی منطقه از طریق صنعتی شدن و مکانیزه شدن کشاورزی و برخورداری از تکنولوژی پیشرفته ی امروزی، از اهداف استراتژیک دولتمردان ایران در سطح جامعه و منطقه بشمار می رود! آنان با تمامی قدرت و بهره گیری از نیروهای سرکوبگر و بکارگیری انواع و اقسام ترفندهای رذیلانه و ضد مردمی، تلاش می ورزند تا سنت ها و گرایشات مورد نظر خود (ایدئولوژی شوونیستی شیعه صفویه) و فرهنگ منحط مورد پسندی را که یاری رسان رژیم و دولتمردان در راه رسیدن به اهداف استراتژیکی آنانست سوق دهند!

باید اندیشید که چگونه می توان این دو عامل اجتماعی (جامعه شناسی و تاریخ) و تقسیم بندی مناسبات اجتماعی را از یکدیگر تفکیک و جامعه را بسوی اهداف و خط مشی تاریخی خود سوق داد. بنحوی که در صورت بخطر افتادن یکی، بتوان با حفظ و تثبیت و تقویت عامل دیگر، روابط اجتماعی جامعه را بر سر پای نگه داشت و پیامدهای چنین اتفاقی را سر منشاء تغییر و تحولات نوین قرار داد و در ارتباط با ذهنیت نوین و درک صحیح و دقیق مناسبت ها و سنت ها به حرکت در آورد. و در

نهایت اینکه، به مهمترین پیامدهای ایجابی و سلبی آن پرداخت و همگام با آنها پیشنهادات و راهکارهای مناسب و لازم را از کانال کارشناسان ذیربط به جامعه ارائه نمود. ضرورت درک و ارزیابی واقع بینانه و ریشه ای از سنت ها و مناسبات حاکم بر جامعه همانگونه که از دیدگاه (مذهب شیعه صفویه) ضرورتی استراتژیک بشمار رفته، برای ملت عرب نیز حائز اهمیت بوده و از موقعیتی حیاتی برخوردار است!

موقعیت و جایگاه شیعه صفویه در معادلات استراتژی دولتمردان ایران حائز اهمیت فراوانی است. پیامدهای عملکردهای سیاسی، نظامی، امنیتی و تمرکز بر ساختارهای جامعه ضرورتی تام محسوب می شود. ابعاد اجتماعی آن علیرغم حساسیت ها از منظر جامعه شناسان و پژوهشگران و صاحب نظران از سابقه ای طولانی در جامعه ایران (شیعه صفویه) برخوردار بوده و بلحاظ تئوریک پیامدهای ایجابی برای دولتمردان ایران داشته است! واضح و روشن است که مبلغین و پیروان این ایدئولوژی، چون طرفداران و مدافعان سایر ایدئولوژی های شونیستی، فاشیستی و نژادپرستانه به دنبال حکومت جهانی و زیر سلطه در آوردن همه ی ملت های جهان هستند! یکی از وجوه مشترک جمهوری اسلامی ایران و رژیم اشغالگر صهیونیستی در تطابق و نزدیکی و مشابهت همین اهداف استراتژیک نهفته است! بعید نیست که همزمان با طرح شعار اسرائیل بزرگ و حکومت صهیونیستی از نیل تا فرات، ولایت مطلقه ی فقیه و دولتمردان مالیخولیایی رژیم نیز بکرات شعارها و ادعاهایی چون حکومت جهانی شیعه، به اهتزاز در آوردن پرچم سبز امام زمان بر قله ی جهان، باز پس گرفتن هفده شهر قفقاز، تصاحب و تسلط بر افغانستان، تاجیکستان، عراق و غیره را پیش کشیده و در این رابطه داد سخن داده و می دهند! پیگیری و پافشاری بر اهداف

توسعه طلبانه و دخالت در امور داخلی دیگر کشورها، نتیجه نبودن قدرت های همپراز و متشکل در منطقه و همچنین ضعف قدرت کشورهای همسایه و هم مرز با ایران از سویی و از وجوه بارز توسعه طلبی ج. ا. از جانب دیگر است. سیاست مالیخولیایی و ویرانگرانه ای که در سه دهه ی گذشته مباحثی جدل بر انگیز و موضع گیری های تند و تیز برخی کشورهای اسلامی را به همراه داشته است.

برخورد با اینگونه مسائل که در بیشتر موارد نمایانگر و در بر گیرنده ذهنیت آحاد جامعه نیز می باشد (جنگ هشت ساله با عراق و تلاش گسترده برای اشغال این کشور با هدف رسیدن دروغین و عوامفریبانه به قدس که راهش از کربلا می گذشت)، وظیفه همه ی نیروها و تشکل های دلسوز، میهن پرست، بمنظور دافع از کشور و خلع سلاح نمودن دشمنان داخلی، منطقی و بین المللی است! افشای ماهیت رژیم، تاکید بر این گونه مسائل، تلاش های مستمر در همه ابعاد و سطوح و بر شمردن آسیب هایی که در پی اعلام چنین مواضع و سیاست هایی به غایت شوونیستی و غیر مسئولانه ای متوجه ی مردم و جامعه خواهد گردید، از اهم واجبات است!

شناخت و درک سیاست های فرهنگ ستیزانه رژیم و آسیب های ناشی از آن در ابعاد اجتماعی - فرهنگی از این جهت حائز اهمیت است که راهکارها و برنامه ریزی های مورد نظر بر اساس ذهنیت و اندیشه های فرهنگی - اجتماعی مجریان اموری است که با درک عمیق و جامعه شناسانه ای از سابقه ی تاریخی، آداب، رسوم و سنت های پایدار و کهن ملت عرب پای به میدان نهاده و اعلام جنگ نموده اند! اینان به خوبی می دانند و بر این امر واقفند که فرهنگ بومی و سنت های غنی و پر بار ملت عرب، چه نقشی در زندگی آنان ایفا می نماید و تا چه اندازه

توانسته در مقابله با وارد آمدن آسیب های افزون تر بر جامعه ی
ویران شده و آسیب دیده پایداری و استقامت نماید!
برای درک بهتر و بیشتر موضوع، ذکر و طرح نکاتی به نقل از
نشریه ی رأی ملت (صوت الشعب) خالی از لطف نیست! این
نشریه در مطلبی پژوهشی تحت عنوان « پژوهشی در شناخت
شاخصه های فرهنگ عمومی اعراب خوزستان^۱ »! می نویسد:
[« مشخصه های فرهنگی:

- ۱ - شناخت ویژگی های کتاب های منتشر شده در رابطه با
مردم عرب خوزستان.
- ۲ - نگرش مطبوعات در رابطه با نقش و جایگاه مردم عرب
خوزستان در جامعه ایران.
- ۳ - سوژه فیلم های کوتاه و بلند سینمایی و تلویزیونی و ویدئویی
در رابطه با مردم عرب خوزستان.
- ۴ - سرانه مطالعه کتاب و مطبوعات عربی و فارسی توسط
مردم عرب خوزستان.
- ۵ - میزان علاقه مندی جوانان عرب خوزستان به هنرهای
قومی و ملی.
- ۶ - آرایش زبان عربی به کلمات و اصطلاحات زبان فارسی و
نحوه پالایش آن.
- ۷ - آثار فرهنگی زائران یادمان ها بر مردم عرب بومی و
مناطق عملیاتی.
- ۸ - گرایش ها و موانع مشارکت فرهنگی مردم عرب خوزستان.
- ۹ - میزان مبادله (تاثیر و تأثر) فرهنگی بین اعراب و سایر
مردمان خوزستان.
- ۱۰ - میزان سازگاری مجسمه ها و یادمان های نصب شده در
مناطق عرب نشین با فرهنگ بومی.

^۱ - نشریه صوت الشعب (رأی ملت)، اهواز، شماره ۱۹، بخش پژوهش.

- ۱۱- میزان انطباق نامگذاری شهرها، روستاها، خیابان ها، واحدهای صنعتی و میادین در مناطق عرب نشین با فرهنگ بومی.
- ۱۲ - جایگاه و نقش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در شهرهای عرب نشین.
- ۱۳ - نحوه آموزش قرآن و زبان عربی در مقطع ابتدایی به کودکان.
- ۱۴ - میزان رضایتمندی شهروندان عرب خوزستانی از برنامه ی رادیو - تلویزیونی عربی خوزستان.
- ۱۵ - آسیب پذیری فرهنگ عمومی اعراب خوزستان.
- ۱۶ - علل و عوامل، مصادیق بارز، راه های نفوذ و طرق مقابله با خرافات و موهومات در فولکلور اعراب خوزستان.
- ۱۷ - عناصر غم و شادی در فولکلور اعراب خوزستان.
- ۱۸ - مقایسه میزان اهتمام مردم عرب خوزستان در جشن ها و ...
- ۱۹ - ارزیابی کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی مجالس در ارتقاء فرهنگی جامعه.
- ۲۰ - تحولات مربوط به نامگذاری فرزندان عرب در پیروی از انقلاب شکوهمند اسلامی.
- ۲۱ - میزان توجه شهروندان عرب خوزستانی به رسانه های عمومی.
- ۲۲ - نحوه گذران اوقات فراغت شهروندان عرب خوزستانی.
- ۲۳ - میزان تاثیر و تأثر ادبیات متعهد اعراب خوزستان از انقلاب اسلامی.
- ۲۴ - آثار شهرهای مهاجرپذیر خوزستان (شهرهای پلورالیستیک) در هویت ساکنان عرب بومی.

- ۲۵ - وضعیت فرهنگی عشایر کوچنده عرب (بیلاق و قشلاق) خوزستان.
- ۲۶ - میزان مشارکت بانوان عرب در سرنوشت فرهنگی - اقتصادی - اجتماعی و سیاسی خود.
- ۲۷ - فرهنگ مسافرت سیاحتی و زیارتی در میان مردم عرب.
- ۲۸ - نقش و جایگاه نخبگان عرب خوزستانی در فرهنگ سازی قومی.
- ۲۹ - منابع تاریخی، فرهنگی و اجتماعی برای تحکیم وحدت ملی نزد اعراب.
- ۳۰ - میزان توجه مردم عرب خوزستان به شخصیت ها و اسطوره های فرهنگی، سیاسی، هنری و ورزشی جهان عرب.
- ۳۱ - ابعاد هویت مردم عرب خوزستان.
- ۳۲ - مختصات و ممیزات تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی اعراب خوزستان در مقایسه با دیگر مردم استان.
- ۳۳ - خاستگاه خشونت در ادبیات عامه مردم عرب خوزستان و علل و عوامل بقاء آن در میان برخی طوایف عرب خوزستان.
- ۳۴ - ویژگی های شخصیت جمعی اعراب خوزستان: از افسانه تا واقعیت.
- ۳۵ - آثار فرهنگی الگوی واحدهای مسکونی اعراب شهر نشین اهوازی.
- ۳۶ - تحلیلی بر پدیده حاشیه نشینی و آپارتمان نشینی اعراب خوزستان از دیدگاه فرهنگی.
- ۳۷ - وضعیت تعطیلات رسمی و میزان انطباق آن ها با مناسک اسلامی از دیدگاه مردم عرب خوزستان.
- ۳۸ - وضعیت سواد آموزی در مناطق عرب نشین و مقایسه نرخ بیسوادی این مناطق با متوسط استان.

- ۳۹ - عناصر فرهنگی موافق « توسعه » در فرهنگ اعراب خوزستان.
- ۴۰ - وضعیت سازمان ها و مجامع غیر دولتی فعال در مناطق عرب نشین.
- ۴۱ - میزان مراکز مذهبی در مناطق عرب نشین (اعم از مساجد، حسینیه ها و عباسیه ها و ...)
- ۴۲ - میزان فروش بلیط سینما در مناطق عرب نشین (نرخ اشغال صندلی سینما).
- ۴۳ - وضعیت تحصیلات آکادمیک و حوزوی جوانان عرب خوزستان.
- ۴۴ - مفاخر و اندیشمندان عرب خوزستانی که نقش عمده ای در تاریخ علوم دینی و غیر دینی داشتند.
- ۴۵ - اشعار « لالایی های » مادران عرب برای فرزندان خود.
- ۴۶ - دستگاه های موسیقی سنتی عربی در خوزستان.

شاخصه های اجتماعی:

- ۱ - وضعیت پوشش و گرایش به مد در بین بانوان عرب خوزستانی.
- ۲ - وضعیت تاریخی و فرایندی جایگاه آداب و رسوم در فرهنگ اعراب.
- ۳ - انجمن های خیریه و عمده گرایش های مردم عرب در سنت وقف.
- ۴ - میزان تراکم جمعیت در مناطق عرب نشین شهری.
- ۵ - وضعیت مهاجرت روستائیان عرب به شهرها و پیامدهای آن.
- ۶ - روند تحولات تجمل گرایی در اعراب شهرنشین خوزستانی.

- ۷ - میزان همگرایی و واگرایی قومی در چارچوب عشایر عرب خوزستان.
- ۸ - میزان کج روی ها و ناهنجاری های اجتماعی جوانان عرب خوزستان.
- ۹ - وضعیت ازدواج، طلاق و سازگاری زوجی درون و برون قومی.
- ۱۰ - شیوه و نظام اعتراضات اجتماعی (مکانیزم اعتراضی) اعراب خوزستان.
- ۱۱ - شیوه و نظام تظلم خواهی (مکانیزم تظلم خواهی) اعراب خوزستان.
- ۱۲ - فرهنگ عبور و مرور و ترافیک در مناطق عرب نشین شهری.
- ۱۳ - فرهنگ ارتباط با همسایه های غیر عرب در میان اعراب شهر نشین خوزستانی.
- ۱۴ - کارکرد (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) شیوخ عرب خوزستان.
- ۱۵ - پتانسیل و ظرفیت های ساختاری اعراب برای تعاون.
- ۱۶ - میزان مشارکت ملی اعراب خوزستان.
- ۱۷ - میزان خسارت و تلفات اعراب خوزستان در جنگ.
- ۱۸ - زمینه های خاص نگرش های اجتماعی و قومی در میان مردم عرب خوزستان.
- ۱۹ - وضعیت بیرق های عشایر عرب خوزستان از لحاظ سنبل.
- ۲۰ - سبک معماری عربی و نحوه بکارگیری آن در ساخت و ساز واحدهای مسکونی، تجاری و بافت شهری مناطق عرب نشین.

- ۲۱ - مقایسه درصد بیکاری شهرهای عرب نشین با متوسط بیکاری استان و بررسی علل و عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن.
- ۲۲ - نقش بیمه و اثرات آن در حفظ ساختار و راه های توسعه آن.
- ۲۳ - نقش عوامل اقتصادی، سیاسی و امنیتی در کم رنگ کردن ارزش های اسلامی - قومی.
- ۲۴ - نقش فوتبال و موسیقی در تقویت جریان های احساسی جوانان عرب خوزستان.
- ۲۵ - کارکردهای دیروز، امروز و فردا.
- ۲۶ - ابعاد هویت اعراب خوزستان.
- ۲۷ - سطوح و وجوه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هابگیری در خوزستان.
- ۲۸ - نگرش اعراب خوزستان به فضای سبز و پرورش گل و گیاه.
- ۲۹ - روابط متقابل اعراب خوزستان و عراقی های مقیم در این استان (اعم از ساکنان در اردوگاه ها، شهرها و روستاها).
- ۳۰ - وضعیت غیر عرب های مقیم در استان خوزستان و آسیب های فرهنگی آنان به اعراب خوزستان.
- ۳۱ - هزینه فواید و آخرین تدابیر برای کاهش آن.
- ۳۲ - ورزش های سنتی رایج در میان اعراب خوزستان در گذشته و حال (به ویژه بازی های کودکان).
- ۳۳ - سن ازدواج دختران و پسران عرب خوزستان.
- ۳۴ - وضعیت آداب و سنن مغایر با شریعت اسلامی (خاستگاه تاریخی و خواستگاه قومی).
- ۳۵ - وضعیت قانونگرایی در میان اعراب خوزستان.

- ۳۶ - روند گسترش اعتیاد به مواد مخدر در میان طبقات گوناگون اعراب خوزستان.
- ۳۷ - نقش اعراب خوزستان در حفاظت یا تخریب محیط زیست (رودخانه، تالاب و ...).

شاخصه های اقتصادی:

- ۱ - فرهنگ مصرف خانوار عرب خوزستانی.
- ۲ - منابع ثروت مردم عرب خوزستان.
- ۳ - وضعیت تغذیه اعراب خوزستان به ویژه شناخت ارزش های غذایی خوراک های سنتی.
- ۴ - ارزش زمین های کشاورزی اعراب خوزستان.
- ۵ - ارزش صادراتی پرورش اسب اصیل عرب و شتر در میان اعراب خوزستان.
- ۶ - بازارچه های مرزی و نقش آنها در رونق اقتصادی شهرهای مرزی.
- ۷ - نحوه جذب سرمایه های خارجی اعراب خوزستانی و عرصه های سرمایه گذاری در داخل.
- ۸ - ارزش صادراتی صنایع دستی اعراب الاحواز.
- ۹ - وضعیت مشاغل مردم عرب الاحواز از حیث طبقه بندی شغلی.
- ۱۰ - سبب هزینه خانوار عرب الاحواز و مهمترین سرفصل های هزینه آن.
- ۱۱ - شاخص های بهداشتی مناطق عرب نشین در مقایسه با دیگر نقاط استان.
- ۱۲ - بعد خانوار عرب الاحواز و راه های کنترل مولید با فرهنگ عمومی.
- ۱۳ - دموگرافی جمعیت اعراب الاحواز.»

ارتقاء سطح آموزش های فرهنگی مانعی در برابر آسیب های احتمالی ذهنیت جامعه و عوامل مشکل آفرینی است که موجب پیچیده تر شدن موضوع با استناد به ظرفیت کنونی جامعه و ساختار و رو بنای دیرینه ایست که نیازمند تحول عمیق و محتوا دار فرهنگی است. از معیارهای تغییر و ضروری و بدون برداشتن گام هایی در این راستا سخن از جامعه ای کارآفرین و فراگیر بمعنای پیوند و استمرار مناسباتی است که جامعه را بسوی پرتگاه و حاشیه و نسیان سوق خواهد داد. فرهنگ حاکم بر جامعه، فعالیت های جمعی را ممنوع و در چارچوب خاصی محصور نموده است. ارتقای سطح آگاهی ها سرآغاز ظهور تحولاتی عمیق در بینش و نگرش انسان ها و تقویت اذهان و رشد فکری آنان گردیده است. چنین اهدافی میسر نخواهد بود، یا جامعه عمل نخواهد پوشید مگر در سایه تحول فکری و اندیشه ای عمیق جیل (نسل) کنونی ملت عرب! چنین تحولی، آنهم با اندیشه ای متکی به خود، تحولی مطلوب و بغایت جامع و کامل مبتنی بر اراده و خواست جامعه در مراحل مختلف خواهد بود. پدیده های اجتماعی - سیاسی که قابل تعمق و درایت و راهکارهای مخصوص بخود را داشته، همچنین معالجه و استیلاء بر آنها در حیطه جامعه شناسان است. مرحله ای مملو از بیم ها و نگرانی های مختلف آغاز گردیده است. جناح بندی های سیاسی نیروها در قبایل مشکلات و معضلات پیش رو و تحولات مطرح در جامعه آنهم در شرایطی متفاوت از سنوات گذشته و شیوه ی برخورد و درک هر یک از گروه های درگیر از تحولات و موضع گیری ها روندهای پیش روی هر یک از منظر سیاسی، اهمیت بیشتری یافته و از جمله مسائل مهمی است که مورد توجه و عنایت پژوهشگران و صاحب نظران مختلف واقع شده است. چنین بنظر می رسد که غالب این گروه ها در

شرایط فعلی و در ارتباط با شیوه برخورد با مسائل و مشکلات این مرحله از پروسه‌ی مبارزاتی توافق نظر دارند. سرنوشت ساختار کلی نظام سیاسی - اقتصادی کشور، در سرنوشت و آینده‌ی تمامی ملت‌های جغرافیای سیاسی ایران، دخیل و اثرگذار است. گونه‌گونی، رنگارنگی و تفاوت‌های اساسی مرحله‌نویین انتفاضه، شیوه‌ی مبارزه در جهت کسب قدرت سیاسی از سوی هر کدام از ملت‌ها و در چارچوب جغرافیای معین و مشخص، و تلاش در جهت ایجاد تغییر و خلق فرصت‌های مبتنی بر ویژگی‌های طبیعی سایر ملل در عرصه اقتصادی می‌تواند وزن و جایگاه واقعی هر کدام را مشخص نماید. از ویژگی‌های عمده مرحله‌کنونی گرایش بسوی ایجاد تحولاتی زیربنایی و ساختاری در عرصه‌ی قدرت سیاسی و حتی نفی ساختارهای کنونی است!

تحقق واقعیت تاریخی در برابر ساختارهای چپاولگرانه و تبهکارانه‌ی ضد مردمی، ضد فرهنگی و استراتژی هویت‌زدایی در قبال پاره‌ای از ملت‌های جغرافیای سیاسی ایران، محرک اصلی و نیرو دهنده‌ی ملل در مبارزه‌ی آزادیخواهانه و رهایی‌جویانه با هدف تعیین سرنوشت و به دست آوردن حقوق حقه خود است. ستم‌ها و چپاولگری‌های سه دهه‌ی اخیر به همراه وحشیانه‌ترین سرکوب‌ها و کشتارها و پایمال نمودن حقوق ابتدایی شهروندان با زیر پا گذاشتن قانون و کلیه‌ی موازین بین‌المللی، سبب ساز اعتراضات گسترده‌ی مردم و به چالش کشیدن مشروعیت نظام است! چالش و مبارزه‌ی که از پیامدهای مهمش در روند مبارزات سیاسی نوین، نفی کلیت نظام و مطالبه‌ی کسب قدرت از سوی پاره‌ای جوانان رادیکال و نمایندگان گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه است.

عینیت بخشیدن به حقوق ملل و پذیرش روند سیاسی و نفی تمرکزگرایی ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی رژیم بمثابة مهمترین عامل تحول تاریخ سیاسی و ترسیم کننده معادلات سیاسی ملت های جغرافیای ایران و ضرورت تلاش جمعی برای حل معضلی است که از شاخص های مهم پیوند و تقارب و دستیابی به اهداف مشترک می باشد.

بحران سیاسی و اهمیت این بحران بر تحولات انتفاضه از آن رو است که از هر جهت ویژگی ها و متغیرهای مختلف و تاثیرات متفاوتی بر روند آن گذاشته است. مسائلی که در بر گیرنده معضلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی منطقه است. برین مبنا، بحران سیاسی منطقه و اساس معضلات فوق مورد تبیین قرار گرفته است.

تحولات جامعه شناسی در جهت منافع استراتژیکی و تاکتیکی و تداوم سیاست های گذشته رژیم موجب توسعه طلبی و گرایش به ساختارهایی است که بنیان های ضد مردمی رژیم بر آن ها پایه ریزی شده و زیر بنای اصلی سیاست ها و اهداف شان بشمار رفته و جزو لاینفک ایدئولوژی و ادبیات تاریخی شان بشمار می رود. ادبیاتی که همواره بر پایه و مبنای سلبی و عوامل بیشمار عناد و دشمنی با ملت های دیگر و اندیشه های غیر شیعی بنا شده است. رشد و تعمیق نفوذ مؤسسات و دوایری که بر اساس سیاست های رژیم در منطقه راه اندازی شده و در جهت منافع دولتمردان و تداوم سیاست های محوری شان فعالیت می کنند، نقش مخرب و ویرانگری در دگرگون نمودن فرهنگ، آداب و رسوم، سنت ها و بینش های ملت عرب داشته و دارند!

چنین مؤسسات و بنیادهایی، فرهنگ منحط تحمیلی رژیم را در سطح منطقه گسترش داده و تعمیق می بخشند. و با استفاده از کلیه ابزارها و امکانات جهنمی رژیم و خود در جهت نقش

آفرینی های بیشتر گام بر می دارند! موضع گیری تند، صریح و آشکار در مقابل این سیاست و عوامل اجرایی آن از وظایف طبیعی و حقوق حقه ی انتفاضه است.

بهره گیری از امکانات و ابزارهای موجود در مقابله و رویارویی با ساختارهای امنیتی - اقتصادی که در جهت بسط نفوذ و سیطره ی رژیم بر منطقه سیر می نمایند و مقاومت در برابر هر گونه اقدام ویرانگری که هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ سیاسی در راستای منافع و مصالح دولت مرکزیت از اهمیت استراتژیک ویژه ای برخوردار بوده و وجهه ی خاصی به انتفاضه و منطقه خواهد بخشید.

ملاحظات و محدودیت های چالش ها در شرایط فعلی فراتر از منطقه و در حیطه جغرافیایی وسیع قرار دارد. پیچیدگی مسائل جغرافیای کشور نشان از پیچیدگی جغرافیای سیاسی - تاریخی ملت ها دارد که در ابعاد اقتصادی - فرهنگی خاص هر کدام از ملت های جغرافیای سیاسی ایران نهفته است. بنا بر این، همه ی راهکارها و شیوه ی مبارزاتی را بایستی از همین منظر و در چهارچوب مسائل و معضلات موجود مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار داد.

طبیعی است که در هر جامعه ای نیروهای اجتماعی دارای منافع متفاوت از یکدیگر بوده و طبقات اجتماعی با دیدگاه ها و برداشت های متنوع از مسائل اجتماعی در ابعاد و محدوده ی جغرافیایی ملت خویش در پی تحقق اهداف سیاسی خویش بوده و هستند.

بر این اساس بهره گیری جوهری از واقعیت های مطرح جامعه، با در نظر داشت ابعاد وسیع تنش های اجتماعی ملت ها با سیستم حاکم در راستای تحقق اهداف استراتژی (سیاسی - تاریخی) خویش، بمثابة راه حلی در برابر معضلات کنونی و

تنش های موجود و بها دادن به اهمیت و نقش و موقعیت جغرافیایی ملت ها در استراتژی و تاکتیک مشترک تعیین سرنوشت حائز اهمیت و قابل توجه دو چندان می باشد.

از منظر سیاسی، تاریخی، پایان دادن به وضع اسفبار و نابسامان فعلی در گروه دستیابی به وضعیت پایدار در چارچوب تحقق اهدافی است که ملت ها طی دهه های گذشته با پشت سر گذاشتن مراحل بیشمار تاریخی در پی تحقق آن جانفشانی نموده اند. سیاست های شوونیستی، تفرقه افکنانه، سرکوبگرانه و تبهارانه ی رژیم که در راه حفظ منافع بیگانگان و ویرانی کشور طرح، برنامه ریزی و اجرا شده اند، به اینجا رسیده که تنها پایان دادن به وضعیت موجود، به عنوان محور اصلی مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. دقت و توجه نسبت به گذشته و بهره گیری مثبت و همه جانبه از دستاوردهای تاریخی، برای ملت های جغرافیای سیاسی ایران از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و منجر به گسترش ارتباطات متقابل فرهنگی، سیاسی و ... تعامل و تبادل تجربه های اجتماعی ملت ها خواهد بود. این مهم که در همه ی ادوار و پروسه ی تاریخی مبارزات بنا به دلایلی نا معلوم نادیده گرفته شده یا به دست فراموشی سپرده شده یکی از زیر بناترین اصول و هدف اساسی است و نقش مهمی در تعمیق تعاملات اقتصادی، سیاسی فی مابین ملت های جغرافیای سیاسی ایران ایفا می کند.

تغییر ساختار قدرت سیاسی، اقتصادی کشور، حاصل پذیرش واقعیت های عینی و نوین از جانب ملت ها است. و ریشه در تجربه های تاریخی و مسایل سیاسی ملت ها داشته و گریز از این دگرگونی ها و مقاومت دولت ها در برابر آنها حاصلی نداشته و نخواهد داشت.

بدیهی است هر تحول اجتماعی نتایج خاص خود را داشته، دستاوردهای چنین جوامعی در برابر یکسان سازی ضامن حفظ بقاء ملت های آنان است. واقعیت هایی که دل مشغولی های ملت های جغرافیای سیاسی ایران را به همراه داشته است. تغییر و تحولات سیاسی از دو جهت حائز اهمیت و قابل بررسی است:

۱ - تغییرات می تواند در معادلات سیاسی تأثیرات مستقیمی بر جای بگذارد که بنوبه خود می تواند برای ملت های جغرافیای سیاسی ایران حائز اهمیت باشد.

۲ - از نقطه نظر جامعه شناسی سیاسی آنچه بوقوع پیوست، بتدریج می تواند بعنوان الگویی برای تغییرات سیاسی مطرح باشد. ابعاد مختلف و جنبه های متفاوت تحولات که طریق درک و شناخت پدیده های اجتماعی دخیل در تغییر و تحولات کنونی است عبارتند از:

۱- تعیین سرنوشت ملت ها.

۲- دموکراسی.

۳- گشودن فضای سیاسی.

سه نکته اساسی و پایه ای که از مهمترین جنبه های استراتژیکی تحولات بشمار می روند.

برای تفکیک تغییرات و دگرگونی های کنونی معیارهای مختلفی دال بر شدت و اهمیت و ابعاد هر کدام در تحولات مطرح بوده و هست. نتایج تغییرات و دگرگونی های بدست آمده وجهه تمایز شرایط گذشته و حال و معیار اساسی تغییرات سیاسی نیروی شرکت کننده در درون کشور و حمایت های بین المللی و انعکاس آن و گسترش حجم تغییر و تحولات ملت ها بمثابه عنصر اصلی تغییر در درون و از پائین آغاز گردیده و انعکاس آن در بالا (حاکمیت) منجر به شکاف عمیق و چند دستگی در ارکان نظام ج. ا. و دولتمردان گردیده است.

تغییرات سیاسی و دلایل و پیش زمینه های ایجاد تحول که به مرحله دگرگونی تغییرات و اتخاذ تاکتیک مناسب و مشخص و بکارگیری روش ها و راههای ایجاد تغییر می رسد، عمدتاً و بطور طبیعی پیامدها و نتایج قابل قبولی به همراه خواهد داشت که عنصر اساسی و سرنوشت ساز نیروی تغییر بشمار می رود. معیارهای تغییرات سیاسی و عنصر متغیر و تعیین کننده در جهت حصول اهداف، در اولویت و در صدر امور قرار گرفته و می بایست مورد توجه قرار گیرد. گسترش و تداوم تحولات با توجه به پیشینه تاریخی - سیاسی موجب رویکرد ملت ها نسبت به آینده سیاسی - اجتماعی کشور و اهداف توسعه طلبانه دولتمردان می باشد.

جهت احقاق حقوق مشروع ملت ها از طریق به عقب نشینی واداشتن رژیم یا دگرگونی بنیادین در ساختار ضد مردمی آن، انتفاضه مناسب ترین و شناخته ترین شکل ممکن است. ساختار قدرت کنونی کشور، بر پایه استفاده و بهره گیری از ابزار سرکوب، خشونت و کشتار معترضین استوار گردیده است! مطالبات حق طلبانه و پیگیری خواسته هایی مبنی بر تغییر و تحولات، نه تنها فضای سیاسی کشور را دگرگون و تحت تاثیر خود قرار داده، بلکه روز به روز نیروی بیشتری را به میدان کشانده تا در برابر دولتمردان خودکامه و مستبد و ولی فقیه صف آرایی نمایند. بحران کنونی منجر به حفر و ایجاد دره عمیقی در میان آیات عظام، حوزه های علمیه و مدارس دینی - دانشگاهی نیز گردیده و کلیت نظام را در بر گرفته است. در شرایط کنونی ممکن است استفاده از عنف بشکل مقطعی تحولات را به تاخیر انداخته ولی این روش نمی تواند استمرار داشته باشد. تنها طریق مهارکردن اختلافات و باز گرداندن آرامش به سطح جامعه، انجام تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی - اقتصادی کشور

است. امری که با توجه به عمر رژیم و گذشته‌ی نکبت بارش بعید و غیر ممکن به نظر می‌رسد.

معضلات کنونی کشور و سیاست‌های نابخردانه و ضد مردمی رژیم در کلیه ابعاد آن، بیانگر این واقعیت است که تنها راه رهایی و نجات از معضل کنونی، پافشاری بر استمرار مبارزه و آماده نمودن زمینه‌های درونی تغییر در کلیت نظام از سوی ملت‌های جغرافیای سیاسی ایران است.

واقعیت‌های موجود و مشکلات فزاینده‌ای که جامعه را به حد انفجار رسانیده‌اند، گواه بر اینند که تنها در صورت پاسخگویی و متحقق نمودن خواسته‌های سیاسی - اقتصادی ملت‌ها، یعنی عقب نشینی کلی رژیم و تن دادن ولی فقیه و دولتمردان خیانت پیشه و چپاولگر به تحولات و دگرگونی‌های شگرف می‌توان کشور را به دوران آرامش و سکون بازگرداند و بحران موجود را مهار نمود!

از جانب دیگر، تحمیل شکست و وادار نمودن ولی فقیه و دولتمردان به پذیرش حقوق حقه‌ی مردم و توجه به نابسامانی‌ها و ویران شدگی کشور، در گرو ایفای نقش صحیح و آگاهانه و شناخت جایگاه و رسالت تاریخی خود از سوی نیروهای متشکل و منسجم (احزاب - سازمان‌ها - جبهه)، درون و برون مرزهای جغرافیای سیاسی کشور بستگی مستقیم و بلاواسطه دارد!

آشنایی و آگاهی احزاب، سازمان‌ها، گروه‌ها و دسته‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی به رسالت تاریخی و وظایف خود در دفاع از مردم و حفظ و پاسداری از فرهنگ، آداب، رسوم و سنن پسندیده و مردمی توده‌ها و کشور، نقش محوری و کلیدی در شکل دهی تحولات و تغییرات درون کشور دارد. رسیدن به چنین جایگاه و درکی عمیق، راهگشا و هدایتگر توده‌ها در

مبارزه با بی عدالتی و سیاست های مخرب رژیم، کلاسه نمودن و عنوان صحیح خواسته ها و اتخاذ تاکتیک های مناسب است! تغییرات و دگرگونی های سیاسی - اقتصادی و حتی فرهنگی و اجتماعی کشور، منطقه و جهان، با توجه به پیشرفت های سریع تکنولوژی و نقش رسانه های همگانی و اینترنت که دنیای ما را به صورت دهکده ای کوچک و بهم پیوسته در آورده، در آگاهی رسانی به مردم و ایجاد ارتباط نزدیک و تنگاتنگ بین آنان، بیانگر این واقعیت است که حتی ماهیت تغییرات سیاسی کنونی و معیارهای تجزیه و تحلیل آنها بطور عمیق و آشکاری غیرقابل مقایسه با گذشته است و عوامل چهارگانه ساختاری نقشی تعیین کننده در سرنوشت ملت های ج. س. ا. ایفا می نمایند و تحولات آینده کشور متأثر از آنهاست.

شناخت تفاوت های اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف ایران و روحیه ی متفاوت ملت های جغرافیای سیاسی هر یک از این مناطق، اهمیت حیاتی و بسزایی دارند که می بایست دقیقاً درک و مورد مطالعه قرار گیرند! آشنایی، مطالعه و تجزیه و تحلیل این عناصر در کشور کثیرالمله ای چون ایران و در برخورد با رژیمی استبدادی و دیکتاتوری که بنا بر بینشی شوونیستی و بی نهایت ضد مردمی، تلاش می ورزد تا ضمن تخریب فرهنگی، در هم ریختن آداب، رسوم و سنن ملی، بر باد دادن تاریخ و مخدوش نمودن هر آنچه نشانه ی ملی و قومیت، فرهنگ عقب مانده و قرون وسطایی خود را با زور سرنیزه و توپ و تانک و مسلسل هم که شده حفته نماید، از ضروریات هر جامعه و وظایف حزب، سازمان، دسته و گروه پیشاهنگ و پیشروایست که داعیه ی رهبری و ایجاد تحول در جامعه را دارد.

انسجام، اتحاد، همگامی و همدلی، تنها راه مبارزه، درگیری و رویارویی با اهداف توسعه طلبانه رژیم است که هویت زدایی ملت های جغرافیای سیاسی ایران، از جمله ملت عرب را سر لوحه ی برنامه های تاکتیکی و استراتژیکی خود قرار داده است. شکل گیری و توفیق جامعه در گرو چنین انسجامی است.

در غیر این صورت، رژیم ولایت فقیه و دولتمردان خیانت پیشه و ضد بشری، بر اساس بینش و تکررات شیطانی و منفعت طلبانه خود و اربابان برون مرزیشان که دشمنی دیرینه و آشنایی ناپذیری با کشور و ملت های جغرافیای سیاسی ایران، از جمله ملت عرب داشته و رؤیای اسراییل بزرگ یا تسلط بازار جهانی و نظام غارتگر سرمایه داری را در سر می پروراندند، با بهانه های مختلف موجبات دامن زدن به اختلافات قومی، مذهبی و فرهنگی را فراهم نموده و با دمیدن در تنوره نفاق و زنده نمودن کشمکش های نهفته در درون جامعه، همواره و مداوم تعارض میان ملت ها را پدید خواهند آورد.

شناخت این شیوه استعماری و نو استعماری که در گذشته ی نه چندان دور ضربات جبران ناپذیری بر کلیه جنبش های رهایی بخش و آزادیبخش منطقه و کشور فرود آورده، ضرورت تحول برای دستیابی به توسعه و نیازمند درک عوامل تشکیل دهنده جغرافیای کشور است. در شرایط حاضر و در راستای رسیدن و تحقیق اهداف فوق چاره ای جز چالش و باز نگری بنیادین بر استراتژی و تاکتیک های دولتمردان در راستای تامین منافع و مصالح سیستم حاکم بر کشور نداریم و این مهم حاصل نمی گردد، مگر اینکه نخست به آسیب شناسی طبقات اجتماعی و ساختارهای کنونی بپردازیم.

در پیش گرفتن چنین گزینه ها و سیاست هایی بمعنای عدم تمایل به هرگونه راه حلی است که منجر به خروج دولت (ج. ا.) از

بن بست و ادامه ی برنامه های تبهکارانه اش در چارچوب سیاست های کلی و بنیادینش گردد. سیاستی که در هر صورت، تضعیف و محدود سازی نفوذ انتفاضه را هدف قرار داده و در صورت دستیابی به آرامش و موقعیت دلخواه، از همه ی عوامل و ابزارهای سرکوب (نظامی - امنیتی) در جهت اعمال فشار و سرکوب خونین نیروهای مقابل و وادار نمودن شان به تغییر رفتار و تن دادن به خواسته های ضد مردمی خود استفاده خواهد نمود.

نباید از نظر دور داشت که رژیم جنایتکار و تبهکاری چون جمهوری اسلامی ایران، به مجرد یافتن فرصت و موفقیت در ایجاد تفرقه میان نیروهای اپوزیسیون و صفوف مبارزان، به تغییر رفتارهای مقابله جویانه روی خواهد آورد و در مقابله با مخالفین سیاست های خود از هیچ جنایت روی نخواهد گردند و ابزار سرکوب و فشار و شکنجه و اعدام را به عنوان بهترین و قابل اعمادترین گزینه ی عملی و مناسب برمی گزینند. بروز چنین حادثه ی ناگوار و خونباری بدون شک تاثیر قابل ملاحظه ای بر آینده سیاسی، اجتماعی منطقه خواهد گذاشت.

ترسیم دورنمای آینده کشور از دو بُعد داخلی - خارجی قابل بررسی و ارزیابی است.

بدون شک مهمترین پیامد تحولات اخیر از لحاظ داخلی، رشد و تثبیت تحولات و دستاوردهای آن است. شکاف در صفوف آیات عظام - مراجع تقلید - حوزه های علمیه - مدارس دینی - کارمندان دولت - نیروهای نظامی و انتظامی کشوری و لشکری، هر وسعت بیشتری گرفته و رژیم را با مشکلات عدیده ای روبرو می سازد! ولی فقیه و دولت کودتایی دست نشانده ی وی، تلاش می ورزند تا با تمسک و تظاهر به قانونگرایی، ایجاد شکاف در صفوف مردم، دانشجویان و اساتید دانشگاه و گمراه

نمودن و سؤاستفاده‌ی مجدد از اعتقادات دینی و مذهبی بخش وسیعی از جامعه که به مرور زمان اعتقاد و باور خویش را نسبت به حکومت اسلامی و به اصطلاح عدل علی از دست داده اند، عقربه‌ی زمان را به عقب برگرداند و با صرف هزینه‌ای هر چند سنگین و گران وضعیت را به شرایط سابق برگرداند! موردی که در صورت پذیرش از سوی ملت‌های جغرافیای سیاسی ایران و فراهم شدن شرایط مورد دلخواه دولت و ولی فقیه، عواقب وخیمی در بر داشته کشور را برای مدت زمانی نه چندان کوتاه و گذرا با دشواری و مشکلات و معضلات غیرقابل حل تری همراه خواهد ساخت.

رژیم در صدد برگرداندن اوضاع به وضع دلخواه و تسویه حسابی همه جانبه است! مطمئناً چنین سیاستی، از حمایت‌های بیدریغ قدرت‌های بزرگ غربی، دولت‌های پیشرفته‌ی سرمایه داری و ایالات متحده‌ی امریکا که خود را موظف به حفظ منافع خویش در ایران و منطقه دانسته و می‌دانند، قرار خواهد گرفت! نباید از نظر دور داشت که ادعای دفاع از حقوق بشر و همدردی با مردم آزادیخواه و دمکراسی طلب دیگر کشورها، از سوی سردمداران و دولتمردان کشورهای بزرگ صنعتی و پیشرفته جهان سرمایه داری تا زمان نیست که منافع حیاتی آنان تامین نگردیده و از دولت مورد نظر امتیازهای کلان دریافت ننموده اند!

تبلیغ و ترویج تلفیق و همخوانی و نزدیکی الگوی ارزش‌های اسلامی - غربی ادعای عوامفریبانه بیش نیست و صد در صد بدور از حقیقت و همزیستی است! دمکراسی و فرهنگ غربی در زمان حال، نتیجه سال‌ها و قرن‌ها مبارزه، از جان گذشتگی، فداکاری، زنده زنده در آتش سوختن‌ها و مقابله با دادگاه‌های انگیزاسیون و رویارویی با احکام الهی کلیسای

کاتولیک است. بنا بر این کمترین سنخیتی با جوامع اسلامی و قوانین و مقررات دینی - مذهبی آنها نداشته و ندارد. مهمتر اینکه به هیچ وجه صادراتی نبوده و نخواهد بود! در شرایط فعلی و در صورت امتناع و خودداری ولی فقیه و دولتمردان خودفروخته جمهوری اسلامی، از دادن امتیازهای بیشتر و تن سپردن به خواسته های منفعت طلبانه ی غرب سرمایه، بهترین گزینه برای سردمدران و دولتمردان این کشورها اینست که از بقدرت رسیدن نوع معتدل اسلام گرایی حمایت کنند و از مصادیق بارز آن و هدفی که مد نظر غرب است، تحولات کنونی کشور و سیاست های تا کنونی غرب سرمایه داری است.

پیامدهای خارجی: انتخابات دهمین دوره ی ریاست جمهوری، نه تنها تاثیر مثبتی بر مناسبات خارجی جمهوری اسلامی بر جای نگذاشت، بلکه باعث رسوایی هر چه بیشتر رژیم و دولت کودتایی در میان مردم مترقی و آزادیخواه جهان و به ظاهر دولت های سرمایه داری گردید. با این حال رژیم سعی می نماید در حفظ و گسترش روابط با روسیه - چین - هند بکوشد! سیاست خارجی ج. ا. در آینده نیز باعث ضربه زدن بیشتر به وجهه بین المللی اش می شود و برنامه ها و رئوس کاری آینده وزارت خارجه رژیم جمهوری اسلامی، میانه روی و حفظ وضع موجود (پوزیتیویستی) خواهد بود. بدون تردید روابط علنی نیز با امریکا برقرار نموده و چه بسا آنها افزایش بدهد. مهمترین مسائلی که ج. ا. را وادار به اتخاذ چنین موضعی خواهد نمود، حمایت از گرایش های معتدل در برابر گرایش های افراطی از سوی ایالات متحده امریکا است. زیرا سیاست خارجی ایالات متحده امریکا، بر محور حمایت از اسلام عمل گرا و در راستای مقابله با اسلام تقابل گرا می چرخد.

در مورد آینده، مهمترین نکته ای که وجود دارد، عزم جدی اسلام گرایان معتدل در تقارب و همسویی با غرب و بمعنای تحولی اساسی از سوی آنان بشمار می رود. پارلمان و اتحادیه اروپا بمثابه اهرم فشار را مناسبترین بدیل جهت تنبیه نمودن جمهوری اسلامی برگزیده و آن را برتر و کارسازتر از عوامل دیگر دانسته است. غرب چنین استنباط نموده که اصلاح طلبان بهتر از اصول گرایان و تمامیت خواهان پروسه اعتماد سازی با غرب را در پیش خواهند گرفت. هر چند که حمایت اتحادیه اروپا از اصلاح طلبان در دو دوره ی چهارساله گذشته مثر ثمر نبوده و به شکست گرائیده است. پیش بینی در این زمینه صرفا خوشبینی سیاسی نبوده و جایگزینی عوض و بدل شدن گرایش ها و دیدگاه های گوناگون در سیاست خارجی ایران، نه تنها هیچگاه و در هیچ شرایطی بر علیه غرب و ابتعاد از آن نبوده بلکه بر خلاف همه ی شعارهای عوامفربانه و ادا و اطوارهای آن چنانی سردمداران رژیم و ولایت مطلقه فقیه، جمهوری اسلامی در تمامی سه دهه ی گذشته، در راستای منافع و مصالح غرب گام برداشته است. سیستم کنونی حاکم بر کشور نیز در مقطع کنونی در همین راستا گام بر می دارد و با تکیه بر مناسبات و روابط تبهکارانه و به مناقصه گذارانه کشور چون گذشته سیر می نماید.

در تمامی پدیده های اجتماعی فرمول بازگشت به حد وسط وجود دارد و اعتدال پایدارترین گرایش در جوامع انسانی است و افراط و تفریط حالت موقت و زود گذر داشته است. در حال حاضر و در شرایط فعلی، به دلیل رسوایی بیش از حد رژیم در بین طبقات روشنفکر و انسانهای مترقی و پیش رفته ی بین المللی، گرایش های اصلاح طلب، معتدل و میانه رو در تلاش تغییر اوضاع کنونی در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی و فاصله گرفتن از سیاست های دولتمردان خود فروخته و ولی فقیه می باشند!

با این حال، رهبران کنونی تحولات (اپوزیسیون)، با همه ی توان و نیرو در صدد حفظ کلیت نظام و پرهیز از تقابل های رادیکال طرح شعارهای تند و تیزی که نظام را با خطر سرنگونی مواجه سازد هستند! این رهبران در صدد عرضه و جا انداختن اسلامی نسبتا لیبرال و بدور از خشونت ها و سرکوب های سه دهه گذشته اند! با این امید که چنین مدلی قابل عرضه و مطلوب دیگر کشورهای اسلامی و سایر کشورهای جهان باشد! در حالیکه حفظ وضعیت گذشته و موجود، مهمترین استراتژی دولتمردان ولی فقیه در سیاست داخلی و خارجی است. از سوی این دولتمردان و ولی فقیه که آبروی نداشته و آینده ی تاریکش را با کودتاچیان و دولت نظامی احمدی نژاد پیوند زده، جهت گیری و سمت و سوی آینده ی سیاست خارجی ج. ا. در همان راستای بُردار گذشته سیر نموده و به قول معروف در بر روی همان پاشنه ی زنگ زده خواهد چرخید!

گسترش و وسعت بخشیدن به حوضه ی فعالیت های شرکت های تجاری در منطقه، یکی از شاخص های سیاست ضد عربی و ویران کننده ی بافت اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی توسط عوامل رژیم جهل و جنایت است. این امر دلالت بر اهداف دراز مدت و استراتژیک رژیم به منظور سیطره کامل بر امور حیاتی منطقه و رویارویی دد منشانه با ملت های جغرافیای سیاسی ایران و ملت عرب است!

اهداف دراز مدت رژیم حاکم بر کشور، تحلیل بردن نیروها و ویرانسازی فرهنگی از طریق ادغام مجموعه های انسانی است. بهمین دلیل نگرش عمیق به عامل اقتصادی بدون دخالت و مباشرت نیروی نظامی، در سطح جامعه و تقدم زمانی آن به

مرحله ای می رسد که خود بخش استراتژیک اهداف دراز مدت را روشن می سازد. بی جهت نیست که نقش شرکت ها به طور روز افزون و بیش از پیش اهمیت می یابد. به بیان دیگر جنبه های اجتماعی در برگیرنده این معنا و مفهوم است که اهداف نهفته در پس راهکارهای اقتصادی در راستای مشخص و معین و متضمن حمایت و برنامه ریزی دولت است. پدیده ای که از ابعاد و لایه های متعددی در سطح منطقه برخوردار بوده و دارای ماهیت و اهمیت ویژه ای هستند. از آن جمله ابعاد فرهنگی - سیاسی - اجتماعی. عواملی که در محدوده جغرافیایی خاص شکل گرفته و بدون تبعیت از شرایط حاکم بر جامعه اهداف یک جانبه و سیاست های دولت را دنبال می نمایند. مواردی که حکایت از جهت گیری های مشخص و هدفمند در ابعاد استراتژی آنست.

از مهمترین اهداف بنیادی شرکت های مزبور از سوی دولت حذف موانع حقوقی قانونی در منطقه است. فراهم ساختن زمینه دستیابی و تحقق اهداف، ابعاد پیچیده جامعه سنتی، بُعد فرهنگی و تاثیرات آن بر ساختار سیاسی - اجتماعی است که موجب خلق شرایط نوینی خواهد شد. شرایطی که بر ابعاد سیاسی - اقتصادی تفوق جسته و موجب پیدایش علل و عوامل فوق و راهکار مناسب آنهاست و تمرکز بر معضلات اجتماعی از اهم ستون فقرات آن می باشد.

بعد فرهنگی چنان با اهمیت و عمیق بوده که ابعاد تاثیرات و پیامدهای آن، چالش هایی را سبب ساز شده که در عرصه های گوناگون اجتماعی و ابعاد ذهنی - عینی و تحول در رشد آگاهی و افزایش قدرت جامعه را بدنبال داشته است. این عامل از منظر سیاسی تاثیرات شگرفی بر قشرهای جامعه و مناسبات سیاسی منطقه برجای گذاشته و در آینده نیز خواهد گذاشت. رشد و

گسترش و تقویت رشد آگاهی و تحول در بینش سیاسی و تغییر نگرش به مسائل سیاسی، شکل‌گیری عقاید - افکار و دیگر ارزش‌های سیاسی را در پی خواهد داشت. بخش قابل توجهی از تأثیرات این پدیده بر سطح جامعه و تغییر در شیوه‌های سنتی و ساختار قدرت و جایگزین شدن تفکر مفتوح و وسیع و ذهنیتی مفتوح در برابر نگرش‌های بسته و سنتی جامعه موجب انتخاب محور توسعه سیاسی و دست‌آوردای ایجابی توسعه روابط فرهنگی بوده و وقایع فراوانی را بدنبال خواهد داشت. وقایعی که در جهت منافع و مصالح ملت عرب سیر نموده و بطور کمی و کیفی به سطوح بالاتر ارتقاء خواهد یافت. به نحوی که بتوان مستقبل و تغییرات و اولویت‌های منطقه را تبیین کرد.

کیفیت تأثیر گذاری بر عوامل ساختاری موجبات تقویت سازماندهی و خلاقیت‌ها در سطح جامعه و پیشرفت بخش قابل توجهی از مسائل اجتماعی را تحقق بخشیده و تضادهای گسترده و عمیق منجر به فروپاشی و نابودی و زوال خواهد گردید. فرهنگ، موجودیت را قوام بخشیده و تضادهای درونی را مرتفع می‌نماید. تشدید بحران در سطح جامعه نه بر اساس خواست و اراده‌ی دولتمردان و حاکمیت جهل و جنایت، بلکه بر اساس پدیده‌ها و معضلات اجتماعی جریانات و سنت‌هایی که مورد پذیرش و تأیید جامعه بوده رشد و تکامل می‌یابند!

بر اساس رشد تفکر و تکامل شیوه‌ی مبارزه است که ملت‌ها سرنوشت خویش را رقم خواهند زد. امری که قدرت عمل را نیز افزایش داده و تنش‌زدایی در جهت بهبود وضعیت سیاسی امری ضروری و حیاتی است.

نضال از عوامل مهم تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی و واکنش در برابر بحران‌ها و نابسامانی‌های جامعه است.

بیان مطالبات گروه های اجتماعی، احزاب و روندهای سیاسی و معیار کلی سنجش و نابرابری ها و تفاوت های مهم و شکاف های در حال تعمیق و پیامدهای سیاسی بر خاسته از آنها پاسخگو به نیازها و مطالبات هر ملتی است.

درس هایی که دشواری ها و صعوبات و چالش های بزرگ پیش ملت ها روی قرار داده، به تامل و تعمق بیشتر نیازمند است. نضال عامل اصلی هر تحول اجتماعی در برابر ساختارها و روندهای مسلط حاکمیت و دستیابی به اهدافی است که در برگیرنده منافع عامه ی مردم است.

نضال بیان کننده هویت و حیات اجتماعی ملت هاست و به عناوین مختلفی در سطح جامعه ظاهر گردیده و بروز می نماید. نضال خالق نبردی اجتماعیست که در پی تعقیب مقاصد و اهداف مشترکی است.

موفقیت و یا عدم موفقیت آمیز نضال، به عوامل مختلفی مانند دسترسی به عوامل بالقوه و بالفعل، داشتن استراتژی و تاکتیک، ارتباط تنگاتنگ با هسته های مقاومت، پیروزی یا عدم موفقیت در پیشبرد ائتلاف نیروهای متشکل و منسجم و غیره با یکدیگر بستگی دارد. تجربه تاریخی نضال در گذشته، خلق ساختارهای نوینی را سبب ساز شده و به ادامه و تداوم آن ضرورت می بخشد.

دچار شدن به سکتاریسم و انحصاری کردن، از خطرات و آسیب های مهم پیش روی تحولات اجتماعی و مانعی در برابر بسط و گسترش روابط و مناسبات نیروها با یکدیگر بشمار می رود. و اتخاذ استراتژی مشخص را با توجه به شرایط خاص اجتماعی، سیاسی، فرهنگی در برخورد با مسائل و چالش های پیش روی با مشکلاتی عدیده روبرو خواهد ساخت.

با خرد جمعی و بینشی وسیع و پر دامنه، می بایست زمینه و جنبه‌ی دوری‌جستن از مسائل حاشیه‌ای را تقویت نمود. انتفاضه‌ای که فاقد استراتژی بوده، دنباله‌روی از استراتژی و برنامه‌های کوتاه یا دراز مدت دیگر نیروهای سیاسی را بدنبال داشته است. کدام شرایط اجتماعی-تاریخی موجب تعارض پدیده‌های اجتماعی و شرایط عینی-ذهنی می‌گردد و راه حل ساختاری در برابر تعارضات اجتماعی کدام است؟

مهمترین ساختار در ادبیات کفاح اجتناب‌ناپذیری استفاده و بکارگیری تجارب نسل گذشته و بهره‌گیری از دستاوردهاییست که با فرهنگ و سنت‌های پایدار و سازنده ملت عرب عجین گشته است. و همچنین بکاربندی و بهره‌وری از تجربیات و دستاوردها و دیدگاه‌های نسل جدید است. دیدگاه و تجربیاتی که نتیجه‌ی مستقیم و بلاواسطه‌ی حوادث تاریخی و تحولات نوین (انتفاضه محمره، انتفاضه نیسان) بوده و هست. مهمتر اینکه، نسل فعلی عرب، آن را به صورت کاملاً عینی و در جغرافیای معین و مشخص منطقه بطور مشترک و همسو با دیدگاه و اهداف جیل پیشین به کار بسته تجربه نموده است.

تحلیلی مستند بر وقایع تاریخی و ذهنیتی مبتنی بر کسب هویت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی با تاکید بر تجارب اجتماعی و آگاهی‌های نشأت گرفته از حوادث و تغییر و تحولات سنوات گذشته، لازم و اجتناب‌ناپذیر است. با این هدف که تاثیر وقایع و نتایج به دست آمده را بر روی گرایش‌ها و رفتارهای نسل کنونی در برخورد با مسائل موجود و پیش روی ارزیابی کند!

نسل کنونی، نه بر اساس دیدگاه‌های سنتی، بلکه بر پایه و اساس دیدگاه‌های نوین و تحولات جهانی و منطقی، ساختارها و معضلات اجتماعی را بررسی و تحلیل می‌نماید. علاوه بر آنکه نیروهای شرکت‌کننده در انتفاضه را در چارچوب قشرهای

اجتماعی و جایگاه طبقاتی هر یک مورد بررسی و باز بینی قرار می دهد. یعنی بر اساس نگرشی علمی و برخورداردی دیالکتیکی با واقعیت های اجتماعی و جریان های فکری شرکت کننده در عرصه ی مبارزاتی جامعه و منطقه.

برای این نسل، جریان های متکامل تر و آگاه به اوضاع بین المللی و آشنا با شرایط اجتماعی - تاریخی منطقه از اولویت و ویژگی های خاصی برخوردارند.

نسلی که در پی آشنایی با تاریخ، فرهنگ، جغرافیا و پیگیری حوادث مهم اجتماعی است، بدون شک و بی چون و چرا تعیین کننده و رقم زننده ی سرنوشت ملت خویش است.

نسلی که وقایع اجتماعی - تاریخی را به یکدیگر پیوند می زند و در جستجوی انتقال و تداوم جهت گیری های فکری - فرهنگی نوینی است، در بستر جامعه و تاریخ رشد و نمو نموده و ریشه دوانیده، صد در صد پایدار و مستحکم خواهد ماند. جهت گیری هایی که بمثابة اهداف و آمال و خروج از بن بست و حرکت بسوی تکامل است.

نسلی که در پی اثبات ادبیات تغییر و تحول، بر مبنای فرهنگ تضاد ساختاری جامعه، منشاء اصلی منازعات و دستیابی به قدرت سیاسی در عرصه های مختلف اجتماعی است.

نسلی که محور اصلی تضادها و ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی را ناشی از سیاست ها و اهداف استراتژی دولتمردان در عرصه های مختلف می پندارد.

نسلی که با عوامل اجتماعی برخورداردی عینی داشته و با محور قرار دادن تضاد و تمییز در پی منافع و مصالح ملت خویش است.

نسلی که جامعه و شکاف های کنونی اش را ناشی از تضادهای زیربنایی و روبنایی یاد شده در مقیاس با ملت عرب و موقعیت

آن و منافع اجتماعی اش می بیند. و در عرصه های مختلف اجتماعی آن را لمس نموده و در زندگی روزمره اش بخشی از حیاتی طبیعی اوست.

نسلی که موانع گوناگون قدرت و ثروت در سطح منطقه را امری عینی و واقعی بلکه بمثابه ساختاری اجتماعی پنداشته که در نتیجه نضال، در عرصه های مختلف اجتماعی ذهنیت تکاملی آن را ترسیم می نماید.

نسلی که موقعیت نابرابر اجتماعی و محرومیت از امکانات و فرصت های موجود در عرصه های مختلف را ریشه یابی نموده و دلیل عمیق تر شدن شکاف ها و ظهور پدیده های گوناگون را می طلبد.

نسلی که حوادث عمده تاریخی معیارهای ذهنی و بر حسب تاثیر وقایع و جریانات منطقه، ذهنیت و آگاهی و هویت او را ترسیم نموده است.

نسلی که تبعات تعارضات اجتماعی در موقعیت اجتماعی، آگاهی، تنش های مطرح نیروهای مردمی و دولت، تضاد منافع و تحولات اجتماعی را بطور اجمالی تجزیه و تحلیل و ارزیابی و جمع بندی نموده و می نماید. با توجه دقت و توجه به این نکته که جیل جدید همواره حامل رساله تاریخی و بخش قابل توجهی از ویژگی های نسل پیش از خود است. وجهه تمایز این دو نسل، فرهنگ متضاد نسل جدید و فرهنگ مسلط جیل گذشته (نسل پیش از خود) است.

تحولات و معضلات و پدیده های اجتماعی بطور کلی متکامل تر و وسیعتر شده و اهداف بیشماری را حمل می نماید. به همان تناسب دیدگاه ها، شکل و جوهره خواسته ها نیز متنوع تر و جامع تر گشته و به مراتب فراتر از آن چیزی است که طی دهه های گذشته رُخ داده است.

جایگزینی بینش نسل جدید با جهان بینی که متأثر از تحولات نوین جوامع مختلف قادر است تغییرات جوهری را به تدریج و بطور عمده از طریق جایگزینی مسائل، دیدگاه ها و تغییر بینش هایی که در اثر تحولات نوین و چالش های مطرح جامعه و پدیده های فرهنگی نوین که به مرور زمان و همگام با تغییر و تحولات در عرصه جامعه پدیدار گشته و نسل جدید را در خود ذوب نموده است. تغییر بینش ها به سبب تحولات و تغییر پدیده های فرهنگی در سطح جامعه است و بازتاب تجربه های متفاوت ملت عرب از جامعه دهه های گذشته به جامعه کنونی است. تفاوت ها و تمیز دو فرهنگ حاکم بر منطقه غیر قابل تغییر و پایدار بوده، آداب، رسوم، سنت های هر ملتی و ترجیحات (اولویت های) سیاسی و احساس تعلق به جامعه، ارزش ها و مسائل اجتماعی معیار سنجش و ارزش هر ملتی محسوب می شود. شکل گیری نگرش ها و رفتارهای گوناگون نگرش های اجتماعی و گرایش های فرهنگی و رفتارهای سیاسی مؤثرتر درصد موافقان و مخالفان دو نسل، اگر چه بسیار چشمگیر نیست، در هر حال نشان از نگرش رفتارهای متفاوت میان دو گروه بشمار می رود. شاید در نگاه اول، این مسئله نشانگر شکاف میان نسل ها باشد، اما ظاهراً چنین نیست. بدلیلی که نسل گذشته (دهه های پیشین) همان موضعی را اتخاذ کرده اند که جیل جدید بدان تمایل بیشتری از خود نشان داده اند. بنا بر این می توان انتظار داشت که اختلافات موجود کاهش چشمگیری داشته است. تاثیر محسوس در این امر اهمیت جهت گیری دو نسل مورد توجه و اجماع نظر عمده ایست که مورد توجه شان قرار خواهد گرفت. این امر بخوبی نشانگر روند سریعتر تغییرات حاصله در میان نسل جدید است. اما این که بتوان این نگرش ها را جلوه ای از شکاف ارزشی نسل های ملت عرب

قلمداد نمود و آن را در جهت منافع ملت خویش تعبیر نمود شگفتی آور و در خور تحسین می باشد. تفاوت های معنا دار بر سر اهمیت موضوع است. اهداف و مسائلی که در گذشته مهم تلقی گردیده، در شرایط کنونی کم اهمیت و محدود و ناکافی بشمار می رود (گروه اعزامی و طرح خواسته های ملت عرب به زعامت شهید راحل، شیخ (علامه) محمد طاهر آل شبیر الخاقانی).

نسل جدید با جمع بندی و نمای کلی حاصل از تمامی خواسته ها و اهداف و آمال ملت عرب، نگاه کلی تری به مسئله و اهمیت آن معطوف داشته، و پیشرو بودن آنان در برخی موارد نشان دهنده ی شکاف در درون جامعه نیست. این امر زمانی روشن می گردد که وضعیت مذکور را با وضعیت دهه های گذشته مقایسه نموده و نمائیم و دریابیم که جامعه امروزی مستثنی نبوده بلکه درین زمینه از دیگر جوامع ملت های جغرافیای سیاسی ایران پیشروتر بوده و گوی سبقت را ربوده است.

چنین دیدگاه ها و نگرش هایی نسبت به رویدادها و تحولات و اختلافات بر سر آنها شدید نبوده، همچنین تاثیر آنها نیز مخرب و سلبی نبوده، بطور قطع مشکلی بر سر راه انتفاضه نخواهد بود و روند آتی رو به بهبود و کاهش گرفتاری ها خواهد گذاشت. زیرا مشکل موجود قابل اغماض بوده و کشمکش میان سنت و مدرنیته و اختلاف سلیقه ی حامیان این دو دیدگاه است. اما اصولاً تعارض میان دو نسل نسبت به کیفیت مسائل، بیانگر تحولات منطقه است و اولویت بخشیدن به ارزش های اجتماعی و تحولاتی که متاثر و نشأت گرفته از حوادث و تغییرات منطقه است. هر چند که نگاه محافظه کارانه به مسائل نیز تابعی از شرایط موجود محسوب شده و تا حدودی مهم تلقی گردیده است. بخشی از آن نشان دهنده بها دادن به ارزش های بنیادین

اجتماعی است. در حالیکه مابقی مطلق نگرى به قضایا و اموری است که تحولات تاریخی - اجتماعی دهه های گذشته و حال را در بر گرفته و بخشی از پیکره انتفاضه محسوب می شود! برخورد سنتی به مسائل و پدیده های اجتماعی دغدغه خاطر نسل جدید و تفاوت چشمگیر در نحوه ی نگرش به مسائلی است که در گرایشات قانونمدارانه وجود دارند. و استناد به مواردی است که در حوزه اختلافات عمومی تری نسبت به سایر موارد وجود دارد. با توجه به اینکه مشترکات متعددی نیز میان دو نسل به چشم میخورد. به هر صورت باید با این تحول و تغییر به طور تدریجی و توافقی برخورد کرد. زیرا مقاومت و پافشاری باعث اختلاف و چند دستگی درون جامعه خواهد گردید. بطور منطقی، وجود چنین تعابیری میان دو نسل دلالت بر تغییرات چشمگیر جوامع و نوجویی و تحول طلبی جوانان نسل کنونی است که بدون توجه به زندگی در جوامع بسته و محدود بودن امکاناتی که بیشتر در اختیار قشر خاصی از جامعه بوده، همگام با تغییرات و تحولات جامعه بشری حرکت می کنند. آنچه که هست در مواردی نادر قابل توجه و بطور طبیعی در تمامی جوامع و کشورها موجود است.

وقایع تاریخی مهم، شوک دهنده ذهنیت نسل جدید و خلق شرایط نوین اجتماعی است. امری که پایه و اساس تغییر و تحولات و خلق حوادثی است که بر پایه اهمیت، و فاکتورهای گذشته جامعه، سنگ بنا و محور اهداف آتی بشمار می روند. تعارض نسبت به معضلات و پدیده های اجتماعی، اجتناب ناپذیر بودن به کار گیری چنین وقایعی را در فضای خاص اجتماعی - تاریخی و بهره برداری از ارزش های نهفته درون آنها را برجسته نموده.

نتیجه چنین وضعیتی استمرار و دوام تعارضات اجتماعی و جهش به سوی حل و فصل تضادهای ساختاری و بنیانی ایست که سر منشاء همه تعارضات بشمار می روند. پدیده تضاد و تعارضات در سطح جامعه، ریشه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، داشته که خود ریشه در منافع طبقاتی اقشار و گروه های موجود و اهداف دراز مدت و میزان انتظارات هر یک از آنان دارد. شرایط موجود هر جامعه، زمینه ساز مؤثر بروز و حدوث درگیری ها و عمده شدن مسائل اجتماعی است. که با مهیا شدن شرایط عینی و ذهنی، به مرحله ی انفجار رسیده و تولد تغییر و تحولات نوین را به دنبال می آورد. رشد تضادها در درون جامعه و لاینحل ماندن مسائل اجتماعی، نتایجی بیار می آورد که گاه منجر به پرداخت هزینه ای سنگین خواهد شد. تضادی که با فدا کردن با ارزش ترین نیروها، محور کلیه مسائل اجتماعی و تضادهای موجود در سطح منطقه و زمینه ساز پیامدهای مهم اجتماعی است.

معیار درک نگرش هایی که بر مبنای تضاد ساختاری و توجه به بنیان و اساس آن پرداخته می شود از اساسی ترین موضوعات مورد بررسی جوامع مورد نظر به شمار می رود. جوامعی که نیاز به تبیین و برنامه ریزی دقیق داشته و بخصوص با پدیده سنت و مدرنیته درگیر باشد. در چنین جوامعی، مشکلات بیشتری خود نمایی می کنند. زیرا در حین مرحله ی انتقال و روند تکامل ناگزیر به دگرگونی بنیانی و زیر و رو شدن اساسی و کار ساز است.

معیارهای نوین مبتنی بر واقعیت های مسائل اجتماعی است که از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده، آنها را ارزیابی نموده – اصلاح کرده و تکمیل می نماید. مسائل اجتماعی جامعه، پدیده های اجتماعی، دیدگاه توافقی بر وجهی از پدیده های اجتماعی

منطقه (ملت عرب) و نادیده گرفتن وجه دیگر آنها تاکید نموده، و این گونه برخورد با مسائل نه تنها عاری از نقد و بررسی است، بلکه در طیف برخوردهای سیاسی - عقیدتی خلاصه گردیده است.

نیرویی که بر حفظ وضع موجود (پوزیتیویستی) و تاکید بر نسبت های اجتماعی اصرار ورزیده، بدون ارزیابی علمی و دقیق از روند تغییرات به مقابله با جنبه های اجتماعی - فرهنگی می پردازد و جامعه را در برابر ریسک انشقاق و چند دستگی قرار می دهد. همین شکاف در ابعاد دیگر اجتماعی نیز دیده می شود. از این روی ضروری است بدور از نگاه های قطبی و تعارضی نسبت به یکدیگر، به دیدگاه توافقی به تحلیل تلفیقی بر اساس تقارب و همسویی با تحولات ملت عرب و ارزیابی معیارهای اجتماعی - فرهنگی جامعه و تحلیل های مبتنی بر مطالعات و تحقیقات علمی از طرفی و درک و شناخت فرهنگ خویش از سوی دیگر زمینه مناسبی برای پایداری و استمرار و حفظ و تقویت بنیه دفاعی مان در برابر پدیده ها و عوامل اجتماعی که نقاط انفصال و انقطاع را تقویت نموده پرهیز و ابتعاد نماییم. ضمن آنکه به طور همزمان بر شناخت و ارزیابی دقیق آنها تاکید ورزیده و استراتژی خاصی اتخاذ کرد تا امکان استفاده از نتایج تحقیقات را عملی و میسر و اقدامات عملی تعامل و تقارب با یکدیگر را فراهم آورد. نیرویی که در جهت یکپارچگی اجتماعی گام برمی دارد قادرست گروه های اجتماعی مقتدر و بالفعل در سطح جامعه را خلق و روند رو به رشدی که در جهت بهبود اوضاع و شرایط موجود و گسترش زمینه های لازم را فراهم آورد.

معضلات جامعه ما پیچیده تر از آنست که نیرویی به تنهایی از عهده آنها بر آید. تحقق آمال به سهولت میسر نگشته و تنها در

گرو تقارب - گسترش و تقویت تعامل نیروها با یکدیگرست که عمیق ترین امیدها را نوید می دهد. در حقیقت بدلیل ضعف بنیان های سیاسی - تشکیلاتی و عدم ارزیابی علمی مسائل اجتماعی منطقه بطور اخص بی آنکه تناسبی میان عوامل فوق در راستای خط مشی واحد و مشترک صورت گیرد، کاری از پیش نخواهیم برد. پدیده ای که نشان دهنده دیدگاه و برخورد سنتی به مسائل و زوایای اجتماعی - فرهنگی آنهاست و متأسفانه فرهنگ سیاسی شرق خود را از آن بی نیاز دانسته و می داند. عامل بالقوه ای که در چنین جوامعی بخشی از فرهنگ روزمره آنهاست و بدلیل مختلف و گوناگون اسیر سنت های حاکم بر ساختار جامعه و فرهنگ آنهاست. ارزیابی تحولات، حوادث و تغییراتی که حاصل و اتفاق افتاده و مشمول قضاوت و پرسش های اساسی است، می بایست با دقت شناخته، مطرح و پیگیری شوند. در حد امکان تکیه و استناد به مسائل و راهکارهای علمی و میزان مؤثر بودن و تاثیر تلاش نیروها با توجه به اهدافشان در حد مطلوب و ارزیابی تکوینی بر مبنای تشخیص نقاط قوت و ضعف و ارزیابی دقیق واکنش های اجتماعی - فرهنگی لازم و حیاتی است. با توجه به اهمیت قضایا تحقق عینی و واقعی اهداف مورد نظر باید در اولویت برنامه نیروهای متعهد و مسئول ملت عرب قرار گیرد. و اهمیت آنها و اولویت طرح چنین مسائلی زمانی است که بدانیم در جوامع دیگر جغرافیای سیاسی ایران، از نتایج ایجابی و راه حل های سودمندی برخوردار بوده و خواهد بود. توجه به عوامل اجتماعی - فرهنگی در این جوامع کمک شایان توجهی به حل مسائل خواهد نمود.

پس در حقیقت تکمیل و تلفیق این دو عامل از اصلی ترین اولویت های نیروهای انتفاضه است. با چنین برداشت و دیدگاهی

استفاده از تجارب فوق و اجتناب از خطاها اهمیت افزونتری یافته و نگرش معنا داری را نسبت به عوامل اجتماعی و فرهنگ جامعه می آفریند. یعنی نشان خواهد داد که تلفیق ابعاد اجتماعی - فرهنگی از چه اهمیتی برخوردار بوده و چگونه این دو یکدیگر را تکمیل نموده و بشکل اجتناب ناپذیر توجه به ابعاد این دو ضروری می باشد.

تحولات اجتماعی سیاسی در پی کسب قدرت سیاسی و تحقق آرمان تاریخی - اجتماعی ملت عرب و استمرار تحولات در دوران حاکمیت ج. ا. ا. در وسعت جغرافیای منطقه با استناد به تجربه تاریخی نضال و بهره گرفتن از آنها و گشودن فضای اجتماعی - سیاسی جامعه که بسهم خود پذیرای تحول نوین و بیانگر باورهای تاریخی خویش بمثابه گنجینه ارزشمندی که تاریخ، گذشته اش را ترسیم می نماید. تاریخی که بر گرفته از تحولات اجتماعی عمدتاً سنتی و در چارچوب بافت و ساختار کنونی آن می باشد. وجه تمایز این دو تغییرات شکل گرفته در ذهنیت و مناسبات کنونی جامعه ماست. ذهنیتی که در چارچوب نظام بسته و محدود در پی تغییر اوضاع بوده و نسل جدیدی که در پی کسب هویت و قدرت سیاسی است. این نسل، تاریخ را به داوری خوانده و در جستجوی آماده ساختن ذهن جامعه در جهت پذیرش حقایق تاریخی است! نسلی که با همه ی توان و نیرو، در پی ایجاد تحول و دگرگونی بنیادین در ساختارهای روبنایی جامعه (سیاسی - اجتماعی) و در پی درمان ریشه ای مشکلات و معضلاتیست که همه و همه ریشه در تاریخ دارند.

نسلی که آماده پذیرش تغییرات در جهت تحکیم موقعیت خویش و توسل به ابزارها و راهکارهای صحیح در جهت وصول و دسترسی به اهداف حق طلبانه و انسانی خویش است. نسلی که به خوبی درک نموده و به صورت عینی دریافته که سیطره و

استقرار و استمرار انتفاضه مستلزم شناخت جامع از اوضاع کنونی جهان و منطقه و بهره برداری از چنین شناختی در راستای تحقق اهداف و رسالت تاریخی - سیاسی ملت عرب است.

تأثیر گذاری پدیده های اجتماعی و تداوم سیاست های فاشیستی در مواجهه با تحولات و خواسته های قشرهای جامعه نشان از شرایط حاکم بر جامعه و تعارض منافع و تنازعات ناشی از آن گویای واقعیتی است که خلاء موجود و فقدان نیروهای سیاسی متشکل و منسجم در سطح جامعه، شرایط دلخواه حاکمیت را فراهم نموده است. اگر چه درمان و بر طرف نمودن آسیب های اجتماعی به راحتی و بدون درد زایمان تحقق پذیر نیستند، اما حرکت و تحولی را در بستر اجتماعی بوجود خواهند آورد که در بلند مدت به ارتقاء سطح آگاهی های اجتماعی - فرهنگی ملت عرب در ابعاد مختلف منتهی خواهد شد.

ملت عرب، به دلایل تفاوت های فرهنگی - ساختاری با زبان و فرهنگ حاکمیت تبهکار و بدلیل شکاف عمیق و تفاوت دیدگاه یا عدم آشنایی با سیاست ها و دیدگاه های عوامفربانانه و راهزنانه ی دولتمردان جمهوری اسلامی که روز به روز بیشتر به بحران اجتماعی، سیاسی، فرهنگی کشور و منطقه دامن می زنند، ناچار به جستجو و یافتن راه چاره و درمانی اساسی است!

ضرورت تحولات اجتماعی - تاریخی بر اساس دگرگونی ها و تغییراتی است که تنها مبتنی بر نفی یا قبول صورت نمی گیرد یا تحقق نمی یابد، بلکه پدیده های جدید با پدیده های قدیمی بهم پیوسته و جامعه با آن در هم آمیخته و با آن تطبیق پیدا می کند. چنین پیوند و در آمیختگی اجباری و به دور از اراده و خواست ما، حاصل پیوند ویژگی های این دو ساختار (سنتی - تجدد)

بشمار می رود و بگونه ای بنیانی و عمیق با یکدیگر پیوند خورده اند. این امر گویای اهمیت فراوان آنهاست.

برخورد سیاسی در سیر تحولات مسائل اجتماعی، فرهنگی منطقه نتوانست به شناخت دقیق پدیده ها و تحلیل و ارائه راه حلی منطقی به اینگونه مسائل منتهی گردد. در نتیجه می بایست در این راستا اهتمام ورزیده و به چنین معضلی که به عنوان یکی از نشانه های بحران در جامعه شناسی منطقه مطرح می شود، پایان داد. واضح و روشن است که محدودیت های اجتماعی - فرهنگی ملت عرب در چارچوب خطوط احمر در سطح منطقه مبدل شده است. با استناد به تجربیات سه دهه گذشته، می توان به جرأت ادعا نمود که تحقیقات و پرسش نامه های جامعه شناسانه، هیچ گونه تحلیل و تئوری سازنده و کار سازی در ارتباط با منطقه و آینده ی ملت عرب طرح و ارائه ننموده است. جامعه ای که بر تلمبازی از مسائل و معضلات ساختاری، آن هم بدلیل اهداف مخرب و ویرانگرانه ی استراتژیکی شوونیسم شیعه و سیاست های خائنه و هدفمندانه ی دولتمردان بنا گردیده است.

از این رو با توجه به اهم چالش ها و تنش های مطرح جامعه، نقش و جایگاه ساختار اجتماعی، فرهنگی منطقه در گرو اهدافی است که در طول دهه های گذشته و تا کنون ادامه داشته است. هر چند که شکل - شیوه و شدت آنها متغییر بوده و جوهره ی اهداف شان در مقابله و رویارویی با سیاست های استراتژیک جمهوری اسلامی و دولتمردان و سیاست گذارانش خلاصه گردیده است. واقعیت تلخ در اینجا است که با دنبال نمودن چنین اهدافی، یعنی موضعگیری های مقطعی و پاسخ دادن به سیاست های روز حکومت و دولتمردان، نه تنها علوم اجتماعی و جامعه شناسی رشد نخواهند کرد، بلکه مشکلات و معضلات اجتماعی

نیز لاینحل خواهند ماند! زیرا استمرار انتفاضه و پایداری و مقاومت، پیگیری مداوم، پافشاری بر خواسته هاست که رژیم ضد مردمی و سیستم ضد بشری را به عقب نشینی وامیدارد!

تا آنجا که به جامعه ی عرب بر می گردد، چالش اصلی میان دو نسل یا دو طیف محصول سهل انگاری و عدم توجه و دلسوزی های دهه هایی است که نخبگان جامعه ی ما، بویژه روشنفکران و اندیشه ورزان عرب، از طرح و دقت به این مسئله بشکلی و بنا به دلایلی آنها را مدفون و نسل کنونی را از دریافت شان محروم نموده اند.

با توجه به معیار طرح و توسعه نظریه ها در عرصه جامعه، نقد مسائل اجتماعی - فرهنگی متأثر از فضای موجود و ذهنیت نسل جدید است. رشد و تنوع کیفیت تحولات و مسائل جامعه در هر دو طیف وجهه متمایزی است که از نظر کیفیت و تنوع آرا و اندیشه های جامعه مطرح گردیده است. در راستای تلاش هایی که درین راستا شکل گرفته، دیدگاهی که سعی نموده رهایی از شرایط حاکم و کنونی را امری دور از واقع و دست نیافتنی نشان داده و قلمداد نماید و با توسل به ترفندهای محافظه کارانه یا سهل انگارانه ی خویش سهمی در پیشبرد اختناق، سرکوب و ... حتی تقویت بنیه دفاعی فاشیسم حاکم ج. ا. نصیب خود نماید. با این حال شناخت مبانی و پایه های چنین اندیشه هایی، در جهت بر داشتن موانع و مشکلاتی که این نوع تفکرات و اندیشه ها در برابر تحولات و رشد پدیده های مترقیانه و مبارزات حق طلبانه ی ملت های جغرافیای سیاسی ایران و ملت عرب ایجاد نموده اند، یاری رسان و سازنده خواهد بود.

با تکیه بر اندیشه هایی نوینی که در برابر ساختار متمرکز و توسعه گرای رژیم جمهوری اسلامی و دیدگاه شوونیستی شیعه، با استناد به تجارب و دیدگاه ها و نقطه نظرات گذشته و متحول

نمودن آنها بمنظور همخوانی با شرایط و اوضاع کنونی از اولویت خاصی برخوردارند. یعنی همه ی دیدگاه ها و نقطه نظرانی که در مراحل مختلف انتفاضه مطرح گردیده و در شرایطی نفی آنها به عنوان یک ضرورت تاکتیکی احساس شده است. رجعت و پایبندی نسبت به چنین دیدگاهی نشانه ی بارز نفوذ عمده و ویژگی های آشکاری است که نسبت به آداب، رسوم و سنت ها در میان ملت عرب همچنان پا بر جا مانده و قائل است تا نقش تعیین کننده ای در سرنوشت انتفاضه ی ملت عرب داشته است.

هر چند که گاه و بیگاه با فراز و نشیب هایی همراه بوده، اما نوید صبح گاهان را بشارت داده است.

تأثیر سیاسی و پیامدهای آن که بر دیگر عوامل پیشی گرفته، بیانگر بستر تاریخی خاصی است. بحران های عمیق و آشکار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطقه در پرتو سیاست های ضد بشری رژیم های دست نشانده و فاسد طهران بروز نموده و همه ی خرابی ها و ویرانگری های منطقه و وضعیت نابسامان ملت عرب، نتیجه و بازده چنین سیاست ها بوده و هست.

گسترش و نفوذ و سیطره فرهنگ منحط و سیاست های تبهکارانه ی دولت مرکزی بر اوضاع منطقه، نتیجه پراکندگی و وجود نامنظمی در بین گروه و دسته های وطن پرست و آزادی خواه است. مسئله مهم و حیاتی ای که فقدان تشکل و انسجام و برنامه ریزی منظم و تاکتیک معین را هر چه ملموستر و آشکار نموده و در جهت تثبیت و تسلط هر چه بیشتر رژیم و حفظ و نگهداری اوضاع کنونی نقش سیر می نماید. خلایی که به واقعیت تبدیل گشته، ولی به معنای فروپاشی و اخماد انتفاضه بشمار نرفته بلکه زمینه ی تغییر شکل و دگرگونی شیوه ی

مبارزه‌ی سردمداران رژیم و دولتمردان خائن و بی‌حمیت را فراهم نموده است.

به چالش کشاندن نیروهای مستبد، ضد مردمی و افکار و اندیشه‌های واپسگرایانه و صد در صد ضد مردمی و شیطانیشان، لازمه‌ی خروج از بحران کنونی و جو حاکم بر منطقه است. امری که بدون چون و چرا به ارزیابی دقیق و منطقی و نیروهای تحول طلب و مترقی ارتباط و بستگی دارد. در واقع مهمترین مرحله درک تئوری و تطبیق آن با پراتیک در مسیر تحولات اجتماعی است. عامل مهم در این مرحله ضرورت وجود تئوریست که اساس و پایه تحولات بنیادین در جامعه را تشکیل می‌دهد. واقعیت آنست که هدف از اتخاذ سیاستی اصولی با در نظر گرفتن ماهیت سیاسی رژیم و دیگر نیروهای اجتماعی و تطبیق پیامدها و پدیده‌های اجتماعی با ابعاد عینی و ذهنی جامعه، جلوگیری از هرز رفتن قدرت و توان نیروها و ممانعت در راه انحرافشان از روند و پروسه‌ی مبارزه است! یعنی همان هدف نامیمون و مخربی که رژیم طهران و دولتمردان منفعت طلب و غارتگر دنبال و پیگیری می‌کنند.

سیاست‌های ضد عربی و شوونیستی دولت‌های حاکم بر طهران، در تمام سال‌های پس از انقلاب مشروطیت تا کنون سبب گردیده تا منطقه با همه امکانات و درآمدهای سرشاری که به خزانه دولت مرکزی می‌ریزد، به یکی از محرومترین و فقیرترین مناطق کشور مبدل گردد!

رژیم آپارتید، توهین و تحقیر جمهوری اسلامی، با همه‌ی ادعاها و تبلیغات عوامفریبانه و رذیلانه‌ی سردمداران شوونیست و تبهکارش علیه خاندان‌های سلطنتی قاجار و پهلوی، و داد سخن‌ها در باره‌ی منابع نفتی خوزستان و روضه خوانی‌ها در باره محرومیت شهروندان این سازمان، بویژه ملت عرب،

نه تنها ظرف سی سال حکومت ننگین و ضد بشری خود کوچکترین گامی در راستای بهبود وضعیت منطقه بر نداشت، بلکه روز به روز بر معضلات اجتماعی و فقر و بیچارگی ملت عرب نیز افزود!

پدیده‌های نامطلوب، نکبت و بدبختی، فلاکت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ای که شوونیسم شیعه ظرف سه دهه ی گذاشته و زیر سایه ی سرکوب، ارباب، خفقان، شکنجه و اعدام در منطقه بر جای گذاشته، علاوه بر آنکه خسارات سنگین و جبران ناپذیری را باعث گردیده، در تاریخ ملت عرب نیز بی سابقه بوده است.

درک عمیق از گذشته و مطالعه ی ژرف معیارهای تعیین کننده ثوابت وطن، یکی از شاخص ها و زمینه های تحقق بخشیدن به تغییرات ساختاری و ایجاد تحولات برگشت ناپذیر در عرصه های گوناگون اجتماعی است! زیرا چنین درک و شناختی سبب می شود تا بتوانیم راه آینده را هموار و با اتخاذ راهکارهای مناسب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و بهره گیری منطقی و معقول، از دانسته ها و تجربه هایمان در بسط و گسترش پایدار مناسبات، اتحاد و همدلی نیروها، وحدت عمل مشترک، و خط مشی مشترک نیروهای درگیر، با رعایت موازین دیدگاهی و تئوریک نیروهای مطرح منطقه بکوشیم. و پس از تدارکی چنین، راه حل مناسبی برای رفع و ریشه کن نمودن معضلات سیاسی - اجتماعی پیدا کنیم.

عدم درک عمیق از گذشته، نا آشنایی با سیاست ها و برنامه ریزی های تاکتیکی و استراتژیکی دشمن و بی خبری از اهداف و خواسته های نیروهای درگیر در منطقه، در هر شرایط و برهه ای از زمان، مانعی در برابر تحولات اجتماعی - سیاسی و گام برداشتن به جلو بوده و خواهد بود.

رشد محسوس و ملموس نیروها در ساحه ی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بر کل منطقه ناآثیر گذار خواهد بود. به نحوی که در کوتاه مدت تاثیرات عینی و واقعی آنرا درک و فهم خواهیم نمود. درک مسائل و تحقیقات اجتماعی قادرند نقش عمده ای در شناخت تغییرات و دساوردهای حاصله از انتفاضه های اول و دوم (محمره - نیسان) و وقایع پیش و بعد از آن را بشکل علمی ارائه نمایند. ابزار و راهکار مناسب تحقیق در بطن جامعه و تحولات انتفاضه نهفته است. قدر مسلم نیروهایی که در بطن تحولات رشد و نمو نموده و شاهد و ناظر تحولات و مسائل پیش و بعد از انتفاضه ملت عرب بوده اند، به لحاظ طرح، بررسی و روشن نمودن نقاط ضعف و قوت تحولات وظیفه و رسالت مهمی بر عهده دارند (پژوهش - تحقیق - اسناد و مدارک).

بکار گرفتن ابزار و طرق علمی جهت پژوهش، تحقیق و بررسی اسناد و مدارک برجای مانده از انتفاضه های محمره و نیسان، رکن اساسی و یگانه شیوه ی عینی کسب نتایج دقیق و مورد اعتمادیست که می تواند در اختیار آیندگان قرار گیرد.

انتقال آموخته های نیروهای دست اندر کار تحقیق با بکار بستن روش های علمی و ابزارهای دقیق کارشناسی قادر است معضلات اجتماعی را مورد ارزیابی - تجزیه و تحلیل و بررسی قرار دهد.

بدور از استناد و بهره گیری از تجربه های بر جای مانده، استناد و مدارک بر جای مانده، سیاست ها و تاکتیک های بکار گرفته از سوی حکومت ها و دولت های قبل و بعد از وقایع بهمن ماه هزار و سیصد و پنجاه و هفت شمسی، برخورد و چالش ایدئولوژی شوونیستی شیعه با ملت عرب در همه ی زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مطالعه ی دقیق و علمی نقاط قوت و ضعف انتفاضه های محمره و نیسان نمی توان به

پیچیدگی مسائل اجتماعی ملت عرب و نیازهای حیاتی اش به عنوان ملتی زنده، دلبسته ی زندگی و خواهان آرامش و ترقی و پیشرفت پی برد!

بدون آگاهی و شناخت دقیق جامعه و اطلاع از تغییر و تحولات حاصله از انتفاضه که جزو لاینفک زندگی ملت عرب و مسائل عمده و حیاتی منطقه در چهارچوب های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی بوده، راه به جایی نخواهیم برد! اگر افراد و پروه هایی بر این باورند که بدون شناخت دقیق و آگاهی از گذشته و حال، می توان ره به جایی برد، سخت در اشتباهند و با کمال تاسف باید گفت که کاری جز تکرار گذشته از پیش نخواهند برد و در نهایت چاره ای جز تسلیم و تن دادن به سیاست های تبهکارانه و ویرانگرانه ی شوونیست های ضد بشری ندارند!

طرح دیدگاه ها و نظرات سطحی صرفا بمثابه رفع مسئولیت مبتنی بر کج فهمی و دگرگونه جلوه دادن قضایا و امور منطقه است. عملی که عبث و بیهوده بودنش از قبل معلوم و مشخص بوده و نتیجه ای جز وادار نمودن ملت عرب به پرداخت هزینه های سنگین مادی و معنوی در راه هیچ و پوچ ندارد.

یگانه راه نجات و رستگاری، بهره برداری و استفاده ی دقیق و علمی از ابزار و وسائل سنجیده، بررسی گذشته، مطالعه و مورد غور قرار دادن کلیه اسناد و مدارکی است که اهداف تاکتیکی و استراتژی شوونیستی و تبهکارانه ی جمهوری اسلامی و دولتمردان بی حمیت و خائنش را روشن می کند و از همه مهمتر، شناخت موانع و مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی عدیده ایست که منطقه و ملت عرب را در چنبره ی جهنمی سرمایه داری اسیر نموده است. این امر تضمین کننده ی آینده و یگانه راه عینیت بخشیدن به خواسته های به حق و انسانی ملت عرب است.

میزان و درجه ی قبول و نفی پدیده های اجتماعی در ارزیابی ها، بیانگر سنجش، دقت بر جنبه های مطالعاتی و هدف بررسی و مورد انتقاد قرار دادن آنهاست.

شفافیت، صداقت و یک رنگ بودن در هر زمینه ای، و از جانب هرکسی، بویژه از جانب رهبران و هدایتگران جامعه، رکن اصلی قناعت و مقبولیت در پیشگاه مردم خواهد بود. و ملت عرب نیز از این قاعده ی کلی و عام مستثنی و جدا نبوده و نخواهد بود.

داشتن و پیروی از روش دید منتقدانه در ارزیابی های اجتماعی و قضایا و معضلات موجود در جامعه، جزء لاینفک شیوه ی کار هر محقق بر اساس داده های علمی جامعه و ارزیابی دقیق و شمرده آنهاست. تضاد جامعه بویژه جامعه ی عرب، با سیاست های تحمیلی، عوامل و مجریان آن، بخشی از پیکره تحقیق و ارزیابی امور منطقه است. اهمیت نتایج و بازده تحقیقات و بررسی اسناد و مدارک، در مرحله نخست به صداقت و شفافیت کار محقق و در مراحل بعد به نتایج بهره گیری از آنها و کار آمدیشان در راه معالجه امور و معضلاتیست که دامنگیر جامعه شده است.

عمده ترین مسئله در مورد وضعیت موجود، بررسی و تدقیق مسائل و معضلاتیست که بصورت عواملی بازدارنده در ابعاد و جنبه های مختلفی قد بر افراشته و زندگی ملت های جغرافیای ایران و ملت عرب را به جهنمی واقعی مبدل نموده است.

وضعیت موجود جامعه، با توجه با ادامه ی سیاست سرکوب و شکنجه و اختناق حاکمیت و عدم توانایی رهبران در هدایت گروه ها و بیان دقیق خواسته هایشان از نظر کمی و کیفی و با توجه و استناد به اسناد و مدارک موجود و مجموعه ی گزارش ها و ارزیابی های رسانه های گروهی داخلی و خارجی از اوضاع

نابسامان و انفجار آمیز کشور، بسیار حساس و قابل توجه است. با درک و شکافتن ضعف های ساختاری مبارزه، مصلحت اندیشی و بعضا سیاست های فرصت طلبانه و مماشات جویانه ی رهبران که خواهان حفظ کلیت نظام در مجموع و محفوظ نگاه داشتن مقام معظم ولایت فقیه و ولی فقیه اند، بیش از پیش می توان پی به اهمیت موضوع و وضعیت سیاسی - اجتماعی جامعه و آینده ی مبارزه برد!

شناخت دقیق ذهنیت کنونی جامعه، با توجه به آمادگی عینی آن جهت تحول و دگرگونی های عمیق سیاسی - اجتماعی و ویژگی های متنوع درونی آن که گاه بر خلاف خواست و اندیشه ی رهبران جنبش سبز بسوی رادیکالیسم و انقلابیگری جهت گیری می نماید، صحت تئوری های انقلابی و لزوم تقویت و رشد شیوه ها و عواملی که در راستای حفظ ثوابت وطن و حقوق حقه ی مردم را بسط و گسترش می دهد.

پروسه و روند طولانی سرکوب، خفقان، شکنجه، کشتار و تبهکاری سه دهه ی گذشته و اصرار بر ادامه ی این سیاست از سوی رهبران تبهکار و جنایت پیشه ی جمهوری اسلامی و دولتمردان منفعت طلب خادم سرمایه داری، بستر مناسبی فراهم آورده تا در مقطع خاص کنونی، نیروهای مترقی و تحول طلب با انگیزه هایی قوی و محتوا دار پای به میدان گذارند و به اعتراض برخیزند! واقعیت های عینی نشان ی دهند که این نیروی خروشان و آزادیخواه تا حدودی حضور قدرتمند و مبارزه جویانه ی خود را در سطح جامعه تثبیت و مسائل و مشکلات خاص خود را تا حدودی مطرح نموده است.

امری کاملا ضروری و با اهمیت که می تواند با توجه به شرایط خاص اجتماعی منطقه، تحولات ذهنی و سیاسی شگفتی در کل منطقه ی آسیای میانه و خاورمیانه خلق و به انسجام و یک

پارچگی نیروهای مترقی و تحول طلبی که قرن ها از ستم و استثمار و استعمار بیگانگان و مرتجعین منطقوی رنج برده و نالیده اند یاری برسانند.

با توجه و در کنار هم قرار دادن همه ی آنچه گفته شد، در می یابیم که ارزیابی، بررسی، تدوین اسناد و مدارک موجود و بهره برداری دقیق و صحیح از آنها جزء لازم و پایه ای مبارزه و از عوامل و ابزارهای اجتماعی - استراتژیکی آن بشمار رفته و باعث تقویت ریشه های تکوینی آن و مددکار شکل دهی و جهت گیریها و مهیا نمودن زمینه های موفقیت و حفظ دستاوردهای آن خواهد بود.

از یاد نبریم که در دهه ها و حتی سده های گذشته، کاستی ها و مشکلات عدیده ای از جمله مسائل اجتماعی - فرهنگی دامنگیر ملت های جغرافیای سیاسی ایران و ملت عرب بوده است.

مسائل اجتماعی - فرهنگی، محور بازتاب و انعکاس و تاثیر هر پدیده ای در نهادها و عوامل اجتماعی بوده و خود عامل مؤثر و مساعد و رو به رشد تغییرات سیاسی در هر جامعه ای است. پدیده هایی که سر منشاء جدل و تغییر و تحول، تنش و چالش های جوامع مختلف در دوره های مختلف تاریخی بوده و در شمار اهرم های ساختاری (نیروهای ساختاری) تغییر دهنده ماهیت پدیده ها و قدرت محسوب می شوند.

عدم شناخت عینی پدیده های اجتماعی، عدم درک برخورد های تحمیلی، مصلحت طلبی در مقابل سیاست های تبهکارانه و ویرانگرانه ی دولت ها، کوتاه آمدن در مقابل انعطاف ناپذیری حکومت ها در برخورد با مردم، اجازه ی کاربرد اهرم های فشار و سرکوب، ضعف پیگیری نیروهای مبارز و حق طلب، عدم برخورد و رویارویی واقعبینانه با حقایق تلخ و ناگوار، تحمل و بردباری در برابر سیطره و تسلط فضای ارباب، عدم

پذیرش و تحمل آراء دیگران، خلاء و عدم توانایی جهت گیری های فرهنگی - سیاسی، برخورد قالبی با پدیده های تاریخی-سیاسی، عدم درک و شناخت مدعیان دوستی و پشتیبانی مردم، ضعف عینیت در بررسی، ارزیابی و تفسیر و تحلیل های علمی، بخصوص در عرصه های اجتماعی - فرهنگی، در درازنای تاریخ و تا لحظه ی کنونی، ضربات جبران ناپذیری، چه از نظر مادی و چه معنوی بر کل کشور و منطقه وارد آورده است.

بر ملت عرب است که قابلیت ها و توانایی های بالقوه و بالفعل خود را شناسایی نماید. به تجزیه و تحلیل نقاط ضعف و قوت خود به پردازد. به جبران ضعف در زمینه های تاریخی و عدم توانایی های علمی و عملی دست یازد. ضرورت درک پتانسیل و ظرفیت های جامعه را با تمامی وجود درک نماید. سپس با بهره برداری و استفاده ی دقیق و عمی از کلیه عوامل فوق، در راستای تحقق اهداف آزادیخواهانه و حق طلبانه خود گام بردارد.

توانایی تحلیل مسائل پیچیده ی جامعه، دستیابی و یافتن راه های چاره جویی، جهت گیری دقیق و کارشناسانه نسبت به مسائل منطقه، در نظر داشتن و توجه به تمامی زوایا و گوشه و کنارهای لازم، شناخت تاکتیک و استراتژی دشمن، همه و همه در شمار وظایف هر محقق قرار داشته و دارد.

درک دقیق معضلات جامع و شناخت و پیش بینی آسیب های بر خاسته از آن، به هر محقق و تحلیل گری یاری می رساند تا طرق مناسب و درمانگری جهت دفع و ریشه کن نمودن معضلات بیابد و بدون ترس و وا همه آنها را بکار بندد.

ریشه های مطلوب تحقیق و بررسی هر جامعه ای را می بایست در روند تغییر و تکامل ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی آن و جهت گیری آنها یافت. در جامعه ای مبتنی بر مسائل ریشه دار و عمیق، تبیین تناقضاتی که در سطح

جامعه و مناسبات اجتماعی بشکل گسترده ای وسعت یافته، بر دشواری کار افزوده می شود! در ارتباط با منطقه و ملت عرب، می بایست جهت گیری های اجتماعی - سیاسی را بر مبنای معیارها و ویژگی های منطقه و در ارتباط با سیاست ها و اهداف دولت مرکزی در نظر گرفت. مطلوب ترین و مناسب ترین گزینه ها را انتخاب نمود و تحت ضوابط معین و مشخص آنها را ارزیابی کرد. مطمئنا عاملی که به واقعیت عینی جامعه تقارب و نزدیکی بیشتری داشته مشروعیت اجتماعی خود را بروز خواهد داد. برای مثال: خطوط کلی تکوین انتفاضه نیسان چهره واقعی تاریخ نوین ملت عرب را ترسیم نمود و تحولات اجتماعی نشأت گرفته از آن موجب طلوع جنبش فکری ساختارگرایی در منطقه گردید. بشارتی که نوید دهنده تفکیک و متمایز نمودن پروسه های اجتماعی از یکدیگر و جایگاه آنها در روند تکوین و تحولات شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه شکل می گیرد.

چنین تفکری، حقانیت و واقعی بودن خود را در ذهنیت پیامدهای انتفاضه و نتایج ایجابی اش می بیند. و می رود تا مرزهای خطوط فکری اش را بر پیشانی جامعه حک و ترسیم نماید. واقعیت و خطوط فکری مترقیانه ای که در پی عینیت بخشیدن به درمان و معالجه ی آلام و جرح های دهه های گذشته است. به همین خاطر در تداوم پراتیک اجتماعی، چشم انداز آینده و الگوی فکری خود را به منزله تحلیل واقعیات گذشته تاریخی - سیاسی ملت عرب مشخص می کند.

شیوه های تفکر بیمارگونه، نارسا و بدون مطالعه و بررسی مصائبی بدنبال داشته که ریشه در انشقاق تحمیلی نیروهای جامعه داشته است. برنامه ی عمل و تئوری سازنده ای لازم است تا ضمن حفظ دستاوردهای مبارزات و اعتراضات گذشته معضلات موجود و مشکل های مطرح و پیچیده جامعه را با

نگرشی واقع‌بینانه بر طرف و انسجام و یکپارچگی دوباره را متحقق و عملی سازد.

این بمعنای کم‌اهمیت جلوه دادن مسائل نیست، بلکه توجه دادن به این نکته‌ی اساسی و قابل‌تعمق است که هر پدیده‌ای را می‌بایست از مرحله‌ی آغازین و تولد، از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی مورد تجزیه و تحلیل دقیق و علمی قرار داد و همه ابعاد تاریخی‌اش را مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

مطالعه و نگرشی که بتواند دستاوردها و تفاوت‌های منحصر بفرد تحولات انتفاضه‌نیشان را در نگرش‌های مختلف نسبت به وقایع منطقه بر مبنای حقایق و واقعیات جامعه و ساختار اجتماعی در نظر گرفته و انعکاس داده تا انسجام صفوف را سبب ساز گردد. برای تبیین و تطبیق تئوری با پراتیک، حضور مداوم در بطن جامعه و درک روحيات (معنویات) واقعیات اجتماعی بر اساس تضادهای جامعه ضرورت کامل دارد.

با چنین حضور مستمر و دائمی و تنها بدین طریق می‌توان محرک‌ها و پدیده‌های حقیقی تغییر و نیروهایی که در شکل‌گیری مبارزه و استمرار آن می‌توانند شرکت فعال و مستمر داشته باشند شناسایی و همراهی نمود. محتویات هر پدیده، حرکت و جنبشی، معلول انگیزه‌های مختلفی است که در سطح جامعه در پی خلق موقعیت تاریخی است.

تحلیل ساختاری جنبه‌های سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی باعث تقویت و رشد قدرت فکری ملت‌ها در انتخاب راه آینده و تفوق آنان بر مشکلات و معضلات اجتماعی خواهد شد. تاثیرات ایجابی و قدرت مبتنی بر عوامل فوق در پیشبرد و استمرار پدیده‌هایی که تعیین‌کننده ریشه‌های تحول و تغییرات بنیادی واقعی هر جامعه‌ای هستند یاری‌رسان خواهد بود. جنبش‌های اجتماعی بدون درک عمیق و شناخت گذشته از

سویی و عدم توجه به تجربیات آزموده شده ی پیشینیان که عامل اصلی مقاومت آگاهانه و دوری جستن از اشتباهات فاحش از سوی دیگر خواهد بود، موفقیت چندانی بدست نیاورده و مجبور به پرداخت تاوان سنگینی شده و خواهند شد. چالش ها و اهداف مشترک ملت ها در ارتباط متقابل با یکدیگر قرار گرفته و در برگزیده اقشار وسیع و گوناگون جامعه خواهد بود. محرک های اصلی تحولات اجتماعی و تفاوت های مهم نضال در شیوه های برخورد با معضلات اجتماعی، گرایشات و خصلت های ضد ساختاری جنبش های اجتماعی و اتخاذ استراتژی های مختلف بر اساس ضرورت انتفاضه و موقعیت و تاکتیکی مشخص بر مبنای موقعیت واقعی های جامعه و شرایط حاکم بر اوضاع نهفته است.

هر جامعه مفروضی، محل تقابل و رویارویی نیروهای اجتماعی و حکومت و دولتمردانی است که سرنوشت کشور و ملت یا ملت ها را در دست داشته و سیطره ی خود را بر مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی گسترانیده اند. این تقابل و رویارویی به نسبت رفتار و کردار رهبران حکومت و دولتمردان و شیوه برخوردشان با شهروندان، تغییر یافته و چهره های گوناگونی به خود می گیرد! هر واقعیت یا پدیده اجتماعی که در بطن جامعه رشد و نمو نموده و سپس متولد می گردد دارای دو جنبه اجتماعی (عینی) و انسانی (ذهنی) می باشد. جنبه اجتماعی یا عینی مبتنی بر روابط و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی می باشد. جنبه انسانی یا ذهنی، متعلق به افراد و نیروهای بیست که دارای گرایش ها و خواست هایی مشخصی بوده و هستند. واقعیت اجتماعی دارای ابعاد متفاوت و متعددی است.

جامعه‌شناسی سیستمی در پی ساختن نظریه‌هایی است که در مورد کلیه تمدن‌ها قابل تطبیق باشند و زبان مشترکی را برای چارچوب‌ها مشخص می‌سازد. علوم اجتماعی می‌کوشد قانون‌ها را تدوین کند. بنا بر نظریه راپو پورت Rapo Port ارگانیک‌شناسی زنده دارای مشخصات زیر است:

۱ - هر ارگانیک‌شناسی دارای ساخت است! یعنی از اجزاء مرتبط تشکیل یافته است.

۲ - هر ارگانیک‌شناسی زنده دارای کارکرد یا عملکرد است. چنانچه ارگانیک‌شناسی زنده مادی باشد کارکرد آن متوجه حفظ حالت زیستی است.

۳ - ارگانیک‌شناسی‌ها دائما در حال شدن هستند. ارگانیک‌شناسی‌های زنده بتدریج رشد می‌کنند. تکامل می‌یابند. می‌میرند و متلاشی می‌شوند. ارگانیک‌شناسی‌ها، اعم از موجودات زنده، سیستم‌های حیاتی ملت‌ها، نهادهای اجتماعی و غیره همگی دارای ساخت، کارکرد و تاریخ و یا بودن، رفتار - شدن - هستند!

جدول زیر نظریه ارگانیک‌شناسی سیستم‌ها از راپو پورت Rapo Port

(جامعه‌شناسی سیستمی)

سطح سیستم ارگانیک	ساخت (بودن)	جنبه‌های سیستم (کارکرد یا رفتار)	تحول (شدن)
اجتماع	جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی فرهنگی	جامعه‌شناسی اقتصاد	تاریخ
نهاد	نظریه سازمان‌ها	علوم سیاسی جامعه‌شناسی تنوری شرکت‌ها	تاریخ علوم سیاسی مردم‌شناسی فرهنگی
گروه کوچک	روانشناسی اجتماعی	روانشناسی اجتماعی	-
فرد	آناتومی	روان‌شناسی	روان‌شناسی رشد بیوگرافی
اندام	آناتومی	فیزیولوژی	جنین‌شناسی نظریه تکامل

یاخته	یاخته شناسی	فیزیولوژی یاخته - ای شیمی زیستی
-------	-------------	---------------------------------------

در واقع آنچه واقعیت دارد، تغییر و پویایی است و تصادفی نبوده بلکه هرگونه تحولی در آن سیستم ها نتیجه نیاز سیستم است. از ویژگی های تفکر سیستمی بنا به نیازهای اجتماعی و سیستمی علم و جامعه، وحدت شناسی است. در جامعه شناسی سیستمی اصالت - تطور- تاریخ و تضاد بصورتی یک پارچه بهم پیوند می یابند و با طرد وجوه تفارق پایه های تئوریک آنرا تحکیم می بخشند و بهره گیری از اسلوب ها و روش های تحلیل ساخت (بودن) - کارکرد (رفتار) تصورگرایی و تحلیل اسنادی - تاریخی و روش تطبیقی و غیره است و قانونمندی های عام و خاص حرکت بر پدیده های اجتماعی را کشف می کند و فرآیندهای اجتماع مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. روش تجزیه و ترکیب بمثابة دو شیوه تفکر و شناخت پدیده ها از هم جدایی ناپذیر و مکمل یکدیگرند. تجزیه یک سیستم به عنصر و اجزاء مختلف، همواره باید در ارتباط با هم و بصورت کلیتی یک پارچه مورد بررسی قرار گیرند. تقابل و دیالکتیک ابعاد دوگانه تئوری و پراتیک جهت ایجاد بینش و روش علمی در جامعه شناسی سود جست.

دیالکتیک گرایی	کارکرد گرایی و ساخت گرایی	برخورد سیستمی
توجه به اصل تضاد در روابط و ساخت (بودن) نظام اجتماعی	توجه بر وفاق جمعی در ارزش های اجتماعی	توافق و تضاد در یک پیوستگی باز - تعارض وابستگی متقابل دو روی جامعه
روابط تولیدی تعیین کننده و نوع و تغییر ساخت اجتماعی	وفاق جمعی	سکون و تغییر بعنوان اصل تز - آنتی تز - سنتز
تغییر و تحول رو به کمال و مارپیچ	اصل نو نظام اجتماعی سکون اجتماعی	توافق بر تعادل پویا ناشی از

اصل مبارزه طبقاتی عامل تحركات اجتماعی	اصل کارکردی و نسبتاً ثابت	تز - آنتی تز - سنتز توجه به ضرورت ها و مقتضیات کارکردی در فرآیند تاریخ
توجه به تاریخ بعنوان پیش زمینه حال و بنیان آینده	تعادل نسبتاً پویا برای توصیه تغییرات تدریجی	تحول تدریجی - همراه تحول انقلابی - مسیر پر نوسان
تغییر انقلابی - طرق گذار و دگرگونی اجتماعی	مقتضیات و ضرورت های کارکردی در حال تمایل به انطباق با تغییرات بیرونی	تحلیل طولی و عرضی زمان + مکان و علت
تبیین علمی - تاریخی دیالکتیک پدیده ها در تحلیل	تبیین غایی - کلید تحلیل اجتماعی	نظام اجتماعی متشکل از همبستگی اجزاء و کل
کل نظام اجتماعی بعنوان واحد اصلی بررسی و تبیین	جامعه انسانی بعنوان نظام همبسته و متشکل از اجزاء	واقعیت نظام اجتماعی حکم بر افراد جامعه و نقش فرد در فرایند
جمع گرایی مقدم بر فردگرایی	فرد گرایی مقدم بر جمع گرایی	تلفیق مناسب برابری خواهی یا انگیزه های مشارکت مردمی
اصالت برابری و عدالتخواهی اجتماعی	-	-
علیت در امور اجتماعی چند جانبه است	علیت در جامعه بصورت دو جانبه	روابط متقابل و چند جانبه
رابطه دیالکتیکی زیربنا و روبنای اجتماعی در نظام	نگرش جامع در تحلیل روابط و توجه به اجزاء	امکان وجود چندین نظام تقریباً مجزا در کل نظام
تاکید بر مناسبات تولیدی در ساخت جامعه	تاکید بر روابط میان فردی و جزء نگری یا ساخت های ذهنی	ترکیب مناسب مناسبات اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی - سیاسی

تلفیق عینیت و ذهنیت مرتبطه ایست دیالکتیکی - کمیت و کیفیت و پراتیک - انتزاع و انضمام با جمع مقیاس و استقراء بتوان به تلفیق عوامل فوق پرداخت. هر مساله اجتماعی یا پدیده و واقعیت اجتماعی دارای ابعاد و خصایص ویژه ای است که قادر است از طریق تلفیق مذکور در یک مدل جامعه شناسی سیستمی بصورت بحران روی دهد. به نحوی که هر یک از سیستم ها نتواند کمیت لازمی را که سهم آنها در کل سیستم است تولید کند. برین سبب

چهارگرایش احتمالی بحران وجود دارد و سر منشاء آنها بشمار می روند اقتصادی - سیاسی - اجتماعی - فرهنگی.

در بسیاری از جوامع سنت و تقالید منبعی مهم و قوی در نظام اجتماعی ملت ها ایفاء می نمایند و عاملی در جهت تقویت مناسبات اجتماعی و تمیز جوامع مختلف اجتماعی به لحاظ ویژگی های خاص خود از یکدیگر محسوب می شوند.

در چنین جوامعی، آداب، سنن، دین و مذهب، شهروندان و ملت های مختلف را از دیگر ملت ها و اقشار جامعه تفکیک می نماید و تحولات اجتماعی را تحت تاثیر مناسبات حاکم قرار می دهد. مناسباتی که در پیوندی تنگاتنگ با واقعیات اجتماعی است و بمثابة اهرم فشار و تضاد موجود در سطح جامعه با اهداف متفاوت و میزان کیفیت درک امور و ارزیابی و نقد مسائل اجتماعی فرهنگی برای ترسیم نقش های مهم عوامل رشد دهنده جامعه عمل می کند.

ملت عرب، از مرحله ما قبل انتفاضه های محمره و نیشان به این سوی به دلیل فرهنگ، زبان، آداب، رسوم، دین و مذهب مغایر با آنچه مورد حمایت و پشتیبانی حاکمیت و دولتمردان از سویی و در اختلاف با دیدگاهها و اندیشه های اکثریت شهروندان شیعی از جانب دیگر، با طرح اندیشه ها و نگرش های گوناگونی روبرو و درگیر بوده است. جامعه ای که در عصر سلطنت پهلوی ها و ج. ا. و حتی زمان ها و دوران های پیش از آن، ستم و اجحاف مضاعف را تحمل و امواج سهمگین آپارتاید، توهین، تحقیر و از همه مهمتر شوونیسم ضد بشری شیعی را در نوردیده و پشت سر گذاشته است. چنین جامعه ای در قالبی متفاوت و ناهمگون، در عرصه ی کفاح، چاره ای جز نقد و تحلیل مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی خود در منطقه ی معین و مشخصی که زادگاه و محل رشد و نمو و ادامه ی حیات اوست

ندارد. اینان با تبیین مفاهیم اهداف ملت عرب و انتقال آن به نسل های بعد از خود، می بایست در صدد انطباق نظریه ها با واقعیت و اهداف برابری طلبانه و برخوردی از حقوق و مزایای شهروندی و انسانی خویش بوده و باشند. استمرار حیات سیاسی و اجتماعی و برخورداری از حقوق شهروندی ضرورت فضای باز سیاسی - اجتماعی و گسترش تحولات و عدالت اجتماعی در سطح منطقه را طلبیده و تقاضا می نماید! وظیفه ی انعکاس و بازتاب چنین افکار و اندیشه های انسانی و بشر دوستانه ای از جانب ملت عرب؛ به عهده ی همه ی روشنفکران، آزادیخواهان و عدالتجویان کشور، منطقه و جهان و کلیه ی نیروهای آگاه و مسئول بشمار می رود. تحقق چنین خواسته هایی، در دهه های گذشته، به دلیل استبداد و دیکتاتوری مسلط و شوونیسم افسار گسیخته، و بذر کینه و عداوت و نفاقی که حاکمیت های ضد مردمی و دولتمردان خود فروخته در میان ملت های جغرافیای سیاسی ایران پاشیده و می پاشند، بدور از واقعیت های عینی بود. تبلیغات زهرآگین و مسموم حاکمیت های ضد مردمی، در همه ی ادوار گذشته توانسته بخشی از بدنه ی ناآگاه و بیسواد جامعه را بر انگیزخته و مهیای ستیز با اندیشه های اجتماعی و عدالتجویانه ی جوانان عرب نماید!

گذشت زمان، انطباق نظریه ها با وقایع و تحولات منطقه، ستم و بیداد روزافزون حاکمیت در حق تمام ملت های جغرافیای سیاسی ایران، شدت و اوج گرفتن نزاع های سیاسی در بین گروه های رقیب در حاکمیت، و ... به طور موقت هم که شده زمینه فروکش کردن اندیشه های این بخش از جامعه را فراهم آورد.

چالش های اصلی، نقد مسائل و اهداف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی را به همراه داشته است!

تبعات متعدد و صدمات جبران ناپذیری که در پی سیاست های تبیهکارانه و مخرب رهبران جمهوری اسلامی و دولتمردان دستگاه ولایی شیعه بر ساختار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی منطقه و ملت عرب فرود آمده، شاید در کوتاه مدت ملموس و قابل درک و بررسی نباشد. ولی پیامدهای تلخ و ناگوار آنها در بلند مدت همه را متوجه خود خواهد نمود.

علاوه بر این، پیدایش پدیده های نوین اجتماعی که حاصل برخورد دو فرهنگ (منطقه و مهاجرین) خواهد بود، در نحوه اندیشه، رفتار، خصوصیات اخلاقی و آداب و سنن، تقالید و ازدواج تاثیرات نامطلوب و جبران ناپذیری بر جای خواهد گذاشت. ابعاد تاثیر سلبی اهداف اقتصادی در راستای مصالح دولتمردان و مؤسسات حاکم بر منطقه نیز دارای پیامدهای متعددی خواهد بود. وضعیت خاص حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و وجوه دوگانه ی آنها، مسائل و مشکلات و آثار خاص خود را بر پیکره جامعه بر جای خواهد گذاشت. آثار معین و مشخصی که با گذشت زمان و پابپای پدیدار شدن مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و افزایش فقر، آوارگی، بیکاری و بی خانمانی روز افزون ملت عرب بروز خواهد نمود و چه بسا که سرتاسر منطقه را به آتش بکشد!

بررسی و تحقیقات جامعه شناسانه نشان داده که آسیب های اجتماعی گذر از جامعه ای به جامعه ای دیگر، آنهم با الگوها و مناسبات دیکته شده ی دولتی، باعث رشد و نمو ناهنجارهای غیر قابل کنترل و بروز انفجارهای نابهنگام اجتماعی خواهد شد. حاصل و نتیجه چنین سیاست ابلهانه و ستیزه جویانه ای تولید و باز تولید ناهنجاری های اجتماعی و تنش های سیاسی و بیگانگی طرفین (بومیان و مهاجرین) از جامعه و فرهنگ خویش است! چاره اندیشی های نظامی - امنیتی راه به جایی نخواهد برد و

دولتمردان و سیاستمداران ابله و کودن را وادار خواهد نمود تا در دراز مدت از بذر بادی که در منطقه کاشته اند، طوفان درو نمایند! از مهمترین موضوعات جامعه جایگاه و حدود حریت افراد جامعه است. کلیه کسانی که به دلیل طرح خواسته ها، ایده ها و باورهای خود مورد تعقیب و آزار و اذیت قرار گرفته اند، هر یک از زاویه و منظر خاص خود به پدیده پرداخته اند و تنفر و انزجار شدید خود را از شرایط سیاسی کشور و منطقه (تاثیر شرایط و ساختار حاکم) و دستاوردهایی که این تقابل و ستیز بدنبال داشته ابراز و اعلام نموده اند. علاوه بر این دو مجموعه، عوامل جغرافیایی دیگری نیز تعیین کننده سرنوشت مشترکی است که بر پدیده های اجتماعی مناطق خاص هر ملتی (ج. ا. ا.) (تاثیر گذاشته است و پیوند مشترک تحولات و تغییرات را بدنبال داشته است).

ظرفیت های اجتماعی در برخورد با پدیده های اجتماعی نسبت به نقش و جایگاه نیروی اجتماعی و جامعه رابطه مستقیم داشته و از توانمندی کافی برخوردار است. تا آن اندازه که با جذب و آرایش نیروهای پراکنده در سطح جامعه، از نیرو و توان فکری و عملی آنان بهره جسته و در برابر شرایط صعب و ناگوار و کاستی های موجود، به مقاومتشان وامی دارد. واضح و روشن است که تنها یک تشکل و سازمان مبارزاتی و رهایی بخش، در تمام مراحل و لحظات مبارزه و مقاومت و پایداری، چنین آرایشی را حفظ و در برابر معضلات و پدیده های اجتماعی راهکار مناسب و تاکتیک خاص را پی ریزی می نماید. نتیجه ی تصادم و تقابل دو نیرو یا دو عقیده ی ناهمگون در جامعه و پیروزی یکی بر دیگری بستگی تام به شناخت و درک موقعیت ها و شرایط عینی - ذهنی جامعه از سوی نیروی پیروز داشته و خواهد داشت.

خلاقیت ها و شناخت های نوین در رابطه با چنین موضوعاتی زاویه ای از اختلاف و موضوع های محدود و مشخص موجب می شود تا بخش وسیعی از جامعه در مورد اشتراک مساعی مشکل داشته و چنین وضعیتی در برابر راهکارها و ایده های نوین سودی را نصیب جامعه ننماید. ضعف تئوری و بینش سیاسی بشدت در تعارض با عوامل اجتماعی فوق بوده و ضرورت رفع چنین نقصانی در سطح جامعه نیازمند درک و شناخت جمعی بوده و طرد ذهنیت بسته ای را مطالبه می کند که محصول دهه های گذشته و سیطره عوامل بیشتر و نامتجانس با ویژگی ها و ساختار و مناسبات اجتماعی ملت های جغرافیای سیاسی ایران و ملت عرب بر روابط اجتماعی است. ذهنیت بسته و مخربی که در افکار لایه های ناهمگون جامعه رسوخ نموده و آثار شوم و ویرانگرانه ی خود را بر جای گذاشته است.

جامعه ای که به اجبار بار فرهنگ تحمیلی عقب مانده، ضد علمی، مملو از اوهام، خرافات و دیدگاه های واپسگرایانه و شوونیستی حاکمیت مسلط را بر دوش می کشد و متحمل خسارت های جبران ناپذیری می گردد. جامعه ای که در پناه این فرهنگ تحمیلی و ضد ارزشی شاهد قربانی شدن و هدر رفتن خلاقیت های جوانان و آینده سازان خود است. جامعه ای که دنیای امروز و در میان کشورهای جهان، در تمامی زمینه های ویرانگری، از جمله فرار مغزها، رتبه اول را به دست آورده و با همه ی توان از این جایگاه و موقعیت شرم آور خود پاسداری و نگهبانی می کند.

نتیجه و بازده چنین ویرانگری های تبهکارانه و ضد بشری از سوی حکومت ها و دولتمردان منفعت طلب و ضد مردمی است که افکار و ایده های نو در جوامع ما عموماً و منطقه ما خصوصاً با مقاومت زیادی روبرو می شود. و این مقاومت پس

از گذشت سنوات متمادی مداوما تولید و باز تولید می شود و با همه ی توان و نیروی اهریمنی خود که ریشه در افکار پوسیده و قرون وسطایی حاکمان و دولتمردان جاهل و تیره دل دارد، جلوی هر اندیشه و حرکت مترقیانه و نوینی را سد می نماید.

این نحوه ی نگرش و ممانعت جامعه از توانایی ها و قدرت ذاتی خویش، که بی شباهت به خودکشی درونی و آمادگی در برابر بیداد، استثمار و استعمار حکومتگران و دولتمردان و نگاهداشتن جامعه در نکبت و فلاکت و ادبار همیشگیست، نتیجه ی تبلیغات مسموم دشمن از سوئی و نحوه تفکر عقب مانده و اوهام پرست خود جامعه از جانب دیگر است. تفکر عقب مانده، اوهام پرست و خرافاتی ای که که استبداد و دیکتاتوری مداوم و بدون وقفه ی چندین و چند قرن گذشته در پی داشته و رسوبات مسموم و فلج کننده ی خود را در رگ و پی آحاد جامعه بر جای گذاشته است.

در یک کلام، قسمت اعظم گناهان و عقب ماندگی ها، پیش از آنکه نتیجه ی تبلیغات دشمن و اعمال شیوه های سرکوب، ارباب، شکنجه و کشتار و تحمیل شرایط نظامی - امنیتی رژیم های ضد مردمی از جمله جمهوری اسلامی ایران و اندیشه ی شوونیستی شیعه باشد، متوجه ی افراد جامعه، بویژه روشنفکران و نخبگان آنهاست. زیرا پذیرش اندیشه های و تفکرات خرافی و حرکت در راستای خواسته ها و منویات اهریمنی و شیطانی حکومتگران، نشأت گرفته از روحیات و معنویات فرهنگ و ساختار اجتماعی ملت عرب و ملت های ج. ا. ا. بشمار می رود.

چنین نقطه ی ضعف و پاشنه ی آشیلی باعث گردیده تا دولت های حاکم و حاکمان دولتمدار، با همه ی توان و با صرف هزینه های سنگین، در راه تقویت و زنده نگاهداشتن چنین روحیه ای بکوشند و همزمان با جهل و اوهام پراکنی و تخدیر بیش از پیش توده ها، از همین سلاح دهشتناک و مرگ آفرین، جهت نفاق

افکنی و دشمنی، ایجاد فاصله و دور نگهداشتن ملت ها از همدیگر و بعنوان ابزار و متغییری کارآمد و چاره ساز در ادامه ی استثمار و استعمار ملت های جغرافیای سیاسی ایران، از جمله ملت عرب سؤاستفاده ها نموده و سوده های کلان ببرند! دولتمردانی که دهه های گذشته با شناخت کافی از جامعه ما و ملل، در جهت حذف فیزیکی آراء و افکار و هویت عوامل مطرح کوشیده و اهداف نامقدس استراتژی و تاکتیکی خویش را تحقق بخشیده اند.

متأسفانه سیاست تفرقه، عدم اعتماد، فرار از کارگروهی مشترک و ... تأثیرات مخرب و ویرانگرانه ی خود را در میان احزاب، سازمان ها، گروه ها و افراد روشنفکر و اندیشمند نیز بر جای گذاشته است! استمرار حکومت سی ساله ی جمهوری اسلامی و دستگاه ولایی شیعه با تمامی سُبُعیت، درنده خویی و استبداد و دیکتاتوری بربرمنشانه اش، بهترین و مستدل ترین دلیل این امر است. جامعه ی ما چنان در چنبره ی این بیداد و آفت خانمانسوز گرفتار است که با شدت گرفتن سرکوب و شکنجه و آزار و اذیت از جانب دولتمردان و لگدمال کردن هرچه بیشتر خواسته ها و آمال ملت های جغرافیای سیاسی ایران، فاصله و شکاف بین هدایتگران جامعه نیز وسعت و حدت بیشتری گرفته و می گیرد. به نحوی که هر چند دستاوردهای تئوری انتفاضه داخل و خارج از کشور بر روی یکدیگر تأثیر گذار بوده، به یکدیگر و از همدیگر آموخته و یاد گرفته اند، اما مجموعه ی حرکت ها و فعالیت هایش در حد دلخواه و کارساز نبوده است.

هر چند اعتراضات گسترده و همه جانبه ی مردم، به بهانه ی تقلب در انتخابات دهمین دوره ی ریاست جمهوری و کودتای جناحی از حاکمیت علیه مردم و جناح دیگر، بر عوامل و متغیرهای دخیل در الگوی تحول مؤثر و مفید بوده و محافل و

مردم مترقی و پیشرفته جهان را متوجه ی خود نموده است، با کمال تأسف به دلیل پراکندگی و دوری احزاب، گروهها و سازمان های سیاسی از همدیگر، با توجه به زمان از دست رفته نتوانسته و قادر نبوده آلترناتیو مناسبی را خلق و به صورت سازمان یافته رو در روی حکومتی بدنام، رسوا، منفور و بدون مشروعیت قرار دهد.

نباید از نظر دور داشت که حرکت های اعتراضی توده های مردم، در چارچوب ظرفیت های مطرح و با توجه به همه ی محدودیت های موجود دستاوردهایی فراتر از حدود جغرافیایی جامعه و منطقه به دست آورده و توانسته جهانی را متوجه ی خواسته ها و آمال انسانی خود نماید! از طرح شعارها و تجمع و اعتراض های خود جوش که گاه به دور از خواست و اراده ی رهبران جنبش سبز بوده و هست، در می یابیم که در جامعه ی فلاکت زده ما، نه بر اساس برنامه ریزی و تاکتیک و استراتژی حزب یا سازمانی مشخص، بلکه بر اساس الگوی نوین و معین و مشخص تفکرات و اندیشه های خودجوش جوانان، دانشجویان، زنان و کارگران بدون تشکل و سازمان یافته و استوار بر تجربه های (تجارب) پیشین بوده است. با این حال، بشدت در تعارض با داده هایبست که ترسیم کننده اهداف استراتژی حکومتگران کودتاگر و دولتگردان ضد مردمیست!

چنین حرکت و جنبشی، بر مبنای شناخت توده ها و نتیجه ی اعمال ضد مردمی و تبهکارانه ی حکومتی است که بشدت در برابر خواسته های بر حق و حیاتی مردم پایداری و مقاومت نموده و خائنانه منافع کلان سرمایه داران داخلی و بین المللی را بر منافع ملت های جغرافیای سیاسی ایران ترجیح داده است. واقعیت اینست که استمرار ددمنشی و سیاست های تبهکارانه ی رژیم در حق ملت های جغرافیای سیاسی ایران، پس از گذشت

دهه های متمدنی افکار و ایده های نوین را در اذهان توده ها خلق و زمینه ی رشد و نمویشان را فراهم نموده است. افکار و ایده هایی که به مرور جنبه ی همگانی و جمعی یافته و از محدوده ی قشر آگاه و تحصیل کرده پای فراتر گذاشته است.

فرا رویی چنین ایده و تفکری، در محدوده ی منطقه و در بین جوامع روشنفکری ملت عرب، بیشتر و بیش از پیش مدیون و مرهون انتفاضه است. این پدیده ی نوین، در برابر آراء و سلیقه فردی که در مقطعی جوابگو بوده، قد بر افراشته و به راستی در تعارض با پدیده ها و ساختارهای تحمیلی و سلیقه ها و نظراتی قرار گرفته که گاهها هیچگونه سنخیت و تجانسی با عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی منطقه نداشته است.

اندیشه ی نوین در تعارض و ستیز با همه ی پدیده ها و عواملی است که بر خلاف مسیر حرکت تاریخ و تکامل به راه افتاده و در جهت هویت زدایی و نفی ملت عرب گام بر می دارد! درک و تجربه نوین، متفاوت با تفکرات و اندیشه های کهنه ی گذشته، در راستای پیگیری و جانشین نمودن بدیلی ایجابی و خلاق به منظور آموزش، پرورش و تربیت ذهنیتی است که حقایق و وقایع تاریخی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی ملت عرب را ترسیم می نماید.

حذف ذهنیتی که با عرضه مطالب گنگ و موهوم و غیر واقعی در طی دهه های متمدنی ملاک کار آیی دولتمردان خائن و وطن فروش بوده نیز آماج حمله ی همین اندیشه و تفکر نوین است. الگوی کنونی در سطح منطقه و جوامع ملت های جغرافیای سیاسی در راستای شستشو و پاک نمودن ذهنیت ملت ها و حافظه تاریخی آنان از رسوبات مخرب و ویرانگریست که در مراحل مختلف تاریخی از سوی حکومت ها و دولتمردان تجویز و آثار شوم و ویرانگرانه ی خود را در زمینه های اجتماعی،

فرهنگی، تاریخی، سیاسی بر جای گذاشته است. ملاک و سنجش روش ها، دیدگاه ها، نتایج و حتی پرسش ها و مسائل نوین بر پایه همین شناخت ها و روش هایی صورت می گیرد که استمرار و ادامه دهنده روند دهه های گذشته بوده است.

جنبه های محتوایی تئوری و پراتیک نوین متوجه جامعه و تقویت اهداف غایی آن بوده و از سوی دیگر در جهت تضعیف، کنار زدن و حذف عوامل ساختاری حاکم بر منطقه به تلاش و حیات خود ادامه می دهد. سلايق و آراء و باورهای نوین را در منطقه و حتی در بین دیگر ملت های جغرافیای سیاسی ایران، باید مایه امیدواری و خوشحالی دانست و مقدم چنین بدیل و گزینش خجسته ای را گرامی داشت.

با رشد، اوج گیری، گسترش و جا افتادن چنین برداشت و اندیشه ای در اذهان توده های مردم، باید امیدوار بود که راه های تحقق اهداف جامعه، متفاوت و متغیر از آنچه حاکمیت می طلبد و کل نظام و سیستم موجود پیگیریش می نماید هموار و خواسته ها و آمال های انسانی ملت های جغرافیای سیاسی ایران، بویژه ملت عرب متحقق خواهد شد. و این همان چیز است که جامعه ی ما پس از گذشت دهه ها و سده ها انتظارش را می کشد. ضرورت شناخت پدیده ها، شکل گیری تشکل های مردمی و مبارزه آگاهانه علیه آنچه نشانه ی فساد، بی عدالتی، تبهکاری، ویرانگری و عقب ماندگی جامعه!

شناخت و درک آنچه که هر جامعه ای بعنوان مشکلات و معضلات اجتماعی با آن مواجه بوده و پاره از کشورها و ملت ها توانسته اند در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود با پایان دادن به سیطره ی استبداد و بی عدالتی و حل چنین معضلاتی در جهت خلاقیت و شکوفایی جامعه خود گام بردارند و به سعادت نسبی برسند! جوامع و ملت هایی که با اتکاء به تاریخ، توجه به

دستاوردهای مبارزاتی پدران خویش، استفاده‌ی به موقع از تجارب گذشته و همیاری و همکاری آگاهانه و مستمر توانسته‌اند دیو استبداد و استثمار و استعمار را به بند بکشانند و ریشه‌ی بی عدالتی‌های اجتماعی موجود در پاره‌ای از کشورهای عقب مانده و به اصطلاح در حال توسعه مانند کشور ما را بخشکانند! نسل گذشته‌ی ملت‌های جغرافیای سیاسی ایران و ملت عرب، انبانی از تجربه‌های خویش (گذشته و حال) و مجموعه‌ای از نتایج شناخت‌ها، رفتارها، اسلوب‌ها و معیارهای زندگی و مبارزاتی خود با رژیم مستبد و حکومت‌های ضد مردمی را برایمان بر جای گذاشته‌اند! آثار و سوابقی که براحتی می‌توانند پایه‌گذار و بنیان فصل مشترکی در میان جیل جدید باشد.

عوامل عقب ماندگی و معضلات ریشه‌ای، از بطن روابط اجتماعی - فرهنگی گذشته و شیوه‌ی برخورد با سیاست‌های دولت مرکزی نشأت گرفته است. از این روی در مرحله‌ی نخست می‌بایست در پی عوامل اساسی و مستتر جامعه که همانا علل ریشه‌ای اجتماعی - فرهنگی است گشت و از طریق نقد و بررسی آنها موجبات مشارکت، تقویت تجارب، استفاده‌ی بهینه از تئوری‌ها، بهره‌برداری از دست‌آورد و نتایج مبارزات گذشته را فراهم آورد.

جای شگفتی نیست که در محدوده‌ی کثیرالمله‌ای چون ایران میزان درجه‌ی رشد آگاهی در بین ملت‌های جغرافیای سیاسی ایران متفاوت بوده و نحوه‌ی نگرش هر یک از این ملت‌ها نسبت به سیاست‌های دولت‌های مرکزی و محافل بین‌المللی فرق داشته باشد. رشد آگاهی و شناخت ماهوی دوست و دشمن، نیک و بد و دیگر مسائل اجتماعی زمانی میسر است و دچار تعبیرات کیفی می‌گردد که شعور سیاسی - اجتماعی آحاد جامعه بالا رود. به حدی که شهروندان حداقل از شناخت نقش سیستم و

مؤسسات حکومتی، یاران و متحدین و دشمنان طبقاتی خود عاجز و درمانده نباشند! بویژه در سرزمینی که دولت مرکزی، سیاست سرکوب، ارباب، شکنجه و اعدام را به عنوان تنها راه چاره و وسیله‌ی به بند کشیدن و استثمار و استعمار شهروندان و در نطفه خفه نمودن تمامی حرکت‌ها و اعتراضات حق‌طلبانه بر می‌گزیند و در برابر تحولات و تغییرات با جان سختی مقاومت و پایداری می‌نماید.

پروسه رشد ارتقاء آگاهی ذهنی بی‌شک زمینه‌ساز خلق عالیترین شکل نضال خواهد بود. که خود تابعی از شرایط اجتماعی و گسترش انتفاضه در سطح منطقه و ملت‌های جغرافیای سیاسی ایران است. تلفیق نضال با آگاهی و رشد ذهنی جامعه تنها راه ممکن ایجاد تحولی ریشه‌ای و عمیق و پایدار بشمار رفته و می‌رود.

فاکتور تاریخی انتفاضه نیشان‌پدیده کاملاً نوینی در تاریخ معاصر ملت عرب بشمار می‌رود. درک و شناخت حوادث تاریخی و نتایج و دستاوردهای آن را که با سرنوشت و آینده‌ی ملت عرب، ارتباط مستقیم و بلاواسطه دارد، می‌بایست ملاک و معیار مطالعات و بررسی‌های علمی خود قرار دهیم. تا به آنچه می‌خواهیم دست یابیم و با توانمندی و نیروی تاریخ نوین را پی ریزی و ارثیه‌ی گرانبها و ارزشمندی را برای اجداد مستقبل به یادگار بگذاریم. با گزینش چنین روشی نه تنها مطالعه و درک مضمون حوادث در آینده آسان‌تر می‌شود، بلکه سنت مبارزه و حق‌طلبانه‌ی خود را نیز جاودانگی می‌بخشیم.

از نکات عمده‌ای که در پیشنهاد و تدوین علت وجودی چنین گزینشی عمده و اساسی بشمار می‌رود، این است که در درک ضرورت و تدوین خط‌مشی دقیق و صحیح، مهمترین عرصه تحولات اجتماعی و علمی‌ترین راه رسیدن به نتایج قاطع و

ابجاد تحولات بنیادی با هدف بهره مندی از رویدادهای تاریخی به نفع ملت ها است.

بکارگیری اندیشه های نوین نسل جدید و تکمیل و بارور نمودن آنها در برابر اندیشه ها و دیدگاه های تحریف شده ایست که حائل میان واقعیت عینی و متحرک کنونی است و تدوین اصول اساسی کفاح بمثابه یکی از ارکان مهم انتفاضه نیسان و نقش تاریخی و رسالت و آگاهی و درک قدرت و رسالت خویش را مبتنی بر استراتژی و تاکتیک بنیان خواهد کرد.

تاکتیک انتفاضه شکل بیان سیاسی - تاریخی اهداف و گویای عزم راسخی است که در متن حوادث چند دهه اخیر به منصفه ی ظهور رسیده است. آمیخته ای از وقایعی و حوادثی که پیوند عمیق موجود میان واقعیت های متغیر منطقه، جهان در حال تحول و تغییرات کنونی کشور را نشان می دهد.

با مطالعه و بکار بستن تجارب تاریخی ملت های الجزایر، لیبی، فلسطین، با استناد به ویژگی های خاص تنوع شرایط، زمان، مکان، طبیعت، و انطباق تجربیات قابل تطبیق با جغرافیای منطقه، قادر خواهیم بود تا فصول عمده و متناسبی با مراحل مطرح و مسائل روز جامعه، در برنامه های مبارزاتی منطقه و ملت عرب بگشاییم. لازم به ذکر است که با در نظر گرفتن چنین ویژگی هایی، به سهولت قادر خواهیم بود مقدار متنابهی از مشکلات و معضلات موجود را پشت سر گذاشته و زمینه ی تغییرات ریشه ای و بنیادین لازم را با تلافات و هزینه ی کمتر هموار نماییم!

طبیعیست که همگام با رشد تحولات انتفاضه و گسترش آن در سمت و سوها و جوانب گوناگون، بر میزان دانش مبارزاتی و رشد آگاهی ملت عرب و دیگر ملت های جغرافیای سیاسی ایران افزوده خواهد شد. و همین رشد آگاهی و تبادل افکار موافق و

مخالف، انتقاد و انتقاد از خود، ضرورت تحولات بیشتر و دانش افزونتری را ایجاب می نماید. تحولاتی که به ناگزیر و خواه نا خواه در پی تغییرات کمی - کیفی و گام گذاشتن به مرحله ی متکامل تری از مبارزه و به عقب راندن نیروهای ضد مردمی تحت فرمان رهبران تبهکار جمهوری اسلامی و پیروان ذوب شده در ولایت شوونیستی شیعه خواهد بود. علاوه بر آن، چنین ضرورت حیاتی و نجات دهنده ای انسجام و اتحاد نیروها و متشکل نمودن آنان حول محوری واحد و اهداف مشخص را در پی خواهد داشت. مراحل بعدی و پیشرفته تر، به طور اتوماتیک و بر اساس قوانین مبارزه و کامل، شیوه های صحیح تر نضال را به نیروهای درگیر می آموزد و با سوق دادن و راندنشان به جلو و ادارشان می نماید تا به سوی نتایج دلخواه و دستیابی به تحولات عمیق و سازنده در ابعاد کمی - کیفی یورش برند و تا دست یابی بدان ها از پای ننشینند! انتفاضه و نبرد بین نیروهای ضد مردمی، ضد تکاملی، واپسگرا و عقب مانده از سویی و نیروهای تحول طلب و آزادی خواه از جانب دیگر، بلااستثناء بدنبال سازماندهی نیروهای پراکنده و تدوین برنامه ریزی مدون خویش حرکت خواهد نمود.

بر نیروهای مترقی، آزادیخواه و رهایی طلب، روشن و مبرهن است که خطر نابودی اکولوژیک، فاجعه های زیست محیطی و اضمحلال فرهنگی و استحاله ی ملی، نژادی، قومی سرتاسر منطقه و ملت عرب را به نحوی دهشتناک و باور نکردنی تهدید می کند! رودخانه ی کارون آخرین نفس های حیات خود را می کشد. حیات وحش و زندگی آبزیان با مرگ و نیستی دست و پنجه نرم می کند. کشاورزی سنتی منطقه به گذشته ها پیوسته است. ملت عرب با فاجعه ی چند پارچگی، آوارگی، بیکاری و

هزاران فاجعه ی اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی دست به گریبان است! کل منطقه می رود تا به مخروبه ای تاسف بار مبدل گردد! چنین نتایجی حاصل تجارب تلخ سنوات و دهه هایی است که منطقه با فراز و نشیب های فراوان و حوادث ناگوار و گُشنده پشت سر گذاشته است!

اسناد، مدارک و شواهد تاریخی و نیروهای متعهد و دلسوز جامعه متفق القول و یک صدا بر این باورند که نظام غارتگر و تبهکار جمهوری اسلامی و دولت های بر خاسته از این نظام ویرانگر و عوامفریب با تمامی نظام ساختاری - سیستم و مؤسسات پر هزینه و نا کارآمد خود، هرگز در جهت منافع و مصالح ملت های جغرافیای سیاسی ایران، از جمله ملت عرب گامی مثبت و انسانی برنداشته است.

ستم و استثمار و استعمار روز افزون، سرکوب و کشتار ددمنشانه و ضد بشری، ایجاد جو خفقان، نظامی - امنیتی کردن جامعه، رواج روز افزون بیکاری، فقر، اعتیاد، فحشاء، تربیت و پرورش باندهای مافیایی، رشوه خواری های کلان، اختلاس های سرسام آور، اعمال شنیع ترین و غیر انسانی ترین، تبعیض ها، توهین ها، تحقیرها و حق کشی ها در حق ملت های جغرافیای سیاسی ایران، بویژه ملت هایی که از نظر تعداد نفوس و ایدئولوژی مذهبی، فرهنگ، زبان و غیره در اقلیت قرار داشتند، از جمله ملت نجیب و سازنده ی عرب، سر انجام آنان را به موضع دفاعی و درگیری با نظام کشاند.

ملت عرب، با آغاز و شرکت در دو انتفاضه ی محمره و نیسان، باب مرحله نوینی از تاریخ معاصر خویش را گشود و با دست یافتن به آگاهی سیاسی و نضال سیاسی بویژه در بطن انتفاضه نیسان، خواسته های حق طلبانه و اهداف انسانی خویش را با طرح شعارهای مسالمت جویانه بیان نمود. پاسخ رژیم تبهکار و

جنایت پیشه ی اسلامی ایران، در عوض حمله ی نظامی، کشتار، سرکوب و زندان و شکنجه و در نهایت ویرانی منطقه و تصمیم بر پراکندگی و نابودی ملت عرب بود! سیاست جنایتکارانه و ددمنشانه ای که کاملاً با سیاست های رژیم اشغالگر صهیونیستی و ایالات متحده ی امریکا علیه ملت های منطقه و جهان همخوانی و همگامی دارد.

اما این پایان ماجرا نیست! زیرا اهمیت تاریخی انتفاضه نقطه عطفی در تاریخ نوین منطقه و ملت عرب بشمار رفته و تا رسیدن و دستیابی به اهداف تاکتیکی - استراتژیکی خود از پای نخواهد نشست.

صدای اعتراض و فریاد حق طلبانه ای که روزگاری نه چندان دور، از از گلوی ملت مظلوم عرب برخاسته بود، هم اکنون در سراسر کشور و از حنجره ی میلیون ها ستمکش و دردکشیده ی دیگر بیرون می طراود. در فضای کشور با صدایی رسا و خشم آلود می پیچد و خواب راحت را در چشمان رهبران تبهکار جمهوری اسلامی و دولتمردان منفعت طلب و خادم سرمایه می شکند!

نباید از نظر دور داشت که در بحبویه و در فاصله ی دو انتفاضه ی محمره و نیسان، بیشتر بینش ها و نقاط قوت و ضعفی که بنا به دلایلی خود را پنهان نگاه داشته بودند، نمایان و برجسته شدند. مسائل و دیدگاهها و بینش هایی که به هر صورت می بایست در پروسه ی پراتیک نضال، در وسعت و محدوده ی بزرگی به نقد و بررسی گذاشته شوند.

تجربیات تاریخی بویژه افت و خیزها، فراز و نشیب ها و ناکامی های سی ساله ی گذشته به ما آموخته که در یک محیط آشفته و توأم با بلبشو و سر درگمی و آلوده به همه ی رسوبات مسموم و کشنده ی حاصله از تبلیغات دولت ها و حاکمیت های ضد

مردمی، متشکل کردن نیروها بر پایه ی یک برنامه و تئوری مشترک، کاری دشوار و به دور از واقع به نظر می رسد. زیرا حاملان و دارندگان همه ی این دیدگاه ها و نظریات، خود و تنها خود، بدون احترام و قبول داشتن ایده و نظریات شخص ثالث، در پی انتخاب مسیر و هدف خود بوده و انعطاف درین باب را خارج از چارچوب عقیدتی، سازمانی، گروهی و فردی خود تعبیر و تفسیر می نمایند. چه نیروها و گروههایی که می بایست توان و انرژی سازنده و بار آور خویش را صرف برخورد و خنثی نمودن تاثیرات عقاید و دیدگاههایی نمایند که تاثیر جز ضرر و ضربه زدن، به منافع، مصلحت و اهداف استراتژی سیاسی ملت عرب و منطقه نداشته و ندارند! همان سیاست غلط و دشمن شاد کنی که با کمال تأسف در تمامی کشور و در بین نمایندگان دیگر ملت های جغرافیای سیاسی ایران نیز عمومیت داشته و به صورت اپیدمی در آمده است!

متأسفانه، بینشی چنین، با همه ی تجربیات تاریخی و شکست های مکرر و در عین حال با هزینه ای سرسام و گران، در ابعاد مادی و معنوی، طیف نسل کنونی را اسیر و معبود چارچوب تنگ نظرانه خویش نموده است.

انتفاضه های محمره و نیسان، نه بطور کامل، بلکه در اندازه ای خُرد و در عین حال قابل توجه، ضرباتی بر پیکره و بدنه ی چنین تفکراتی وارد نماید و در مقیاسی اندک چشم و گوش نسل کنونی عرب را باز و روشن نماید!

یکی از نکات مثبت و قابل توجه ی دستاوردهای انتفاضه در همین جاست. امری باعث می شود تا ملت عرب، بویژه جوانان و نسل کنونی پی به اهمیت نقش تاریخی تحولات انتفاضه و نیروی شرکت کننده در پروسه ی آن نمایند!

پیگیری و استمرار چنین پروسه‌ی حیاتی و سرنوشت‌سازی، به نسلی واگذار و موکول گردید که با مطالعه و شناخت جامعه‌ی محدود و بسته خویش، شرایط، اهداف و جهت تغییر و تحولات کشور، منطقه و سایر جوامع بین‌المللی را لمس، درک و در آن به رشد و نمو و بالندگی سیاسی - اجتماعی خویش بپردازد. ضرورت تاکید بر نقش عوامل تاریخی و توجه و اهمیت به تحولات انتفاضه‌های محمره و نیسان و تلاش در جهت استمرار مبارزه، نشان‌دهنده‌ی ایمان راسخ و راستین به استراتژی سیاسی ملت عرب و اهمیت یاری‌رسانی به وی در جهت احراز قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی است.

اهمیت برنامه‌ریزی و پیروی از خط‌مشی واحد، صحیح و شفاف سیاسی، بمثابة مرزبندی قاطع با سکتاریسم و دیدگاه‌های مبتنی بر اوهام نیروهای منشق از ائتلاف است. بکارگیری و اجرای عملی مسائل اصولی منوط به درک شرایط تاریخی منطقه و آگاهی و تاثیرپذیری عمیق از تحولات سیاسی داخل و بین‌المللی است.